

بیتنا

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

سپیده امید

کاوشی در مهدویت

سید حسین اسحاقی

بسم رب العلمين

سپیدہ امید

موضوع: **اهل بیت (ع): ۶۰ (تاریخ ۱۴۲۲)**

گروه مخاطب:

عمومی

شماره کتاب: ۹۴۸

مسلسل انتشار: ۲۵۴۳

کتاب‌های مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما/۱

اسحاقی، سید حسین، ۱۳۴۱ -
سپیده امید: کاوشی در مهدویت / سید حسین اسحاقی - قم: بوستان کتاب قم (مرکز چاپ و نشر دفتر
تلیفات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۰.
۱۹۱ ص. - (بوستان کتاب قم: ۹۴۸. کتاب‌های مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛ ۱)
(اهل بیت (ع): ۶۰. تاریخ: ۱۴۲۲)

ISBN 964 - 371 - 878 - 6: ریال: ۱۱۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
ص. ع. به انگلیسی: [Suyyed Hosayn Eshāpī. Sepideye Omid (Dawn of Hope)]
کتابنامه: ص. [۱۸۹] - ۱۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
چاپ سوم: ۱۳۸۴.
۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. الف. دفتر تلیفات اسلامی حوزه
علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب قم. ب. عنوان. ج. عنوان: کاوشی در مهدویت.

۲۹۷/۴۶۲

۲ ص ۵ الف / ۲۲۴/۴ BP

۱۳۸۴

سپیده امید

کاوشی در مهدویت

سید حسین اسحاقی



تهیه: مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما

بیت

۱۳۸۴

بستان کتب

سپیده امید
کاوشی در مهدویت

- نویسنده: سید حسین اسحاقی • تهیه: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
- چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی • نوبت چاپ: سوم / ۱۳۸۴
- شمارگان: ۱۵۰۰ • بها: ۱۱۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

✓ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائی)، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۷-۷۷۴۲۱۵۵، نمابر: ۷۷۴۲۱۵۴

✓ فروشگاه مرکزی: قم، چهار راه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

تلفن بخش: ۷۷۴۳۲۲۶

✓ فروشگاه شماره ۲: تهران، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پشن)، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵

✓ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهار راه خسروی، مجتمع پاس، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، گلستان کتاب، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

✓ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲

پست الکترونیک: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی با آن در وب سایت:
<http://www.bustaneketab.com>

با قدر دانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: علی اکبر علی زاده ○ کنترل ویرایش: محسن صادقی و محمد تقریان ○ اصلاحات حروف نگاری: محمود هدایی و راضیه بذرافشان ○ صفحه‌آرا: احمد آخلی ○ نمونه خوانی: محمد جواد مصطفوی و جلیل حبیبی ○ کنترل نمونه خوانی: ولی قربانی ○ کنترل فنی صفحه‌آرایی: سید علی قائمی ○ نظارت و کنترل: عبدالهادی اشرفی ○ مسئول تولید: حسین محمدی ○ پی‌گیر چاپ: سید رضا محمدی

ناشر

تقدیم به او که:

جهان با وجود او بر مدار عشق می چرخد؛
خورشید به یمن درخشش نورش ارض و سما را
نورباران می سازد؛
از فیض نگاهش، قلب منتظران چشم به راهش به تپش
درمی آید؛

و با آمدنش قدم بر چشمان ما می نهد.
یا بنّ الحسّن روحی فِداک متی ترانا و نراک؛
ای امام زمان! جانم فدایت، کی می رسد آن هنگام که
شما ما را و ما شما را ببینیم؟!

فهرست مطالب

۵	تقدیم به او که:
۱۵	دیباچه
۱۷	مقدمه مؤلف

بخش اول: از تولد تا غیبت

۲۱	میلاد مهدی (عج)
۲۲	اسامی و القاب امام زمان (عج)
۲۳	دوران زندگانی حضرت مهدی (عج)
۲۳	غیبت امام عصر (عج)
۲۵	۱. آزمایش مردم
۲۶	۲. محفوظ ماندن آن حضرت از کشته شدن
۲۶	۳. نبودن بیعت هیچ کس بر او
۲۷	سفیران امام <small>علیه السلام</small> در عصر غیبت صغری
۳۰	غیبت کبری
۳۱	نیابت عامه
۳۲	غیبت از نگاه معصومان <small>علیهم السلام</small>
۳۳	امام علی <small>علیه السلام</small>

۳۴	امام حسن <small>علیه السلام</small>
۳۴	امام حسین <small>علیه السلام</small>
۳۴	امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۳۵	امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۳۵	امام صادق <small>علیه السلام</small>
۳۵	امام کاظم <small>علیه السلام</small>
۳۶	امام رضا <small>علیه السلام</small>
۳۶	امام جواد <small>علیه السلام</small>
۳۶	امام هادی <small>علیه السلام</small>
۳۷	امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۷	امام مهدی (عج)
۳۷	دیدار در زمان غیبت
۳۹	وظایف شیعیان در عصر غیبت

بخش دوم

بخش دوم: اعتقاد به مهدویت در سایر ادیان و ملل

۴۳	آیین هندوها
۴۵	آیین زردشتی
۴۵	آیین یهود
۴۷	آیین مسیحیت
۴۸	مهدی (عج) در منابع اهل سنت
۴۹	یک سند زنده
۵۰	سخنان عالمان اهل سنت
۵۲	نظر متفکران غربی درباره مهدویت
۵۴	صاحب الزمان (عج) از نگاه هانری کربن

بخش سوم: امام مهدی (عج) در قرآن

بقیة الله	۵۸
امر الله	۵۸
وارثان زمین	۵۹
نصر خدا	۵۹
نور پروردگار	۵۹
نصرت الهی	۶۰
نزدیکی رستاخیز	۶۰
نور الله	۶۰
روشنایی روز	۶۱
طلوع فجر	۶۱
تفسیر چند آیه درباره وجود مقدس امام زمان (عج)	۶۱
یاران خدا	۶۱
۱. موقعیت آیه	۶۲
۲. برنامه عملی یاوران خدا	۶۲
۳. مصداق آیه	۶۳
انقلاب مستضعفان	۶۴
محبت به امام زمان (عج)	۶۵
مصداق آیه	۶۷
چشمه همیشه جوشان الهی	۶۸
یک نکته ارزشمند	۶۹
خواص خورشید پنهان	۷۰
درماندگان وادی غیبت	۷۱

مصدق آیه ۷۲

بخش چهارم: امام علیه السلام و جامعه مطلوب

فواید وجود امام ۷۳

رفتار و سیرت مهدی (عج) ۷۸

سیرت دینی ۷۸

سیرت خلقی ۷۸

سیرت عملی ۷۹

سیرت انقلابی ۷۹

سیرت سیاسی ۷۹

سیرت تربیتی ۸۰

سیرت اجتماعی ۸۰

سیرت مالی ۸۱

سیرت اصلاحی ۸۱

سیرت قضایی ۸۱

خصوصیات یاران قائم (عج) ۸۲

خصایص روحی ۸۲

ویژگی‌های جسمانی ۸۴

تعداد یاران قائم (عج) ۸۴

خصوصیت جامعه موعود ۸۵

۱. ساده زیستی کارگزاران حکومت ۸۶

۲. قاطعیت با کارگزاران و ملاطفت با زیردستان ۸۶

۳. تأمین رفاه اقتصادی مردم ۸۷

۴. گسترش عدالت و مساوات ۸۷

بخش پنجم: انتظار موعود

۸۹	انتظار فرج
۸۹	انتظار ویران گر
۹۰	انتظار سازنده
۹۳	ابعاد عملی انتظار
۹۵	دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small> درباره منتظران
۹۷	احیای هویت اسلامی
۹۸	انتظار از دیدگاه حضرت آیه الله خامنه ای
۱۰۱	تکلیف شیعیان منتظر از نگاه حضرت آیه الله خامنه ای
۱۰۲	وظایف منتظران در عصر غیبت
۱۰۳	وظیفه علما در زمان غیبت
۱۰۵	وظایف منتظران جوان
۱۰۶	۱. شناخت حجت خدا و امام عصر (عج)
۱۰۷	۲. تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی
۱۰۷	۳. پیوند با مقام ولایت
۱۰۸	۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق
۱۰۹	سخنی دوستانه با منتظران جوان
۱۱۰	هشدار به مدعیان انتظار

بخش ششم: پرسش و پاسخ هایی درباره امام زمان (عج)

۱۱۳	چرا به هنگام شنیدن نام قائم (عج) لازم است برخیزیم؟
۱۱۴	مردن با عشق ولی عصر (عج)
۱۱۴	آیا در زمان غیبت ذکر نام امام زمان (عج) به طور صریح جایز است؟

- ۱۱۶ آیا مهدویت شخصیه است یا نوعیه؟
- ۱۱۶ آیا انقلاب اسلامی نموداری از ظهور امام زمان(عج) است؟
- ۱۱۷ امام زمان(عج) چه وقت ظهور می‌کند؟
- ۱۱۸ نشانه‌های ظهور امام زمان(عج) کدامند و چگونه باید آنها را شناخت؟
- ۱۲۰ آیا ممکن است انسانی قرن‌ها زنده بماند؟
- ۱۲۲ امامان چگونه از اعمال ما باخبر می‌شوند؟
- ۱۲۳ چگونه دریافت علم و آگاه شدن بر کردار مردم
- ۱۲۴ آثار تربیتی آگاهی امام علیه السلام از اعمال مردم
- ۱۲۴ تأثیر دعا در فرج امام زمان(عج) چه اندازه است؟

بخش هفتم: جرعه‌ای از چشمه‌سار عرفان و ادب

- ۱۲۷ متون برگزیده
- ۱۲۷ دعای امام رضا علیه السلام
- ۱۲۸ دعای امام صادق علیه السلام
- ۱۲۸ انتظار
- ۱۲۹ بیا که بی تو
- ۱۳۰ حرف‌های دل!
- ۱۳۱ به ما نگفتند
- ۱۳۲ صبح‌ترین خواب یوسفان
- ۱۳۲ غرق در چشمان هاشمی
- ۱۳۳ ای ساحل آرام بخش نجات!
- ۱۳۴ خدایا، ای مهربان!
- ۱۳۵ مولای من!
- ۱۳۵ ندبه‌های دلتنگی

۱۳۷	اشعار
۱۳۷	شهره نه آسمان
۱۳۸	گلزار زندگی
۱۳۹	کوکب هدایت
۱۴۰	شیعه یعنی شوق، یعنی انتظار
۱۴۱	فروغ دیده نرگس!
۱۴۲	جمعه موعود
۱۴۳	چشم به راه
۱۴۴	کتاب مبین
۱۴۵	سحرآموختگان
۱۴۶	همه هست آرزویم...!
۱۴۷	خراب حور گردم!
۱۴۸	دوران حسن توست
۱۴۸	ادرکنی!
۱۴۸	بوی گل نرگس
۱۴۹	کی رفته‌ی...!؟

بخش هشتم: توشه فرهنگ سازان

۱۵۱	توصیه به ترویج کنندگان فرهنگ مهدویت
	پیشنهاد سازنده و حرکت آفرین (سازماندهی و رژه سربازان امام زمان «عج» در روز میلاد نور)
۱۵۹	
۱۶۱	سؤالاتی برای مصاحبه و گفت و گو
۱۶۲	سؤالات مسابقه‌ای
۱۶۴	هدایت‌گران راه نور

- ۱۶۴ گلچینی از سخنان امام مهدی (عج)
- ۱۶۶ زمزمه‌های عارفانه
- ۱۶۸ امام زمان (عج) در آئینه کلام امام خمینی علیه السلام
- ۱۷۱ امام زمان (عج) در آئینه کلام حضرت آیه الله خامنه‌ای
- ۱۷۳ داستان‌های برگزیده
- ۱۷۳ تولدی الهی
- ۱۷۵ تلاش بی‌فایده
- ۱۷۶ حکایت شنیدنی
- ۱۷۷ کتبه الحُجّه
- ۱۷۸ فرزندان مهدی (عج) در مسجد کوفه

بخش نهم: آخرین کلام و معرفی کتاب

- ۱۸۱ سخن آخر
- ۱۸۳ فهرست بعضی از کتاب‌های بزرگان شیعه درباره حضرت مهدی (عج)
- ۱۸۷ فهرست بعضی از کتاب‌های عالمان اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج)
- ۱۸۹ فهرست منابع و مآخذ

دیباچه

سلام بر انتظار، سلام بر منتظران، سلام بر آنان که تبلور باران نورند؛
سلام بر آنان که اشتیاق را با انتظار درآمیخته و از آن عشقی مقدس ساخته‌اند؛
سلام بر منتظران همیشه بیدار شیعه که انتظار را وسیله شتافتن به حق و تاختن به
ناحق می‌دانند؛

سلام بر مفسران «هیهات منا الذله» که تا صبح ظفر می‌سوزند و هرگز نمی‌سازند؛ و
سلام بر سردار بزرگ پنهان در سراپرده غیب که به انتظار یاری بندگان فتاده در سیلاب
حیرت است. آن موعود که منتظران چشم به راه، به یاد او، چشم به افق‌های دور
دوخته‌اند تا با آمدنش شکوفایی گل‌های امید را به نظاره نشینند.

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی‌تو به جان آمد وقت است که بازآیی
آن چه در پی می‌آید قطره‌ای از دریای بیکران «معرفت» به قبله خوبان، مهر تابان،
موعود آخرالزمان است، امید که بذر محبت را بیش از پیش در قلوبمان بیفشاند و
اطاعت از محبوب را در اعمالمان به بار نشاند و «زیارت» و «شفاعت» نوررویان را
ارمغانمان سازد.

از جناب حجة الاسلام سیدحسین اسحاقی که دست یاری به ما داده‌اند تا با نام
محبوب، خانه دل منتظران را آذین بندیم و برادران بزرگوار در بوستان کتاب قم (مرکز
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی) که زمینه چاپ و انتشار این اثر را فراهم کرده‌اند،
سرس‌گزاریم و پنجره چشمانمان را به سوی نسیم رهنمودهای سودمند می‌گشاییم.

مدیریت پژوهشی

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

مقدمه مؤلف

سلام بر تو ای طلوع تمامتِ زیبایی! ای بلندای شکوهمند تمنایی! ای همیشه مهربان و ای همیشه بیدار! سلام بر تو ای بقیه گرانقدر الهی! درود بر تو ای ذخیره بی همتای پیامبران! ای باب الله و ای حجت خدا! درود بر تو ای وجه الله! ای نور خدا! ای حریم دار کبریایی و ای صراط مستقیم! ای میثاق خداوندی! ای وعده ازلی و ای پناه برمدی! سلام بر تو ای کشتی نجات! ای ینبوع حیات! ای حجت معبود و ای وارث موعود! درود بر تو ای درهم کوبنده ستمگران! ای برافرازنده پرچم ایمان و ای منتقم خون شهیدان! سلام بر تو ای حجت خدا در زمین! ای صاحب اختیار! ای ولی دلسوز و ای راهنما به اراده الهی! سلام بر تو ای بهار مردم و ای خوشی ایام! ای مهدی امت و ای قائم منتظر و ای عدل مُشْتَهَر!

سلام بر تو و بر نیاکان پاک زادت! سلام بر تو و بر دوستانان پاک نهادت که پیشانی شان آشنای سجده گاه نیاز است و در نیایش خویش، خواهش تو در سر دارند. کی می آیی، ای صمیمیت پنهان! ای مدار زیبایی ها و بیداری ها! ای عزیز زمین و زمان! ای آشناترین حدیثِ دلدادگی! ای قدیمی ترین آرزوی دل های شیفته و پریش! دیرزمانی است که سینه های سوزان و چشم های گریان منتظران بر جاده فرج! در انتظار طلوعت نشسته اند.

دیر هنگامی است که دست های خسته و لرزان مریدان و غلامان درگاهت،

بر آستانه ظهور آسمانی و حضور لایتناهی تو، به اشتیاق نشسته است.

ای غایب از نظر! هر چند فراق تو را امید وصالی است؛ هنوز هجر تو در باورم
نمی‌گنجد. بیا و آینه دل آرزومندان را به نور جمال کبریایی ات روشن گردان و
زنگار دل مردگی و خمودی را از صفحه جان‌ها بزدای. بیا و تشنگان به انتظار نشسته را،
از زلال ظهور و صافی حضورت بنوشان. بیا و خلعت قیام بر قامت قائمانه خویش تا قیام
قیامت برافراشته دار و سینه افروخته شیعیان را به مرهم فرج، التیام بخش.
ای دیدار تو را هزار جان رایگان! چه زمان! باد از طره مشکبوی تو نافه گشایی
می‌کند.

بیا که با تو هر روز، امروزند و بی تو هر روز، دیروز؛ با تو من می‌خندم، می‌گیرم،
می‌بالم، می‌شورم، می‌نازم، می‌تازم، و می‌مانم؛ بی تو، من ماندن را نیز از یاد برده‌ام،
با تو هر رمز و رازی گشوده است و بی تو هر واژه، رمزی است. آری، با تو باران
پیام بر طراوت است و بی تو باران حق حق‌گریه، آمدنت را بارها در زیر سایبان
«کمیل» گریسته‌ایم و در روشنای آفتاب «ندبه» نام تو آواز داده‌ایم، هر سپیده دم،
بر «عهد» خود تازه نمودیم و با «آل یاسین» تو را سلام دادیم، ای موعود! بوی آمدنت
کی می‌آید!

ای مهربان دور از نظر! سلام بر حضور غایبانه ات، بر ما بسیار سخت است که همه
را ببینیم و تو را نبینیم. بر ما سخت است که جز تو همه پاسخمان دهند! بر ما سخت است
مولایمان در کنارمان نباشد.

ای امید دل‌هایی که در دوازده قرن غیبت! چشم انتظارت ماندند و با قلبی سوخته
شکستند و رفتند.

عاشقان تو می‌دانند که دوازده ستوده خداوندی را تو تمامی، رهایی بندگان را تو
توانی و تاریکی دل‌های منتظران را تو شهابی، در انتظار آمدنت می‌مانم و تو، همین
روزها می‌آیی، می‌دانم زیرا دشت‌ها بی تو خسته‌اند، آسمان خاکستری است و فصل‌ها
سر در گریبان، چشمه‌ها تشنه‌اند، آفتاب غمگین، کوچه‌ها غریب، لحظه‌ها سنگین،

نگاه‌ها منتظر و زمین بی پناه.

وقتی بیایی ناگهان ویرانه‌ها آینه می‌شوند و دل‌های نجیب در زیر سایبان دست‌های تو پناه می‌گیرند. وقتی بیایی ما را با ازابه آفتاب تا مهتابی دریا می‌بری و تمام قسط‌های دلتنگی ما را می‌پردازی. آری، می‌آیی و بر ظلم‌های کهنه تاریخ مرهم عدل می‌نهی و بر سلسله گل، عطر و عود می‌پراکنی.

ای همیشه سبز! چشم به راه آمدنت، در جاده‌های سرد انتظار ره می‌پیماییم. چه بگویم که از عشق سرودن تو، آبشار به تپش می‌افتد و از شوق بودن تو، آسمان شب، ستاره می‌زاید.

در هنگام رستن و فصل شکفتن، آن‌گاه که خاک ترک برمی‌دارد و باغ در باغ، شکوفه زار در شکوفه زار، برهوت جان، هم‌رنگ بهشت روشن خدا نور باران می‌شود و طلوع موعود را در دامن دشت و شفق می‌پراکند، هم چون بلبلان، واگویه‌ای از درد اشتیاق می‌سراییم و تحفه منتظران خورشید می‌سازیم.

این حدیث انتظار در «نه بخش» تقدیم مهدی جویان شده است. در مطلع آن نگاهی گذرا به دمیدن روح در بهار و زش نسیم سعادت در کالبد جان جهان تا شامگاه غیبت شده و در دگر بخش، اعتقاد به مهدویت در سایر ادیان و ملل مورد بررسی قرار گرفته است. در تکاپویی دیگر چهره نور در نورالانوار، کلام وحی به تصویر در آمده، آن‌گاه امام (عج) و جامعه مطلوب و موعود روشن‌راهمان گردیده و سپس وظایف منتظران وصل به طلیعه سحری و سپیده امیدواری را بر شمردیم و پرسش و پاسخ‌های درباره حضرتش را بررسی‌دیم. و در گامی دیگر جرعه‌ای از چشمه سار عرفان و ادب تحفه مهدی دوستان نمودیم، آن‌گاه توشه فرهنگ سازان فراهم ساختیم و نوشتار را به امید شیرازه بستن کتاب گسسته عشق به آخر رساندیم و دفتر زندگی را بی حضور او از سر گشودیم و دل در تمنای وصال او سرخوش نمودیم و پنجره دیدگانمان را همواره به سوی نسیم سودمند محبت یاران گشودیم.

و به امید هنگامه وصل لحظه شماری می‌کنیم و با امام راحل‌مان هم‌آوا می‌شویم:

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود
 این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
 پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند
 غمزه را سر می‌دهد غم از دل و جان می‌رود
 بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود
 زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
 محفل از نور رخ او نور افشان می‌شود
 هر چه غیر از ذکر یار از یاد رندان می‌رود
 ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند
 پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود
 وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد
 روز وصلش می‌رسد ایام هجران می‌رود

و به انتظارت می‌مانیم، ای یگانه سبز!

از تولد تا غیبت

میلاد مهدی (عج)

هنگام تولد امام مهدی (عج)، حدود ۳۵ سال از ساختن شهر سامرا می‌گذشت؛ شهری که در کنار ویرانه‌های شهر قدیمی بنا شده بود و با این که این شهر به عنوان پایتخت دوم خلافت بغداد به حساب می‌آمد، از همان آغاز مقرّ خلیفهٔ عباسی شد. معتصم عباسی، هشتمین خلیفه بنی عباس در سال ۲۱۸، یعنی آغاز خلافت خود، امر به ساختن این شهر کرد و سپس بدان جا رفت و بدین‌گونه سامرا مرکز خلافت عباسیان شد.

امام دهم، بیست سال و امام یازدهم چندین سال در آن جا تحت نظر و زندانی بودند. هنگامی که ولادت حضرت مهدی (عج) نزدیک شد و خطر وجود ایشان در نزد جباران قوت گرفت، در صدد برآمدند تا از به دنیا آمدن این نوزاد جلوگیری کنند و اگر هم به دنیا آمده، او را از بین ببرند. بدین علت، چگونگی احوال امام مهدی (عج) در دوران حمل و سپس تولد آن حضرت از مردم مخفی نگه داشته شد و جز چند تن از نزدیکان، شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام کسی او را نمی‌دید، حتی آنان نیز گاهی حضرت را

می‌دیدند، نه پیوسته و به صورت عادی.

علت مخفی داشتن ولادت مهدی (عج) این بود که خلفای عباسی، چون از طریق روایات پیامبر ﷺ و ائمه طاهرين ﷺ پی برده بودند که دوازدهمین امام، همان مهدی (عج) است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، دژهای گمراهی و فساد را درهم می‌کوبد و دولت جباران را سرنگون می‌سازد، طاغوتیان را به قتل می‌رساند و خود امیر مشرق و مغرب جهان می‌شود، در صدد بر آمدن تا این نور را خاموش کرده و آن حضرت را به قتل برسانند. از این رو، جاسوسان و مراقبانی، حتی در میان قابله‌ها مأمور کردند تا داخل خانه امام عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند، لیکن چون خداوند در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت، اراده‌اش بر این تعلق گرفت که حتی دوران بارداری مادر حضرت نیز پنهان بماند.

در روز جمعه نیمه شعبان ۲۵۵ در شهر سامرا، از شهرهای عراق از پدری چون حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادری نیک سیرت به نام ملیکه نواده قیصر روم که به او حکیمه، سبیکه، نرجس، سوسن، مریم، ریحانه و صیقل هم می‌گفتند، آفتاب وجود دوازدهمین ستاره تابناک ولایت طلوع کرد و جهان را به نور وجود خویش منور گردانید.

اسامی و القاب امام زمان (عج)

محمد، مهدی، صاحب الزمان، قائم (قیام‌کننده)، احمد، حجة الله، ولی الله، بقیة الله، عین الله، نور الله، عبد الله، نصر الله، طاهر (پاک)، عادل، شاهد، طالب، حافظ، جابر، وارث، هادی، نقی (پاکیزه)، تقی (پرهیزگار)، زکی (آراسته)، رضی (خشنود)، کریم (بزرگووار)، امیر (فرمانروا)، منصور (یاری شونده)، طیب (پاکیزه)، مرشد (ارشاد‌کننده)، محی‌الدین (زنده‌کننده دین)، منتظر، خلف (جانشین)، فرج (گشایش)،

سید (سرور)، ناصح (خیرخواه)، مطهر (پاکیزه)، شمس طالع (مهر تابان)،
قمر منیر (ماه فروزان)، کوکب درّی (اختر تابناک)، طاووس اهل الجنة
(طاووس بهشتیان)^۱.

نام‌های حضرت آینه انوار وجودی او هستند. هر نامی نکته‌ای تازه و
معنایی جدید با خود به همراه دارد. با بررسی زیارت حضرت صاحب الامر
و دعای ندبه، اسامی حضرت و معانی آنها به دست می‌آید.

دوران زندگانی حضرت مهدی (عج)

۱. از تولد آن حضرت تا شهادت پدر بزرگوارشان پنج سال طول کشید.
(از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ ه. ق.)
۲. دوره غیبت صغری از سال ۲۶۰ ه. ق، یعنی از پنج سالگی آن حضرت
آغاز و تا سال ۳۲۹ ه. ق ادامه داشت. در طول این مدت حضرت با واسطه
چهارتن از نواب خاص خود با مردم در ارتباط بود.
۳. دوران غیبت کبری از سال ۳۲۹ ه. ق آغاز و تا ظهور حضرت
ادامه می‌یابد؛ یعنی روزی که فرمان خداوند صادر شود و آن حضرت مأمور
به ظهور و برقراری عدالت اجتماعی شوند، جهانی را که از ظلم، تباهی و
فساد پر شده، پر از عدل و داد خواهند ساخت.
اکنون که در سال ۱۴۲۲ ه. ق هستیم حدود ۱۱۶۷ سال از عمر شریف
آن حضرت می‌گذرد.

غیبت امام عصر (عج)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام مسأله غیبت امام دوازدهم را

۱. عبدالرحیم موگهی، جان جانان، ص ۱۲۴-۱۲۵.

همواره به مردم گوشزد می فرمودند. خبر غیبت امام زمان (عج) قبل از تولد ایشان آن قدر بازگو شده بود هرکس که به وجود آن حضرت معتقد بود، به غیبت طولانی آن حضرت نیز عقیده مند می شد. پیامبر گرامی ﷺ اسلام فرمود:

قائم از فرزندان من به موجب عهدی که از من به وی می رسد پنهان می شود، آن چنان که بیشتر مردم می گویند خدا به آل محمد احتیاجی ندارد و برخی در ولادتش تردید می کنند؛ پس هرکس زمانش را درک کند، باید به دین خود عمل نماید و نباید با دلی شیطان را بر خود راه دهد، مبادا که او را از ملت و دین من خارج سازد.^۱

حضرت علی علیه السلام نیز فرمود:

قائم ما غیبتی دارد که مدت آن طولانی خواهد بود. آگاه باشید! هرکس بر دینش ثابت بماند و با طولانی شدن غیبت آن حضرت دلش قساوت پیدا نکند روز رستاخیز، در رتبه من و با من خواهد بود.^۲

سپس فرمود:

قائم ما، چون قیام کند، بیعت هیچ کس به گردن او نیست و به همین جهت، ولادتش مخفی و خودش تنایب می شود.^۳

از آن جا که وجود امام علیه السلام و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله از جهات فراوان از جمله رفع اختلاف، تفسیر قوانین الهی، هدایت معنوی و باطنی و... ضروری است، خداوند مهربان پس از پیامبر اسلام، امیرالمؤمنین و پس از وی یازده فرزندش را یکی پس از دیگری به عنوان امام تعیین فرمود تا مردم از فواید وجود آنها برخوردار شوند، اما این سؤال مطرح می شود که چرا از همان ابتدا امام زمان (عج) از نظرها غایب شدند؟

۱. شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۸۶، به نقل از: دادگر غیبی.

۲. همان، ص ۳۹۴.

۳. همان، ص ۳۹۵.

اساساً با اعتقاد به حکمت خداوند، بدیهی است که این غیبت
مصلحت‌های متعددی دارد، هرچند انسان نتواند به آنها پی ببرد. از برخی
روایات استفاده می‌شود که علت اصلی و اساسی غیبت، پس از ظهور آن
بزرگوار آشکار می‌گردد.

عبدالله فضل هاشمی گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: ناگزیر برای صاحب‌الامر غیبتی خواهد بود
که اهل باطل در آن به شک خواهند افتاد. عرض کردم: چرا؟ فرمود: به جهتی
که اجازه نداریم بازگوییم. عرض کردم: حکمتش چیست؟ فرمود: همان
حکمتی که در غیبت‌های حجت‌های گذشته وجود داشت و آشکار نمی‌گردد،
مگر بعد از ظهور او، چنان‌که حکمت کارهای حضرت خضر (اشاره به
سوراخ کردن کشتی، کشتن جوان و تعمیر دیوار در داستان خضر و موسی)
شناخته نشد، مگر هنگامی که موسی و خضر می‌خواستند از هم جدا شوند.
ای پسر فضل، موضوع غیبت، امر الهی و سری از اسرار خداست و چون خدا را
حکیم می‌دانیم، تصدیق می‌کنیم که تمام کارهایش به دانایی و حکمت انجام
می‌گیرد، گرچه تفصیل آنها برای ما معلوم نگردد.^۱

البته فوایدی را می‌توان برای غیبت آن حضرت برشمرد که در برخی
اخبار نیز به آن اشاره شده است که عبارتند از:

۱. آزمایش مردم

یکی از فواید غیبت، آزمایش مردم است تا از یکسو، گروه بی‌ایمان،
باطنشان ظاهر شود و از سوی دیگر، کسانی که ایمان در ژرفای وجودشان
ریشه کرده با انتظار فرج و شکیبایی در سختی‌ها و ایمان به غیب کامل‌تر
شوند و ارجمندی‌شان معلوم شده و به درجاتی از ثواب دست یابند.

امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن خارج نکند. برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود که گروهی از عقیده‌مندان به او از اعتقادشان دست بر می‌دارند و این غیبت آزمونی است که خدا با آن بندگانش را می‌آزماید.^۱

۲. محفوظ ماندن آن حضرت از کشته شدن

از مطالعه تاریخ پیشوایان اسلام و رفتار خلفای اموی و عباسی با آنان، به روشنی در می‌یابیم که اگر امام دوازدهم ظاهر می‌بود، حتماً او را چون اجدادش به شهادت می‌رساندند، چرا که شنیده بودند و می‌دانستند که در خاندان پیامبر و از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام شخصیتی به وجود خواهد آمد که حکومت ستم‌گران و مستبدان به دست او برچیده خواهد شد و او کسی نیست جز فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بنابراین، عباسیان در صدد کشتن او برآمدند، ولی خدا آن حضرت را حفظ کرد و دشمنان او را ناامید ساخت.

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

برای قائم پیش از ظهور غیبتی است. عرض کردم چرا؟ فرمود: برای در امان ماندن از کشته شدن و این غیبت ادامه دارد تا زمینه ظهور و غلبه او بر حکومت ستم‌گران و مستبدان فراهم آید.^۲

۳. نبودن بیعت هیچ کس بر او

سومین فایده‌ای که از روایات بر می‌آید این است که آن حضرت

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

۲. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۹.

بدین وسیله از بیعت کردن با ستم کاران، خلفا و زمامداران غاصب محفوظ مانده، به هنگام ظهور بیعت کسی بر ایشان نخواهد بود، لذا بی پرده حق را بیان می کنند و حکومت عدل و حق را برقرار می سازند. امام صادق علیه السلام فرمود: «چون قائم قیام کند، هیچ کس بر او بیعتی ندارد».^۱

البته آماده نبودن شرایط ظهور حضرت را هم می توان به عنوان دلیل چهارم متذکر شد.

سفیران امام علیه السلام در عصر غیبت صغری

۱. ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری اسدی: وی پیش از ولادت حضرت ولی عصر (عج) به مدت پنج سال از طرف امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام وکیل و نماینده بود و در میان شیعیان به عنوان «زیات» یا «سَمَان»؛ یعنی روغن فروش ملقب بود، وی این شغل را برای پوشش نهادن به مقام والای وکالت و نیابت امام علیه السلام برگزید، تا به این وسیله در آن روزگار خفقان، خود را از شر دستگاه خلافت حفظ کند.

در مورد عمری اسدی تعبیرات جالبی از امام حسن عسکری علیه السلام رسیده، به این مضمون که آن بزرگوار به وکیل خود در قم (احمد بن اسحاق) فرمودند:

عمری، مورد وثوق و اعتماد من است. آن چه از من نقل کند، بی تردید از من شنیده است، آن چه بگوید از زبان من می گوید، از او بشنو و از وی اطاعت کن که او امین و مورد وثوق است.^۲

هنگامی که عمری اسدی این لطف و بزرگواری را از امام علیه السلام را در حق خود شنید به سجده افتاد و خدا را سپاس گفت و اشک شوق از دیدگانش فروریخت.

۱. اثبات الهداة، ج ۶، ص ۴۳۶.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. محمد بن عثمان: سفیر دوم حضرت ولی عصر علیه السلام در غیبت صغری، ابوجعفر محمد بن عثمان ملقب به عمری دوم است که دوران سفارت او با ایام خلافت معتمد عباسی، معتضد عباسی، مکتفی عباسی و ده سال از خلافت مقتدر عباسی مصادف شد. ایشان در حدود چهل سال مقام والای نیابت خاصه را به عهده داشت و در سال ۳۰۵ هـ. ق دیده از جهان فرو بست.

۳. ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی: سومین نایب خاص حضرت ولی عصر (عج) است که در حدود ۲۱ سال متصدی مقام مقدس سفارت بود. دوران سفارتش با سه خلیفه عباسی (مقتدر، قاهر و راضی) مصادف شد. محمد بن عثمان در واپسین لحظات زندگانی به شیعیان حاضر در مجلس فرمود: به من امر شده که به ابوالقاسم، حسین بن روح وصیت نمایم. حسین بن روح نوبختی پس از ۲۱ سال سفارت، سرانجام، در ماه شعبان ۳۲۶ هـ. ق دیده از جهان فرو بست.

۴. ابوالحسن، علی بن محمد سمري: وی چهارمین و آخرین سفیر حضرت ولی عصر (عج) بعد از رحلت حسین بن روح بود که مدت سه سال این منصب را به عهده داشت. سمري از اصحاب نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام بود. دوران سفارتش با دو خلیفه عباسی (راضی و مقتضی) مصادف شد. ایشان در ماه شعبان ۳۲۹ بیمار شد و با همین بیماری جهان را وداع گفت. در روزهای بیماری از وی پرسیدند: ما را به چه کسی توصیه می‌کنی که بعد از تو در مسائل شرعی و حقوقی به او مراجعه کنیم؟ در پاسخ فرمود: خدا مشیتی دارد که آن را انجام خواهد داد.

آنگاه نامه‌ای را از ناحیه مقدسه که به خط حضرت بقیه‌الله (عج) بود درآورد و چنین قرائت کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدِ السَّمَرِيِّ، عَظَّمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ. فَاجْمَعْ أَمْرَكَ

وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ. فَقَدْ وَقَعَتِ الْعَيْبَةُ التَّامَّةُ، فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا، وَنَيَّاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ. أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛^۱

به نام خداوند بخشنده مهربان. خدا پاداش برادرانت را در سوگ تو افزون سازد که تو شش روز دیگر از این جهان رحلت خواهی کرد. کارهایت را فراهم ساز و کسی را به جانشینی خود برنگزین و به کسی وصیت مکن که غیبت کامل فرا رسیده است. دیگر تا روزی که خداوند تبارک و تعالی بخواهد، ظهوری نخواهد بود و آن مدتی بس دراز است که دلها را قساوت خواهد گرفت و زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد. در این دوران برخی از شیعیانم ادعای مشاهده^۲ خواهند کرد، آگاه باشید که هرکس ادعای مشاهده کند پیش از خروج سفیانی و وقوع صیحه دروغ گفته است که هیچ حول و قوه‌ای جز برای خداوند بزرگ و بزرگوار نیست.

آنگاه آخرین سفیر حضرت طبق وعده مسلم ایشان، در روز ششم دیده از جهان فرو بست و با رحلت او غیبت صغری از سال ۲۶۰ هـ. ق تا سال ۳۲۹ هـ. ق، یعنی حدود ۶۹ سال پایان یافت. در غیبت صغری رابطه مردم با امام به کلی قطع نشد، اما محدود بود، به گونه‌ای که هر فردی از شیعه می‌توانست به وسیله نواب خاص مشکلات و مسائل خود را به عرض امام برساند و به واسطه آنان پاسخ را دریافت دارد و یا احیاناً به حضور امام شرفیاب شود. این دوره را می‌توان دوره آمادگی برای غیبت کبری دانست که

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

۲. با توجه به احادیث دیگر، منظور از این که دیگر کسی امام زمان را تا هنگام ظهورش مشاهده نخواهد کرد، به این معناست که دیگر نیابت خاصی نخواهد بود.

در آن ارتباط قطع شد و مردم موظف شدند در امور خود به نواب عام، یعنی فقها و آگاهان به احکام شرع مراجعه کنند. اگر غیبت کبری به یکباره آغاز می شد ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهن ها آماده پذیرش آن نباشد. اما به تدریج و در طول مدت غیبت صغری ذهن ها آماده شد و غیبت کامل آغاز گردید.

ناگفته نماند که بعد از امام هشتم علیه السلام نیز دیگر امامان معصوم علیهم السلام تنها برای خواص شیعه آن هم در موارد خاص ظاهر می شدند، حتی پاسخ سؤالات و رفع نیازمندی های آنها را غالباً از پشت پرده انجام می دادند تا شیعیان را برای غیبت حضرت ولی عصر (عج) آماده کنند. در پرتو همین تجربه و تمرین بود که غیبت امام برای شیعیان دشوار نیامد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

... سپس امامشان غایب می شود و تا مدتی که خدا بخواهد از دیدگانشان پنهان می شود و برای او دو غیبت خواهد بود و یکی از آنها طولانی تر از دیگری است. هنگامی که پنجمی از نسل هفتمین فرزندانم از دیده ها ناپدید شود، هشیار باشید، آگاه باشید.^۱

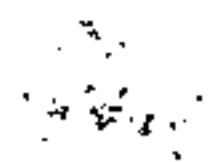
غیبت کبری

با بسته شدن باب مراسلات و مکاتبات و پایان یافتن دوران غیبت صغری، غیبت کبری آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد و تا روز موعود و خروج حجت از کعبه، ادامه می یابد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت. قائم اولاد من بر اساس پیمانی که خدا به وسیله من با او بسته، از دیده ها غایب می شود تا بیشتر مردم بگویند خدا نیازی به آل محمد صلی الله علیه و آله ندارد و گروهی در نشانه های او دچار شک و

تردید شوند. هرکس آن زمان را درک کند محکم به دین خود چنگ زند و برای شیطان راه شک را ببندد تا شیطان نتواند او را به شک انداخته، از دین و آیین من بیرون ببرد. چنانکه پدر و مادران را از بهشت بیرون برد. خداوند (تبارک و تعالی) شیطان را دوست و ولی کسانی قرار داده است که به خدا ایمان نمی‌آورند.^۱

صاحب الزمان (عج) از هنگام غیبت کبری تا کنون منتظر فرا رسیدن لحظه‌ای است که خداوند به ایشان اجازه فرج دهد. آن حضرت نیز همانند دیگر مؤمنان خواستار فرج نزدیک است. سرور ما مهدی موعود (عج) شب‌ها را با تهجد و روزها را با نشستن به نظاره و تسلیم سپری می‌کند تا زمان یاری فرا رسد.



نیابت عامه

دوران غیبت کبری دوره نیابت عامه است. در این عصر، عالم بزرگی که واجد همه شرایط لازم فقاہت و رهبری باشد در رأس جامعه قرار می‌گیرد و رهبری از آن اوست، رجوع مردم به اوست و او صاحب ولایت شرعی به نیابت از امام زمان (عج) است. بنابراین اصل دینی، مشروع بودن امور و اسلامی بودن روابط سیاسی و اجتماعی و لازم‌الاجرا بودن مقررات و مشروعیت حکومت، همه و همه بستگی به تصویب و تنفیذ نایب امام علیه السلام دارد و اگر او حکومتی را تصویب و تنفیذ نکند آن حکومت طاغوتی است، زیرا چنین حکومتی ارتباطی به خدا، دین خدا، امامت و نظارت شرعی و الهی ندارد. این مقام و نیابت به وسیله خود ائمه طاهرين علیهم السلام، به ویژه حجة بن الحسن المهدی علیه السلام به عالم واجد شرایط تفویض شده است: «اما در رویدادهای تازه که برای شما واقع می‌شود به روایت کنندگان احادیث ما مراجعه کنید،

۱. علی حائری یزدی، الزام الناصب، ص ۶۹، به نقل از: منتظر تا صبح فردا، ص ۴۰-۴۱.

زیرا آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.^۱ یا «از میان فقها کسی که نگهدار نفس خویش، حافظ دین، مخالف هوی و مطیع اوامر مولا است، بر عوام است که از او تقلید کنند.» بنابراین، مخالفت و رد حکم و دستور چنین پیشوای دینی، رد بر امام است و رد بر امام، رد بر پیامبر ﷺ است و رد بر پیامبر ﷺ، رد بر خدا و احکام خداست. این مقام تنها برای حفظ فروع فقهی و انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر نیست، بلکه برای حفظ و انتقال موجودیت تشیع و نخبانی دین خداست. بنابراین، باید مجتهدان و عالمان دیگر مقام او را پاس بدارند و به وحدت رهبری و مرکزیت یافتن قدرت دینی کمک کنند تا دین خدا و توده‌های متدین همواره پناهگاهی محکم و دژی استوار داشته باشند. آری، اطاعت از احکام نایب امام واجب است، چرا که وی به جعل، نص و تأکید امام ﷺ صاحب ولایت شرعی شده و در عصر غیبت پیروی از او لازم است. حرکت در خط او، حرکت در خط دین و ائمه طاهرين ﷺ است و مقابله، اهمال، موضع‌گیری و جبهه‌گشایی در قبال او همه و همه خروج از خط امامت و قرآن است، خروج از خط امامت و قرآن نیز خروج از خط نبوت است و خروج از خط نبوت، خروج از خط دین و توحید. نایب امام به جای امام قرار دارد و احیا و اجرای احکام قرآن و تشکیل جامعه قرآنی به عهده اوست. رهبری نظام برای نظم، سازماندهی، ایجاد تشکیلات، گسترش و بقای مکتب تشیع است و هرچه با این هدف معارض باشد باید کنار گذاشته شود.

غیبت از نگاه معصومان ﷺ

پیامبر عزیز اسلام ﷺ فرمود:

۱. ابوجعفر صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه، ص ۴۸۴.

طوبى لِمَنْ لَقِيَهُ، و طوبى لِمَنْ أَحَبَّهُ، و طوبى لِمَنْ قَالَ بِهِ؛^۱

خوشا به حال کسی که مهدی(عج) را دیدار کند، خوشا به حال کسی که او را دوست داشته باشد و خوشا به حال کسی که قائل به امامت وی باشد.

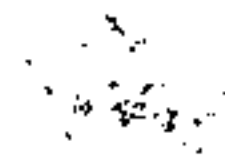
هم چنین فرمودند:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛^۲ مهدی(عج) طاووس بهشتیان است.

و نیز فرمودند:

يَخْرُجُ أَنَاثٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛^۳

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینۀ حکومت مهدی(عج) را فراهم می‌سازند.



امام علی عليه السلام

همۀ امامان از سويدای دل، آرزوی دیدار آن خورشید جهان افروز را داشتند و هر کدام به نوعی از عشق درونی پرده برداشتند. اصبع بن نباته گوید: روزی محضر مقدس امیرمؤمنان شرفیاب شدم، دیدم در دریای فکر غوطه‌ور است و با انگشت مبارکش بر زمین می‌زند. عرض کردم: ای امیرمؤمنان! چه شده، شما را اندیشناک می‌بینم؟ با انگشت مبارکتان بر زمین می‌زنید، مگر به آب و گل علاقه‌مند شده‌اید؟ فرمود: نه، هرگز. به خدا سوگند حتی یک روز هم به این خاک و گل علاقه‌مند نشدم، ولی داشتم فکر می‌کردم دربارهٔ مولودی که از نسل من به دنیا خواهد آمد. او یازدهمین فرزند من است، او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد کند، آن‌چنان‌که پر از جور و ستم شده است. برای او دوران غیبت هست. در آن ایام اقوامی از راه حق

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۸۷.

منحرف می‌شوند و اقوام دیگری به راه راست هدایت می‌گردند.^۱

امام حسن علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام پس از تشریح حکومت شکوهمند آن حضرت، می‌فرماید:

خوشا به حال آنان که روزگار همایونش را درک کنند و از او امرش اطاعت نمایند.^۲

امام حسین علیه السلام

سالار شهیدان حضرت حسین علیه السلام که همواره به یاد منتقم خون خود و خون دیگر مظلومان در راستای تاریخ بوده و به هنگام ترسیم قیام جهانی، آن حضرت از او به عنوان «الْمُؤْتُوْر بِأَبِيْهِ» تعبیر می‌کرد که به معنای صاحب خون و انتقام گیرنده است.^۳

امام زین العابدین علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در خطبه معروف خود در مجلس یزید، ویژگی‌های خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را بر می‌شمارد و می‌فرماید:

خداوند به ما علم، حلم، سخاوت، شجاعت و محبت در دل مؤمنان عطا کرده، رسول خدا از ماست، وصی او از ماست، سرور شهیدان حمزه سیدالشهدا از ماست. جعفر طیار و دو سبط امت از ماست و آن مهدی که دجال را می‌کشد از ماست.^۴

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. سلیمان کامل، یوم الخلاص، ص ۳۷۴.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۸.

۴. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۸۵.

امام محمد باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در مقام ابراز اشتیاق به دیدار آن حضرت می فرماید:

و يَا طُوبَى مَنْ أَدْرَكَهُ؛ خوشا به حال آن که او را درک کند.^۱

امام خطاب به «امّ هانی» می فرماید:

فَإِنْ أَدْرَكَتَ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ؛ اگر زمان او را درک کنی دیدگانت

روشن می گردد.^۲

امام صادق علیه السلام

لَوْ أَدْرَكَتُهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ اگر من زمان او را درک می کردم همه عمر

دامن خدمت به کمر می بستم.^۳

این تعبیر بسیار بلندی است که از طرفی حاکی از عظمت فوق العاده

حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) است و از سوی دیگر، بیان گر نهایت عشق و

علاقه امام صادق علیه السلام به ششمین فرزند دل بند خویش است.

امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام درباره غیبت امام عصر (عج) خطاب به برادر بزرگوارش

علی بن جعفر می فرماید:

إِنَّمَا هِيَ مِحنةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ؛^۴

آن یک آزمون الهی است که خداوند متعال بندگان را به این وسیله

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳. محمدابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۵.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶۰.

آزموده است.

امام رضا علیه السلام

ایشان از برپایی ترازوی عدل آن حضرت یاد کرده و می‌فرماید:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ
فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛^۱

هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت را در میان مردم می‌گذارد و هیچ کس به دیگری ستم نمی‌کند.

امام جواد علیه السلام

حضرت جواد علیه السلام در چهار سالگی به شدت در غم و اندوه غوطه‌ور شده، پدر بزرگوارش از سبب هم و غمش می‌پرسد. از مصیبت‌های اهل بیت و انتقام آن در عصر ظهور یاد می‌کند.^۲ آن وجود نازنین می‌فرماید:

فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَالْعُزَّى فَاخْرَقَهُمَا؛

چون وارد مدینه منوره بشود، آن دو بت پلید قریش را از خاک بیرون می‌آورد و می‌سوزاند.^۳

امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام در زندان سامرا به یاد یوسف زهر علیه السلام می‌فرماید:

روز سه شنبه به رسول خدا اختصاص دارد... روز پنج شنبه به پسر حسن

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱.

۲. البحرانی، حلیة الابرار فی فضائل محمد وآله الاطهار، ج ۲، ص ۵۹۸.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۳.

(امام حسن عسکری علیه السلام) و روز جمعه به فرزند پسر (حضرت مهدی عج)^۱

امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در دومین روز ولادت خورشید پنهان که حکیمه خاتون گهواره را خالی دید و پرسید: سرور و مولایم چه شد؟ فرمود: یا عَمَّة استودَعْنَاهُ الَّذِي اسْتودَعْتِ أُمَّ مُوسَى؛^۲ عمه جان! او را به خداوندی سپردیم که مادر حضرت موسی علیه السلام فرزندش را به او سپرد.

امام مهدی عج

امام زمان عج که همواره از طولانی شدن دوران غیبت در سوز و گداز است و فرمان دعا برای تعجیل در امر فرج صادر می‌کند، در توقیع شریف می‌فرماید:

وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛^۳

برای تعجیل در امر فرج فراوان دعا کنید که فرج شما نیز در آن است.

ای منتظران! گنج نهان می‌آید آرامش جان عاشقان می‌آید
بر بام سحر، طلایه داران ظهور گفتند که صاحب الزمان می‌آید^۴

دیدار در زمان غیبت

ملاقات با حضرت در زمان غیبت به عنوان یک رزق معنوی با عنایت و توجه ایشان صورت می‌گیرد و صالحان، اولیا و وابستگان می‌توانند دیده به

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۲.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰.

۴. سیرهاشم صبری.

دیدار ایشان بگشایند، هرکسی به اندازه شایستگی خود به نوعی ایشان را می‌بیند. بعضی از مردم ممکن است ایشان را ببینند، اما نشناسند، دیگری می‌بیند و می‌شناسد، بعضی‌ها هم نمی‌توانند با چشم سر ببینند، باید چشم‌هایشان را روی هم بگذارند تا بتوانند تمثال ایشان را نظاره کنند. بعضی ممکن است ایشان را ببینند، اما فقط حس می‌کنند که این شخص از اهل بیت است و نفهمند که خود آقا است، گاهی افراد بسیار معمولی و ساده محضر امام را درک می‌کنند، باید لیاقت حضور داشت. می‌گویند اویس قرنی هرگز پیغمبر را ندید، اما چهره حضرت را به خوبی توصیف می‌کرد.

اما روایتی که می‌گوید مدعیان ملاقات را تکذیب کنید به نظر می‌رسد که منظور ترتیب اثر ندادن است نه دروغ، هیچ وقت نمی‌توانیم منکر ارتباط افرادی مانند سیدبجراالعلوم با امام شویم. روایت به این معناست که شما ترتیب اثر ندهید، اگر راست باشد فضیلتی است برای ملاقات کننده و اگر دروغ باشد وقتی شما اعتنا نکرده باشید، مفسده‌ای به بار نمی‌آورد، چرا که می‌بینیم و می‌دانیم بسیاری از کسانی که معتقد و علاقه‌مند به امام بودند از این مسأله سوء استفاده‌ها کردند.

مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری از قول پدرشان نقل می‌کنند که استاد ما مرحوم حاج سید محمد فشارکی در قضیه تنباکو بسیار به مرحوم میرزا فشارمی آورد؛ یعنی از ایشان می‌خواستند که هرچه زودتر فتوای تحریم را اعلام کنند. یک بار هم با کمال احترام از ایشان خواست که جدا از ارتباط استاد و شاگرد، حرفشان را بی‌پرده بزنند، بعد می‌گویند: من فکر می‌کنم شما از ناصرالدین شاه می‌ترسید که اقدامی نمی‌کنید، چون قضیه تنباکو مدتی طول کشید. ظاهراً مرحوم میرزا در فکر هماهنگی با همه علمای بلاد بودند که یک وقت کسی خلاف نظر ایشان اقدامی نکند و فتوا نشکند. مرحوم میرزا به مرحوم فشارکی فرمودند: من از چیزی نمی‌ترسم،

اما می خواستم با نظر مبارک امام عمل کنم، برای همین سه روز روزه گرفتم و امروز رفتم در سرداب سامرا و این را آوردم. حالا معلوم نیست که منظورشان این بود که فتوا به دست خط امام بوده، یا ایشان املا فرموده‌اند و میرزا نوشته است.^۱

یکی از راه‌های ارتباط با امام، مسأله محبت است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا؛ کسی که ما را دوست دارد باید چون ما عمل نماید. ابتدا باید در راه و روش از امام پیروی کنیم و آن چه را که می‌فرماید مبنای کارهای روزمره خود قرار داده و با عمل نشان دهیم که از عاشقان و منتظران حقیقی او هستیم. پس از این‌یکه خود را اصلاح و از گناهان و پلیدی‌ها دوری گزیدیم، انتظار زیارت چهره زیبای حضرت دور از دست‌ترش نیست.

وظایف شیعیان در عصر غیبت

یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت عمل به این فرموده امام زمان علیه السلام است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَخَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۲

در هر مسأله‌ای باید سراغ مراجع رفت، چرا که احترام به آنان، احترام به ولی عصر علیه السلام است. ایجاد ارتباط با نایبان حضرت و تکریم و احترام این بزرگان، موجب بخشودگی گناهان می‌شود، زیرا احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام چنین ارمغانی را به همراه دارد. در سوره حجرات آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ

۱. محمد علی گرامی، موعود، شماره ۴، ص ۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَّ أَجْرٌ عَظِيمٌ^۱؛

کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند، همان کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.

هرچند این آیه در مورد احترام به پیغمبر ﷺ است، اما احترام به ائمه اطهار علیهم‌السلام و مراجع هم به نوعی احترام و حرمت نهادن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. هر قدر که مراجعه به مراجع بیشتر باشد، در واقع، امام زمان (عج) مرکزیت و محوریت بیشتری در جامعه پیدا می‌کند.^۲

از سویی، احترام به مراجع - که امام علیه‌السلام آنان را نواب خود خوانده - زمینه‌ای است برای گردن نهادن در برابر حکومت مهدی (عج).

سرباز امام زمان بودن سنخیت می‌خواهد، سنخیت و هماهنگی با امام در عدالت، تقوا و... در این راستا هم باید تمرین عملی داشت و هم تمرین فکری، اما تمرین عملی، باید عوام و خواص به عدل عادت کنند وگرنه تحمل حکومت مهدی (عج) بر آنها سخت خواهد بود. مسلماً در زمان حضرت هر کسی در مکان و جایگاه شایسته خود می‌نشیند، همه باید این نوع آمادگی را پیدا کنند؛ یعنی خودشان را به عدل و قسط بیارایند. این که می‌بینیم امام راحل فقط یک خانه کوچک در قم داشتند، معلوم می‌شود که ایشان خودشان را برای ظهور آماده کرده بودند. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری با این که مبالغ زیادی از وجوه شرعی در اختیار داشتند، اما همیشه با همان عبای پاره سر درس حاضر می‌شدند، این یعنی همان تمرین عملی.

اما تمرین فکری، خواندن زیارت نامه‌هایی، مانند «جامعه کبیره»، «دعای ندبه» و «عهدنامه» است. انتظار فرج یک تمرین فکری است. «أَفْضَلُ

۱. حجرات (۴۹) آیه ۳.

۲. موعود، شماره سوم، ص ۱۴.

أَعْمَالِ أُمَّتِي، انتظارُ الفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»، انتظار فرج باید همیشه شعار شیعه باشد؛ یعنی ما باید همواره یکدیگر را به انتظار و یادآوری فرج و ظهور امام دعوت کنیم. چرا پیشینیان ما روزهای جمعه با ادب و سلاح از شهر خارج می‌شدند. این یک کار نمادین و تمثیلی بود، برای این که یادشان فرود که فرج و ظهوری در راه است.^۱

از جمله تکالیف شیعیان در عصر غیبت تجدید عهد همه روزه به وحدانیت خدای رحمان، نبوت خاتم انبیا و ولایت ائمه هدی علیهم السلام است. تجدید عهد، تازه کردن بیعت، ارائه عقاید حقه به پیشگاه خدا، رسول و ائمه علیهم السلام، ستودن ایشان به پاکی و طهارت و درخواست پایداری و دوام عقاید از خداوند تعالی با کمال خضوع است. اگر انسان همواره خود را در محضر امام زمان (عج) ببیند، گرچه در ظاهر حضور امام نباشد، اما همیشه امام را دیده و او را متوجه امورات ظاهری و باطنی خود می‌داند. بنابراین، لازم است هر شب خدمت‌گزاری و جان‌نثاری خود را اعلام کند. در حقیقت، او مثل مأمور و مسافری است که مولایش دستورالعمل‌ها و تکالیف لازم را بدو اعلام کرده و او هر روز باید مطابق آن عمل کند، اما چنانچه مطابق خیالات و رأی خود عمل کند، به خطرات بزرگ گرفتار می‌شود.

اعتقاد به مهدویت در سایر ادیان و ملل

اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان مصلحی الهی و جهانی در بسیاری از مذاهب و ادیان وجود دارد. نه تنها شیعه که اهل تسنن و حتی پیروان ادیان دیگر، مانند یهود، نصارا، زردشتیان و هندویان نیز به ظهور مصلحی بزرگ و الهی اذعان دارند و آن را انتظار می‌کشند.

آیین هندوها

در کتاب «وید» که نزد هندویان از کتب آسمانی است، چنین آمده است: پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور^۱ باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد بر آید.^۲

۱. در زیارت عاشورا «مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله» و دعای ندبه «أین المنصور علی من اعتدی علیه» شاید به همین مناسبت باشد. محدث نوری در کتاب نجم الثاقب می‌نویسد: در ذخیره و تذکره آمده که منصور اسم آن جناب در کتاب وید برآمده است.

۲. بشارات عهدین، ص ۲۴۵، به نقل از: پیشوای دوازدهم، حجة بن الحسن المهدی (عج).

در یکی دیگر از کتب مقدس هندوها آمده است:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق و راستی با او باشد. آن چه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد همه را به دست آورد و در آسمان‌ها و زمین آن چه باشد خبر می‌دهد. از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیامد.^۱

هم‌چنین در کتاب معروف هندوها چنین اشاره شده است:

پادشاهی به دولت دنیا، به فرزند سید خلاق در دو جهان (کشن) تمام شود و کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند، جن و انس در خدمت او شوند و از «سودان» که زیر خط استواست تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد. و نام او «ایستاده» (قائم) باشد و خدا شناس باشد.^۲

به بیان زیباتر، در کتاب مه‌ابا راتا و کتاب پورانه‌ها در این خصوص آمده است:

همهٔ ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود و چون طبعاً و فطرتاً، در حال هبوط و دوری از مبدأ است و مانند احجار به سوی پایین حرکت می‌کند و نمی‌تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد، پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد و....^۳

۱. سبک از کتاب مقدس هندوها.

۲. اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۳. معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵.

اصولاً فتوریسم (Fotorism) یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی، عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی یهودیت (جودایسیم)، و زردشت (زوراستریانیسم)، مسیحیت (در سه مذهب عمده آن، یعنی کاتولیک، پروتستان و اردتدوکس) و خصوصاً دین مقدس اسلام به مثابه یک اصل مسلم گرفته شده است. درباره آن در مباحث تئولوژیک مذاهب آسمانی، رشته تئولوژی بیبلیکیال، کاملاً شرح و بسط داده شده است.^۱

آیین زردشتی

در کتاب‌های اوستا، زند، جاماسب نامه، داتستان دینیک، زراتشت نامه، موعودهایی معرفی شده‌اند که آنان را سوشیانت می‌نامند. این موعودها سه تن بوده‌اند که مهم‌ترین آنان آخرین ایشان است و او را «سوشیانت پیروزگر» خوانده‌اند. این سوشیانت، همان موعود است. چنان‌که گفته‌اند: سوشیانت مزدیسنان، به منزله گریشنای برهمنان بودای پنجم بودائیان،^۲ مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.

آیین یهود

یهودیان نیز که خود را پیروان حضرت موسی علیه السلام می‌دانند، منتظر موعودند. در آثار دینی یهود، اسفار تورات و دیگر کتاب‌های انبیای آنان همواره به موعود اشاره شده است. اما این قوم، به حضرت مسیح علیه السلام و به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نگرویدند. بنابر این، در برابر مسأله موعود و انتظار بسیار

۱. مجموعه حکم، سال سوم، شماره ۱ و ۲، مقاله سید هادی خسروشاهی.

۲. دایرة المعارف فارس، ج ۱، ص ۱۳۷۳.

حساس و نگرانند. یهودیان نباید به سادگی و غفلت از این همه بشارت‌ها و اشارت‌ها بگذرند، بلکه باید از دیگر منتظران، منتظرتر باشند و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند و از این همه ظلم، خیانت، تجاوز و انسان‌کشی دست بردارند و از عواقب ظلم و ستم بترسند. آنان دو موعود کتاب‌های خود، یعنی مسیح علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله را نپذیرفتند. اما از دست موعود سوم رها نخواهند شد.^۱

به هر حال، یهودی حق پوش چه بپذیرد یا نپذیرد در کتاب‌های یهودیت، عهد عتیق و دانیال پیامبر، کتاب حجی (حکا) ی پیامبر، صفینای پیامبر، اسعیای پیامبر و زبور داود مطالبی درباره موعود آخر الزمان آمده است. پاره‌ای از علائم آخرالزمان، رجعت و شخصیت حضرت حجة بن الحسن المهدی (عج)، حتی اشاراتی درباره واقعه عاشورا در کتاب بشارت عهدین آمده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾^۲

علاوه بر ذکر تورات در زبور نیز نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

در متن زبور آمده است:

قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد، آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و پری آن غرّش نمایند، صحرا و هر آن چه در آن است

۱. در بعضی از روایات آمده که جماعتی از یهودیان گرد «دجال» را می‌گیرند و با ظهور مهدی، فرود آمدن عیسی علیه السلام، کشته شدن دجال، آنان نیز قتل عام می‌شوند.

۲. انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل مترنم خواهند نمود.^۱ اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، ... اما حلیمان وارث زمین خواهند شد، زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند.^۲

آیین مسیحیت

در این آیین، بشارت‌های روشن‌تری دربارهٔ موعود آخرالزمان (عج) رسیده است. یکی از علل آن قرب زمان است، زیرا از نظر زمانی حضرت مسیح علیه السلام به امام مهدی (عج) نزدیک‌تر است و از سویی، تحریف کمتری در این آیین نسبت به یهودیت صورت گرفته است. در این خصوص می‌توان به اناجیل متی، لوقا، مرقس، برنابا و مکاشفات یوحنا مراجعه کرد.

در انجیل متی فصل ۲۴ می‌خوانیم:

چون که برق از مشرق بیرون می‌آید و تا به مغرب ظاهر می‌گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود ... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمانی می‌آید با قدرت و جلال عظیم!

و در انجیل لوقا فصل دوازدهم آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته دارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می‌کشند تا هر وقت بیاید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنید!

در کتاب‌های قدیم چینیان، در عقاید هندیان، در بین اهالی اسکانداوی و

۱. مزامیر، مزمور ۱۰-۱۳.

۲. مزامیر، مزمور ۳۷.

حتی در میان مصریان قدیم، بومیان آمریکایی، اهالی مکزیک و نظایر آن می‌توان چنین انتظاری را مشاهده کرد. بنابراین، عقیده به ظهور رهایی بخشی بزرگ، برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسان‌ها و برپایی حکومت حق و عدالت، منحصر به شرقی‌ها و مذاهب شرقی نیست، بلکه اعتقادی عمومی و جهانی است که چهره‌های مختلف آن در عقاید اقوام گوناگون دیده می‌شود و همه روشن‌گر این حقیقت است که این اعتقاد کهن در فطرت و نهاد انسان و در دعوت همهٔ پیامبران ریشه داشته است.

«برنارد بارلر» جامعه‌شناس آمریکایی در رسالهٔ نهضت منجی‌گری وجود چنین اعتقادی را حتی در میان سرخ‌پوستان آمریکایی نقل کرده، می‌گوید:

در میان قبایل سرخ‌پوست آمریکایی این عقیده شایع است که روزی گرد سرخ‌پوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد ساخت.^۱

در خاتمه این بحث باید گفت: السلام علی مهدی الأمم و جامع الکلم؛ سلام بر مهدی، که امت‌ها از او سخن گفته‌اند، همو که همه اقوام و افکار را متحد می‌کند و زیر یک پرچم گرد می‌آورد.

مهدی (عج) در منابع اهل سنت

مدارک و روایات موجود دربارهٔ مهدی و ظهور ایشان، منحصر به یک مذهب از مذاهب اسلامی، یعنی شیعه نیست، بلکه کتاب‌ها و مدارک همهٔ مذاهب اسلامی دیگر، از جمله حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی نیز سرشار از روایات نبوی دربارهٔ مهدی و ظهور او است. در کتاب‌های حدیث، تفسیر،

۱. ر.ک: مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۵۸-۵۹.

تاریخ، مناقب و فضایل، کلام و اعتقادات، حتی لغت و ادبیات، تصوف و عرفان، جغرافیا و بلدان و دیوان‌های شاعران به ذکر احادیث و مطالبی پرداخته شده که مربوط به مهدی است. این اتفاق نظر به حدی است که حتی تندروترین گروه‌های اسلامی، یعنی وهابیان نیز این موضوع را پذیرفته و به طور جدی از آن دفاع کرده‌اند و آن را از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می‌دانند. بیانیهٔ رابطهٔ العالم الاسلام که از بزرگ‌ترین مراکز دینی وهابی‌ها در مکه است، در این خصوص جالب توجه است.

یک سند زنده

حدود سه سال قبل شخصی به نام ابو محمد از کنیا سؤالی دربارهٔ ظهور مهدی منتظر از این مرکز کرده است. دبیر کل رابطه، محمد صالح القزاز در پاسخی که برای او فرستاده، ضمن تصریح به این که «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته و متن رسالهٔ کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه آماده کرده‌اند برای او فرستاد. در این رساله پس از ذکر نام حضرت مهدی و محل ظهور او، یعنی مکه آمده است:

به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم خداوند به وسیلهٔ او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است. او آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر ﷺ در کتب صحاح از آنها خبر داده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه نقل کرده‌اند.^۱

۱. بیست نفر از صحابه از جمله علی رضی الله عنه، عثمان، طلحه، عبدالرحمن عوف، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، و... را آورده است.

در ادامه می‌گوید:

در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر ﷺ اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است، از جمله سنن ابو داود، ترمذی، ابن ماجه، ابن عمرو دانی، مسند احمد، و ابی یعلی و بزار، مستدرک حاکم، معاجم طبرانی (کبیر و اوسط)، خطیب در تاریخ بغداد، ابن عساکر در تاریخ دمشق و ...

در خاتمه آمده:

بنابر این، اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می‌شود و جز افراد نادان و بی‌خبر یا بدعت‌گذار آن را انکار نمی‌کنند.^۱

سخنان عالمان اهل سنت

اکنون مناسب است سخنان عالمان اهل سنت را درباره حضرت مهدی (عج) در این جا بیاوریم:
ابن حجر هیثمی شافعی:

ابوالقاسم، محمد، الحجّه، عمر او پس از درگذشت پدرش پنج سال بود، خداوند در همین عمر، به او حکمت ربانی عطا کرد. او را «قائم منتظر» گویند. اخبار متواتر رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی علیه السلام از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند.^۲

عمادالدین ابن کثیر دمشقی:

مقصود از پرچم‌های سیاه (که در روایات مهدی ذکر شده است)،

۱. به نقل از: حکومت جهانی مهدی، ص ۱۴۴-۱۵۵ با تلخیص.

۲. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۰۰.

بخش دوم: اعتقاد به مهدویت در سایر ادیان و ملل □ ۵۱

پرچم‌های سیاهی نیست که ابو مسلم خراسانی برافراشت و دولت بنی‌امیه را ساقط کرد، بلکه مقصود پرچم‌های سیاهی است که یاران مهدی خواهند آورد.^۱

ابن ابی‌الحدید:

میان همهٔ فرقه‌های مسلمین اتفاق قطعی است که عمر دنیا و احکام و تکالیف پایان نمی‌پذیرد، مگر پس از ظهور مهدی (عج).^۲

صدرالدین قونوی:

پس از مرگ من، آن چه از کتاب‌هایم که دربارهٔ طب و حکمت است و همچنین کتاب‌های فلسفه، همه را بفروشید و پول آن را به فقرا صدقه بدهید و کتاب‌های تفسیر و حدیث و تصوف را در کتابخانه نگاه دارید. در شب اول مرگ من، هفتاد هزار بار کلمهٔ توحید (لا اله الا الله) را بخوانید و سلام مرا به مهدی (عج) برسانید.^۳

محمد بن بدرالدین رومی:

خداوند به وسیلهٔ حضرت محمد ﷺ نبوت تشریحی را ختم کرده و دیگر تا روز قیامت پیامبری نخواهد آمد. هم‌چنین خدا به وسیلهٔ فرزند صالح پیامبر، همو که دارای نام پیامبر (محمد) و کنیه پیامبر (ابوالقاسم) است ولایت تامه و امامت عامه را ختم خواهد کرد و این ولی، همان کس است که مژده داده‌اند که زمین را چنان‌که از جور و ستم لبریز شده باشد، از عدل و داد لبریز بسازد و ظهور او به ناگهان اتفاق بیفتد. خداوند! این همه پریشانی و گرفتاری را از این امت به برکت ظهور و حضور او برطرف فرما! إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ

۱. همان، ج ۲، ص ۷۲.

۲. لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۳-۵.

۳. محمد سعید موسوی هندی، الامام الثانی عشر، ص ۷۷.

بعیداً وَ نَرَاهُ قَرِیباً؛ کسانی ظهور او را بعید و ناشدنی می‌پندارند و ما آن را

شدنی و نزدیک می‌دانیم.^۱

شیخ عبدالحق دهلوی:

احادیث بسیاری که به حد تواتر رسیده است وارد شده که مهدی از اهل بیت

پیامبر است، از اولاد فاطمه علیها السلام.^۲

احمد امین مصری:

اهل سنت به مهدی و مسأله مهدی یقیناً ایمان دارد.^۳

شیخ محمد عبده:

خاص و عام می‌دانند که در اخبار و احادیث ضمن شمردن علائم قیامت،

آمده است که مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله خروج می‌کند که نام او مهدی

است. او زمین را، پس از آن که از جور و بیداد آکنده باشد، از عدل و داد

آکنده می‌سازد.^۴

نظر متفکران غربی درباره مهدویت

«برنارد شاو» فیلسوف برجسته انگلیسی صریحاً به زنده بودن دین اسلام

اعتراف کرده، اعلام نمود:

من همیشه نسبت به دین محمد صلی الله علیه و آله به واسطه خاصیت زنده بودن شگفت آور

آن نهایت احترام را داشته‌ام. به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد

توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون

۱. همان، ص ۷۷.

۲. منتخب الاثر، ص ۳.

۳. شیخ محمد جواد مغنیه، المهدی المنتظر و العقل، ص ۵۹.

۴. رشید رضا، تفسیر المنارج، ج ۶، ص ۵۷.

مختلف را دارد. من چنین پیش بینی می‌کنم و هم اکنون هم آثار آن پدیدار شده است که ایمان محمد مورد قبول اروپای فردا خواهد بود.^۱

آن‌گاه که برناردوشاو جهان گیر شدن آیین اسلام را پیش بینی می‌کرد و آن را مورد قبول مردم اروپا می‌دانست و معتقد بود که تنها اسلام می‌تواند مشکلات جهان را حل کند، اروپاییان با بی‌اعتنایی از کنار این نظریه می‌گذشتند. اما امروز حقیقت سخنان او و سایر متفکران آزاد اندیش برای غریبان آشکار شده است. گرایش روز افزون مردم جهان به اسلام نشانه بارزی است برای صحت پیش بینی‌های او. امروزه کسانی که در آمریکا و اروپا به اسلام می‌گروند همان حقایقی را می‌یابند که متفکران غربی، آنها را از ویژگی‌های اسلام مغربی می‌کنند که عامل نجات بخش بشریت و پناهگاه امن معنوی برای انسان‌های سرگشته غربی است. یک تازه مسلمان آمریکایی می‌گوید:

این آیین قادر است فشارهای جامعه بی‌بنیاد و مصرفی آمریکا را که متوجه افراد است، برطرف کند. اسلام نه تنها یک دین، بلکه یک شیوه درست زندگی نیز می‌باشد.^۲

«داگلاس جانسون» از مرکز تحقیقات بین‌المللی و استراتژیک و نویسنده کتاب مذهب عنصر مفقوده در فن حکومت می‌گوید:

جهان به مذهب روی می‌آورد. هنگامی که حکومت‌های غیر مذهبی نیازهای مردم را بر آورده نکنند، پیام‌های مذهبی فضای خالی را پر می‌نمایند.^۳

بنابراین، نوعی خود آگاهی و رشد معنوی در دنیای در حال تکامل و رشد،

۱ و ۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۵/۲۴، ص ۱۱.

۳. موعود، شماره ۹، ص ۶۶، به نقل از: مقاله «نقش کلیدی مذهبی در سیاست بین‌المللی» ترجمه: فریند پرتو، عژوئیه ۱۹۹۶، ص ۱.

دیده می‌شود که فراتر از مادیات عمل کرده و حتی مادیات را عامل توقف و مانع رشد و تکامل می‌داند، افرادی نظیر «تدد انلیز» اهل «فیلادلفیا» هر هفته ادبیات سال ۲۰۰۰ را بررسی می‌کند، شدیداً به این باور ایمان دارد که هزاره بعدی زمان ظهور منجی آخرالزمان است.^۱

صاحب الزمان (عج) از نگاه هانری کرین

پروفسور «هانری کرین» ایران شناس مشهور فرانسوی از جمله اروپاییانی است که در دوران زندگی علمی خود تمایل قلبی و یقین عینی و عقلانی به وجود مبارک امام عصر (عج) و معنویت بی‌بدیل سایر ائمه شیعه علیهم‌السلام یافته بود. به عقیده کرین، مفهوم ولایت در این دوران طولانی انتظار، همان هدایت ارشادی امام است که «اسرار» اصول عقاید را می‌آموزد. این مفهوم از سوی، شامل مفهوم معرفت است و از سوی دیگر، واجد معنای محبت؛ یعنی معرفتی که فی نفسه متمرکز و نیرومند است.^۲

کرین در بخشی از کتاب تاریخ فلسفه اسلامی ضمن نقل روایتی مشهور از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌گوید:

اگر تنها یک روز به پایان جهان باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی خواهد کرد تا مردی از ذریه من که نامش نام من و کنیه اش کنیه من خواهد بود، ظهور کند. او زمین را از هماهنگی و عدل پر خواهد ساخت چنان‌که تا آن هنگام از خشونت و جور پر شده است.

به تفسیر این روایت پرداخته و می‌نویسد:

۱. موعود، شماره ۹، ص ۶۶، به نقل از: مقاله «در جستجوی آخرالزمان»، نوشته ژان سباستین ستلی، ۳۰ دسامبر ۱۹۹۵، ص ۱.

۲. امین میرزایی، موعود، شماره چهاردهم.

بخش دوم: اعتقاد به مهدویت، در سایر ادیان و ملل □ ۵۵

روزی که چنین طولانی خواهد شد، زمان غیبت است و این حدیث صریح
طنین خود را در همه قرون و در تمام مراتب شعور و ضمیر شیعه منعکس
ساخته است.

کرین پس از اذعان به این نکته که امامان همه نور و حقیقت واحدی
هستند که در دوازده شخص متمثل شده‌اند، می‌نویسد:

وقتی نسبت لاهوت و ناسوت را در شخص امامان در نظر بگیریم، می‌بینیم
مسأله به هیچ روی شبیه به اتحاد اُنومی در طبیعت نیست، امامان، ظهورات
و تجلیات الهی هستند، قاموس فنی زبان، کلمات (ظهور و مظهر) را پیوسته به
مقابله با عمل آینه باز می‌گرداند، پس بدین‌گونه امامان هم چون ظهور الهی،
بی‌هیچ کم و بیش «اسماء الله» می‌باشند و به این عنوان از دو مهلکه تشبیه و
تعطیل مصونند.^۱

۱. هانری، کرین، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسدالله مبشری.

امام مهدی (عج) در قرآن

بیش از یکصد آیه از قرآن کریم به مصلح کل حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) تفسیر و تأویل شده است. علامه بزرگوار، ملا محمد باقر مجلسی در دائرةالمعارف بزرگ شیعه، بحارالانوار هفتاد آیه را به استناد احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، درباره ظهور یکتا بازمانده از حجت‌های حضرت احدیت نقل کرده است.

هم‌چنین برخی از بزرگان، کتاب‌هایی را در این زمینه به رشته تحریر در آورده‌اند که از آن جمله کتاب المحجة فیما نزل فی القائم (عج) تألیف محدث بزرگ سید هاشم بحرانی است که شامل ۱۲۰ آیه است که به استناد احادیث معصومان علیهم السلام، به ظهور مهدی (عج) تفسیر شده است. کتاب‌های نفیس دیگری نیز وجود دارند، که در این جا به نقل پاره‌ای از آنها بسنده می‌کنیم:

در قرآن کریم درباره مسائل آینده دوران، حوادث آخرالزمان، استیلای خوبی و خوبان بر جهان و حکومت یافتن صالحان، گاه به اشاره و گاهی به تصریح سخن گفته شده است.

از طرفی، قرآن کریم، ظهور آن منجی موعود را با آرزوها و فطرت

حق طلبانه و عدالت خواهانه بشر پیوند زده است. در طول تاریخ، انسان همیشه در آرزوی تحقق حکومتی صالح و دور از ظلم و بی عدالتی بوده است. قرآن حکیم در معرفی حکومت حضرت مهدی (عج) و موعود آخرالزمان، روی این خواست فطری انسان انگشت گذاشته است، هم چنین بر این نکته تأکید کرده که اعتقاد به موعود آخرالزمان تنها به شیعیان و مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه تمام پیامبران گذشته، بشارت فرا رسیدنش را داده اند. قرآن ایشان را به عنوان منجی و ذخیره الهی همه انسان‌های مستضعف در سراسر جهان معرفی می‌کند. او را به عنوان شخصیتی که فراتر از هر مذهب و ملیتی برای مردم کل جهان مطرح و قیامشان جهانی است، یاد می‌کند. در این جا از دریای نور قرآن بهره می‌گیریم:

بقیة الله:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱

بقیة الله برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید.

امام صادق (ع) فرمود:

اولین سختی که پس از ظهور می‌گوید این آیه است و می‌فرماید: من بقیة الله و حجتش و خلیفه‌اش بر شما هستم، پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی‌کند، جز این که می‌گوید، سلام بر تو ای بقیة الله در روی زمین.^۲

امر الله:

﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ...﴾^۳

امر خدا فرا رسید، پس تقاضای تعجیل آن نکنید.

۱. هود (۱۱) آیه ۸۶

۲. به نقل از: منتظر تا صبح فردا، مقاله سید جواد مهری، ص ۱۰۸.

۳. نحل (۱۶) آیه ۱.

این هشدار است که قلب‌ها را از جا می‌کند، هشدار است که جبرئیل امین در روز ظهور حضرت حجت فریاد بر می‌آورد و تمام خلایق صدایش را می‌شنوند، این چنین امام صادق علیه السلام ما را خبر داده است که پس از این هشدار الهی، منادی در آسمان و زمین صدا می‌زند: «ای آفریدگان پروردگار! این مهدی آل محمد است! با او بیعت کنید و مخالفتش ننمایید.»^۱

وارثان زمین:

﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲؛

این زمین را بندگان شایسته من به میراث خواهند برد.

تأویل «عبادی الصالحون» امام زمان (عج) و یاران او هستند.^۳

نصر خدا:

﴿وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ﴾^۴؛

چون از سوی پروردگارت مددی رسید، می‌گویند، ما نیز با شما بوده‌ایم.

تأویل «نصر من ربك» امام زمان (عج) است.^۵

نور پروردگار:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۶؛

و زمین به نور پروردگارش روشن شد.

۱. به نقل از: منتظر تاصیح فردا، مقاله سید جواد مهري، ص ۱۰۸.

۲. انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷. به نقل از: تفسیر علی بن ابراهیم.

۴. عنکبوت (۲۹) آیه ۱۰.

۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸. به نقل از: تفسیر علی بن ابراهیم.

۶. زمر (۳۹) آیه ۶۹.

تأویل «و اشرققت الارض»، در زمان ظهور امام زمان (عج) است.^۱

نصرت الهی:

﴿وَلَمَنْ اِنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأَوْلَتْكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ﴾^۲؛

بر کسانی که پس از ستمی که بر آنها رفته باشد انتقام می‌گیرند ملامتی نیست.

تأویل «و لمن انتصر» امام زمان (عج) و یاران او هستند.^۳

نزدیکی رستاخیز:

﴿اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ﴾^۴؛

رستاخیز نزدیک شد و ماه دو پاره گردید.

تأویل «الساعة» ظهور امام زمان (عج) است.^۵

نور الله:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَقْوَامِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۶؛

می‌خواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش کنند، ولی خدا کامل کننده نور

خویش است، اگر چه کافران را ناخوش آید.

تأویل «والله مُتِمُّ نُورِهِ» به وسیله امام زمان (عج) است.^۷

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۲. شوری (۴۲) آیه ۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸، به نقل از: تفسیر علی بن ابراهیم.

۴. قمر (۵۴) آیه ۱.

۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹، به نقل از: تفسیر علی بن ابراهیم.

۶. صف (۶۱) آیه ۸.

۷. بحار الانوار، ج ۵۱، تفسیر علی بن ابراهیم.

روشنایی روز:

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾^۱؛

سوگند به روز آن‌گاه که آشکار شود.

تأویل «النهار» امام زمان (عج) است.^۲

طلوع فجر:

﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾^۳؛

شب قدر تا طلوع بامداد همه سلام و درود است.

تأویل «مطلع الفجر» زمان ظهور امام زمان (عج) است.^۴

تفسیر چند آیه درباره وجود مقدس امام زمان (عج)

یاران خدا

﴿الَّذِينَ إِذْ مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ غَايِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۵؛

اینها (یاران خدا) کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم،

نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر

می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

در بررسی آیه نکات زیر مورد اهمیت است:

۱. لیل (۹۲) آیه ۲.

۲. بحار الانوار، همان.

۳. قدر (۹۷) آیه ۵.

۴. سید هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۸۷.

۵. حج (۲۲) آیه ۴۱.

۱. موقعیت آیه:

قبل از این آیه، خداوند مطالبی را دربارهٔ دفاع از مظلومان و قدرت خود بر یاری آنها بیان کرده، سپس در فایدهٔ دفاع می‌فرماید: اگر دفاع نباشد، عبادت گاه و مساجدی که در آن یاد خدا می‌شود از بین می‌رود. در پایان تأکید می‌کند: کسانی که خدا را یاری می‌کنند خداوند نیز آنها را یاری می‌کند و هنگامی که با یاری خداوند پیروز و حاکم زمین شوند، اجرای احکام الهی را سرلوحهٔ برنامهٔ خود قرار داده و دین الهی را حاکمیت می‌بخشند.

۲. برنامهٔ عملی یاوران خدا:

اینها از پیروزی، هم چون خود کامگان، غرور، مستی و دنیاطلبی را شیوهٔ خود نمی‌کنند تا این که خود طاغوت جدیدی شوند، بلکه زندگانی صالحانهٔ توأم با اصلاح خود، جامعه و رضایت خداوند را فراهم می‌سازند. برنامه‌های اصلی آنها در سه امر زیر است:

الف) بر پاداشتن نماز: یعنی حاکمیت توحید و ایجاد روح معنویت و تزکیهٔ نفس که راه کمال نفسانی را بر انسان هموار می‌کند. البته مراد نمازی است که به دلیل رعایت تمام شرایط ظاهری و معنوی، انسان را از فحشا و منکر باز دارد و مقبول حضرت حق گردد. چنین نمازی اطاعت، خشیت و تقوای الهی را در همهٔ شئون زندگی فراهم ساخته و نتیجهٔ آن کامیابی است.

ب) پرداختن زکات: که از دو جنبه ارزشمند است: ۱. هم دلی و هم راهی با مردم و زدودن فقر و اصلاح اقتصادی در جامعه؛ ۲. زدودن حرص، بخل و مال پرستی از وجود انسان‌ها و جایگزینی روح ایثار و هم‌دردی. تا بخل در انسان هاست راه سعادت و رستگاری به روی آنها بسته است.

﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱؛

و هر کسی جان خود را از بخل حفظ کند، او رستگار است.

در حکومت صالحان زکات به همان صورتی که واجب شده پرداخت می‌شود و به مصارف واقعی خود می‌رسد.

ج) امر به معروف و نهی از منکر: یکی دیگر از وظایف یاوران دین خدا در زمان حکومت، ترویج تمام خوبی‌ها و اوامر الهی در میان همه مردم است. تمام کوشش آنها زدودن بدی‌ها و گناهان در جامعه است. در چنین حکومتی، اسلام و مسلمین چنان عزیز و کفار و منافقان چنان ذلیلند که صالحان به دلیل اطاعت از فرمان خدا و ترک معصیت تمسخر نمی‌شوند و هر انسانی خود را در برابر دیگران مسئول می‌بیند.

۳. مصداق آیه:

امام صادق علیه السلام در ذیل همین آیه می‌فرماید:

فهذه لآل محمد صلی الله علیه وآله آخر الآیة، و المهدي و أصحابه يملكهم الله مشارق الأرض و مغاربها، و يظهر الدين و يميت الله به و الصحابة البدع و الباطل كما أمات الشقاة الحق، حتى لا يرى أين الظلم و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر؛^۲

این آیه تا آخر آن درباره آل محمد و مهدی و اصحاب اوست که مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را تصاحب می‌کند و دین پیروز می‌شود و خداوند به وسیله او و اصحابش بدعت‌ها و باطل را می‌میراند، همان‌طور که اشقیاء اهل حق را از بین بردند، به گونه‌ای که ظلم در هیچ جا دیده نمی‌شود و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۱. حشر (۵۹) آیه ۹.

۲. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

انقلاب مستضعفان

﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾^۱؛

ما می‌خواهیم تا به مستضعفان زمین منت نهمیم و آنان را پیشوایان و وارثان
زمین قرار دهیم.

قرآن کریم در آیاتی چند محورهای با اهمیتی را بیان کرده که یکی از آنها
طبقه مستضعف است. در طول تاریخ (به جز دوران کوتاهی، آن هم در
جوامع خاص) قدرت مالی، سیاسی و نظامی همواره در دست طبقات مستکبر،
برتری طلب و سلطه‌جو بوده است. آنها با دست یازی به منابع ثروت و
کالاها، سلطه خود را بر خلق خدا استوار می‌ساختند. اما طبق وعده‌های
قرآنی این جریان ناهنجار، به‌طور اصولی و واقعی و نه شعاری و ادعایی، در
انقلاب نهایی تاریخ، راه نیستی می‌پوید و طبقه قدرت‌مند از اریکه قدرت به
زیر کشانده می‌شود و ضعیفان و فرو دستان، مراکز قدرت را در دست گرفته و
به راستی حاکم می‌شوند. این انقلاب مانند انقلاب و رستاخیز قیامت است،
چنان‌که در قیامت به راستی نیکان و انسان‌های وارسته به منزلت و جایگاه
شایسته خویش دست می‌یابند و انسان‌نماها سقوط می‌کنند و به کیفر
می‌رسند. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿ خَافِظَةٌ رَافِعَةٌ ﴾^۲.

همان‌طور که انقلاب قیامت، گروهی را بالا می‌برد و گروهی را از اریکه
قدرت به زیر می‌کشد، انقلاب جهانی و نهایی موعود آخرالزمان نیز
چنین می‌کند؛ یعنی بدون هیچ کم و کاست و یا سهل انگاری و چشم‌پوشی،
سلطه طلبان قدرت‌مند را به زیر افکنده و فرو دستان محروم را بر

۱. قصص (۲۸) آیه ۵.

۲. واقعه (۵۶) آیه ۳.

مراکز قدرت حاکم می‌سازد. در پرتو تعالیم خاص و ناب آن معلم الهی، توحید راستین آموزش داده شده و راه مستقیم الهی روشن می‌شود، خداشناسی و خداجویی به اوج شکوفایی می‌رسد و این است معنای انقلاب راستین و رابطه انسان با خدا.

اساساً حاکمیت مستضعفان که به معنای حاکمیت معیارهای درست انسانی است، تحولاتی ریشه‌ای در همه ابعاد زندگی پدید می‌آورد و در نتیجه، زندگی راه درست خویش را می‌یابد و انسان‌ها همه به شایستگی زندگی می‌کنند.

دین خدا در همه ابعاد حیات انسانی، نقش اصلی را بر عهده دارد و مادیت و معنویت و بُعد این دنیایی و آن جهانی زندگی انسان را سامان می‌دهد. دین در متن زندگی مردم است نه جدا از آن؛ این موضوع در اصل عقیده به مهدویت کاملاً نهفته است؛ موعودی که برای گسترش عدالت در جوامع انسانی قیام می‌کند و اوضاع ستم‌بار و آشفته زندگی بشری را از میان می‌برد، دنیای مردم را به نظم می‌آورد و آخرت ایشان را نیز اصلاح می‌کند.

بنابر این اندیشه، حذف دین از زندگی دنیایی و تبعید دین به حوزه مسائل آخرتی، با عقیده به موعود آخرالزمان، به کلی ناسازگار است، چون بیشترین تأکیدی که در تعالیم اسلامی شده موضوع عدالت اجتماعی در حکومت آخرالزمان است نه اصل خدا باوری یا پرهیز پیشگی شخصی و درونی و روحی.^۱

محبت به امام زمان (عج)

محبت و عشق به امام زمان (عج) در حقیقت، همان محبت به خداست:
«مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ».

به این محبت در احادیث و روایات امامان معصوم علیهم السلام از طریق عامه و خاصه تأکید شده است، چنان که زمخشری از مشاهیر علمای عامه و صاحب تفسیر کشاف در تفسیر آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْعَوْدَةَ فِي الْقُرْبَى﴾ این حدیث را نقل می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که با دوستی آل محمد بمیرد شهید مرده است، هر که با دوستی آل محمد بمیرد بخشوده از عذاب مرده است، هر که با دوستی آل محمد بمیرد توبه کار مرده است، هر که با دوستی آل محمد بمیرد مؤمن کامل مرده است، هر که با دوستی آل محمد بمیرد فرشته مرگ او را بشارت می‌دهد و سپس منکر و نکیر نیز او را به بهشت بشارت می‌دهند، هر که با دوستی آل محمد بمیرد او را معزز و محبوب به سوی بهشت می‌برند، هر که با دوستی آل محمد بمیرد خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می‌دهد و دو در به سوی بهشت از آن گشوده می‌شود.

اما هر که با دشمنی آل محمد بمیرد، روز قیامت در حالی وارد می‌شود که بر پیشانی او چنین نوشته شده است: مأیوس از رحمت خدا! هر که با دشمنی آل محمد بمیرد کافر مرده است، هر که با دشمنی آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.^۱

بنابر این، محبت به اهل بیت دارای ارزش و اعتبار والایی است، تا آنجا که در برخی روایات آمده که از همه عبادت‌ها بالاتر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

﴿إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ، عِبَادَةٌ وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ﴾^۲؛

بالاتر از هر عبادتی، عبادتی است و محبت ما اهل بیت برترین عبادت‌هاست. این محبت است که با سرعت تمام صفات «محبوب»، را به «محب»

۱. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۴۶۷.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۸ و ۹۱.

می‌رساند. وقتی فردی محب انسان کاملی، مانند حضرت حجت (عج) می‌شود طبیعی است که لازمه‌اش پیروی محب از محبوب و متصف شدن به صفات محبوب است.

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا^۱

و بگو حق فرارسید و باطل مضمحل و نابود شد که همانا باطل نابود شدنی است. یکی از آرزوهای دیرین بشر، بر چیده شدن بساط ظلم و بیدادگری و حکم‌فرمایی صلح و آرامش و اجرای عدالت در سراسر جهان است. این اندیشه، هماهنگ با سرشت انسان است، به همین دلیل، هرگاه زمینه قیام فراهم شود به مبارزه با حکومت ظلم و جور می‌پردازند. این آیه نوید پیروزی قطعی آمدن حق و هلاکت باطل را می‌دهد، چون هرگاه بخواهند خبر قطعی از وقوع عملی دهند با فعل ماضی «جاء» می‌آورند.

مصدق آیه:

از مصادیق مهم این آیه ظهور حضرت مهدی (عج) است، هم‌چنان‌که روایت شده: وقتی حضرت قائم (عج) تولد یافتند بر روی بازوی راست ایشان این آیه نوشته شده بود.^۲ از امام باقر علیه السلام درباره این آیه چنین روایت شده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ^۳

وقتی قائم قیام کرد حکومت باطل از بین می‌رود.

استاد شهید مرتضی مطهری پیروزی نهایی اهل حق را چنین وصف می‌کند: ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که

۱. اسراء (۱۷) آیه ۸۱

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۳.

۳. همان، ص ۲۱۲.

به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود.^۱

چشمه همیشه جوشان الهی

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ﴾^۲؛

آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان آبی فرستاد، سپس آن را به چشمه‌هایی در زمین راه داد، آن‌گاه به وسیله کشت‌زاری که رنگ‌های آن گوناگون است، بیرون می‌آورد.

آب مهم‌ترین عامل زندگی مادی بشر است؛ اما روح انسان نیز نیاز به چشمه‌ای دارد که او را از کوثر زلال معارف الهی سیراب می‌کند. انبیا و اولیای الهی با نور هدایت خود برای رهایی مردم از تاریکی‌ها از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نکرده و هر کدام مانند سرچشمه‌ای هستند که روح مردم را سیراب می‌کنند. در زیارتی از امام صادق علیه السلام خطاب به حضرت علی علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا... مَظْهَرُ الْمَاءِ الْعَيْنِ؛^۳ اسلام بر تو ای مظهر آب روان!

بنابر این، ظاهر کلام مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است و باطن آن مربوط به وجود علم امام و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی است.^۴ آب وسیله‌ای برای زدودن پلیدی‌های ظاهری است. امامان معصوم علیهم السلام نیز وسیله‌ای برای پاک کردن انسان‌ها از پلیدی‌های درونی و شرک و جهل و گناه‌اند.

با ختم نبوت و سپری شدن حیات امامان معصوم علیهم السلام، دوران غیبت فرا رسید،

۱. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه، ص ۲۰.

۲. زمر (۳۹) آیه ۲۱.

۳. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۷۵.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۶۰.

این دوران همچون آبی است که برای ذخیره به زمین فرو می‌رود. به امید روزی که با فراهم شدن زمینه جامعه برای پذیرش آن، این ذخیره الهی جوشش کند و تشنگان واقعی معرفت را سیراب نماید.

ابوحمزه از امام صادق علیه السلام چنین سؤال می‌کند: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛^۱

اگر زمین بدون امام باشد [اهل] آن را فرو می‌برد.

آب با فرو رفتن در زمین در آن جا ذخیره می‌شود تا با برنامه دقیق، موجودات زنده از آن بهره‌مند شوند. حضرت مهدی (عج) نیز با غیبت خود ذخیره‌ای برای جهانیان است تا با ظهور خود در موقع مناسب، دنیا را به تکامل و معنویت رسانده و مردم سعادت‌مند شوند.

یک نکته ارزشمند

آب پنهان در زمین، بدون تلاش و تحمل رنج و زحمت به دست نمی‌آید. انسان تشنه برای رسیدن به آب‌های زیر زمینی به حفر چاه و قنات می‌پردازد. ظهور حضرت مهدی (عج) نیز زمانی تحقق می‌یابد که مردم مشتاق عدالت شوند و با تلاش خود مقدمات آن را فراهم کنند. در این میان، مؤمنان واقعی فقدان وجود آن حضرت را احساس می‌کنند و تشنه وصال او می‌شوند. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانٍ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدِ الْمَاءِ الْمَعِينِ؛

چه بسیارند مؤمنان اندوهگین و بسیار تشنه که هنگام فقدان آن آب روان غمناک هستند.

خواص خورشید پنهان

آب پنهان در دل زمین، در همان حال نیز دارای خواص متعددی است. امام نیز به مثابه آبی است که مردم از برکت وجود او بهره‌مندند، گرچه خود بی‌خبرند. چه بسیارند افرادی که در هنگام گرفتاری‌ها به ایشان توسل جسته و مشکلشان را حل کرده‌اند، چه بسیار گناهکارانی که از برکت وجود حضرت ولی عصر (عج) نور هدایت بر قلبشان تابیده و خود را از گمراهی‌ها نجات داده‌اند و بیش از این دو، افرادی هستند که به دعا و توجه امام از آنها رفع گرفتاری شده و یا به نعمت‌های الهی رسیده‌اند، اما ولی نعمت خود را آن‌گونه که باید نمی‌شناسند. ایشان در غیبت هم چون خورشیدی است که در پشت ابرها پنهان است، ولی مردم از نور وجودش بهره‌مندند، هم‌چنان‌که از امام زمان (عج) چنین روایت شده است:

أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ
الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَ إِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ
لِأَهْلِ السَّمَاءِ...؛^۱

چگونگی سود رسانی من در زمان غیبتم مانند سود رسانی خورشید است، زمانی که ابرها آن را از چشم‌ها پنهان نمایند و من ایمن دهنده اهل زمینم، هم‌چنان‌که ستارگان ایمن دهنده اهل آسمانند.

همان‌گونه که گاهی خورشید پشت ابرها پنهان می‌شود، ولی آثار وجودش قابل مشاهده است و در همان حال، مردم از آن بهره می‌برند و هر لحظه هم منتظر کنار رفتن ابرها و آشکار شدن خورشید هستند، در زمان غیبت نیز آن حضرت به دلیل مصالحی از دیده‌ها پنهان است، ولی:
اولاً، آثار وجودش برای اهل بصیرت روشن است؛

ثانیاً، مردم از وجود ایشان بهره می‌برند؛
ثالثاً، باید هر لحظه منتظر کنار رفتن پرده غیبت و ظهور آن حضرت
باشیم.^۱

درماندگان وادی غیبت

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ
الْأَرْضِ ءِإِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾^۲؛

کیست که درمانده را زمانی که او را بخواند، اجابت کند و گرفتاری را بر
طرف کند و شما را جانشینان این زمین قرار دهد، آیا معبودی با خداست؟
چه کم پند می‌گیرید!

اضطرار، حالتی درونی است و زمانی به وجود می‌آید که انسان هیچ وسیله
و پناهگاهی برای حلّ مشکل خود نداشته و دستش از همه راه‌های طبیعی
کوتاه شده باشد. در این حالت، درونش او را به وسیله‌ای معنوی هدایت کرده
و امید نجات به آن دارد. دل انسان در حالت اضطرار به گونه‌ای به خدا متصل
می‌شود که گویی باتمام وجود خدا را می‌بیند و صدایش را می‌شنود. از این آیه
به خوبی استفاده می‌شود که برای اجابت دعا تحقق دو شرط لازم است:

۱. انسان به حدّ اضطرار و درماندگی برسد: **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ**.
۲. انسان از تمام اسباب مادی نا امید شود و باتمام وجود فقط خدا را
بخواند: **إِذَا دَعَاهُ**.

در این حالت، انسان ارتباط قوی و محکمی با خدا پیدا می‌کند و
خداوند نیز دعای او را مستجاب کرده و گرفتاری او را برطرف می‌کند:
وَ يَكْشِفُ السُّوءَ.

۱. هادیان شیرازی، موعود، شماره چهاردهم.

۲. نمل (۲۷) آیه ۶۲.

مصدق آیه:

وجود مبارک آن حضرت نیز از مصدق مضطربان است که با مشاهده ضعف و خواری مسلمانان و ظلم ستمگران به آنها در مقدس‌ترین مکان روی زمین دست به دعا بر می‌دارد و تقاضای کشف سوء می‌کند. امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید:

نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَا إِلَى اللَّهِ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛^۱

این آیه در مورد قیام‌کننده‌ای از آل محمد علیه السلام است. به خدا سوگند او همان مضطرب است، هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می‌خواند و با دست به سوی خدا دعا می‌کند، پس خداوند به او پاسخ می‌دهد و ناراحتی او را برطرف می‌کند و او را خلیفه در زمین قرار می‌دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علیه السلام و جامعه مطلوب

فواید وجود امام

۱. امام واسطه فیض: خداوند امام زمان (عج) را تعیین کرده است تا در میان مردم باشد و به هدایت آنان بپردازد، ولی این مردم هستند که مانع ظهور آن حضرت می‌شوند؛ و هرگاه مردم برای حکومت واحد جهانی و الهی (که بر پایه عدالت واقعی و رعایت حقوق و حقایق، واقعیات و اجرای تمام احکام اسلامی استوار است) آمادگی کامل پیدا کنند، حضرتش آشکار خواهد شد. پس خدای مهربان، در عنایت و مهربانی کوتاهی نکرده، بلکه تقصیر مردم است که امام زمان (عج) غایب شده و ظهورش به تأخیر افتاده است؛ اما باید دانست که فواید وجود امام منحصر به راهنمایی‌های ظاهری ایشان - اگر در میان مردم می‌بود - نیست، بلکه وجود مقدسش از نظر «تکوین و تشریح» فواید دیگری نیز دارد که مهم‌ترین آن «واسطه فیض» بودن است، چرا که بر اساس دلیل‌هایی که در روایات به آن اشاره شده، اگر امام علیه السلام نباشد، رابطه عالم و آفریدگار جهان منقطع می‌گردد، زیرا تمام فیض‌های الهی به واسطه امام بر سایر مردم نازل می‌شود؛ لَوْ بَقِيَتْ

الأرض بغير إمامٍ لساخَتْ...^۱ اساساً به واسطه وجود مقدس اوست که به عالم هستی فیض داده می‌شود و به واسطه او آسمان و زمین پابرجاست. إِنَّ الأئمة نور الله عزَّوجلَّ؛^۲ ائمه نور خدا هستند.

اگر ائمه نباشند دنیا تاریک است، منتها این را کسی می‌فهمد که ظلمت و نور را می‌شناسد.

إِنَّ الأئمة هم أركان الأرض؛^۳ اگر ائمه نباشند زمین بقا ندارد.

چون در آن صورت، خلقت بی‌هدف مانده و بقا معنایی نخواهد داشت. أَنَّ الأئمة هم الهداة؛^۴ ائمه هادیانند.

أَنَّ الأئمة شهداء الله عزَّوجلَّ على خلقه؛^۵ اینها گواهانند، ناظر بر اعمالند. الآن هم امام زمان (عج) هدایت‌های جانبی برای افراد دارند؛ مثلاً در شرایط حساس که شخص می‌خواهد با تغییر روش زندگی منحرف شود، به‌دانش می‌رسند. روابط حضرت با افراد بر حسب کمالات روحی شان است و هرکس به قدر کمال خود می‌تواند این ارتباط را برقرار کند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

وَبِنَا أُثْمِرَت الأشجار و أُنْعَت الثمار و جرت الأنهار و بنا ينزل الغيث السماء؛

به وسیله ما تمام درختان به ثمر می‌نشینند و میوه‌ها می‌رسند و رودخانه‌ها جاری می‌شوند و به وسیله ما باران از آسمان می‌بارد.

اساساً ائمه واسطه فیض بین خدا و خلق هستند. اگر خورشید عالمتاب می‌تابد و اگر نعمات بی‌شمار خدا بر خلق می‌رسد، همه به دلیل وجود

۱. همان، ص ۱۷۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. همان، ص ۱۹۶.

۴. همان، ص ۱۹۱.

۵. همان، ص ۱۹۰.

مبارک امام علیه السلام است و خداوند به خاطر آنان دیگر موجودات را آفرید. لولاك لما خلقت الافلاك؛ اگر وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه و آله نبود آسمانها و زمین خلق نمی شدند!

انسان می خواهد با جهان بی نهایت در ارتباط باشد، او نیازمند اسبابی است تا بتواند ارتباط نزدیک تری با مبدأ برقرار کند. امامت تجلی عینی این ارتباط است، ارتباط انسان با ماوراء الطبیعه و ابدیت.

۲. امید بخشی: اصولاً وجود فرمانده لشکر در مقرر فرماندهی، خون گرم و پر حرارتی را در عروق سربازان جاری می سازد و آنها را به تلاش بیشتر وامی دارد. حیات فرمانده، منشأ حرکت، تحوّل و نظم و آرامش است. در این میان، شیعه بنا به عقیده ای که به وجود امام زنده و حاضر دارد، هر چند او را در میان خود نمی بیند، اما خود را تنها نمی داند. او همواره انتظار بازگشت آن سفر کرده را دارد، انتظاری سازنده و سرنوشت ساز. این طرز تفکر، در زنده نگهداشتن امید در دلها و وادار ساختن افراد به خودسازی باعث می شود آنها در آمادگی و مراقبت دائمی به سر برند. از آن سو، امام نیز به طور دائم مراقب حال پیروانش است و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنها آگاه می گردد.^۱

۳. پاسداری از آیین خدا: طبق فرموده امام علی علیه السلام، هیچ گاه صفحه زمین، از قیام کننده با حجت و دلیل خالی نمی ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد یا مخفی و پنهان، تا دلایل و اسناد روشن الهی ضایع نگردد و به فراموشی نگراید و مسخ و تحریف نشود.^۲

در طول زمان، با دراز شدن دست مفسده جوینان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره ای از این قوانین از میان می رود و دست خوش تغییرات زیان بخش می شود. این نور پر فروغ با عبور از شیشه های ظلمانی افکار تاریک کم رنگ

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۳۹ و ج ۱۴، ص ۵۶۵.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار.

و کم رنگ تر می‌شود، اما سینه‌امام و روح بلندش صندوق آسیب‌ناپذیر حفظ اسناد و آیین الهی است که همه اصالت‌های نخستین و ویژگی‌های آسمانی این تعلیمات را در خود نگهداری می‌کند تا دلایل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار باطل نشود و به خاموشی نگراید.

۴. نفوذ روحانی و تکوینی: امام علاوه بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار، رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می‌گیرد، یک نوع تربیت روحانی و معنوی در دل‌ها و فکرها دارد که می‌توان آن را «تربیت تکوینی» نامید. در آنجا الفاظ، کلمات، گفتار و کردار کار نمی‌کند، بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کارگر است. در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می‌خوانیم که گاه بعضی از افراد با یک تماس مختصر با آنها به کلی تغییر مسیر داده و سرنوشت شان یکباره دگرگون می‌شد. اینها نتیجه تعلیم و تربیت عادی نیست، بلکه جاذبه‌ای ناخود آگاه است که گاهی از آن به «نفوذ شخصیت» تعبیر می‌کنند.

امام با اشعه نیرومند و پردامنه نفوذ شخصیت خود، دل‌های آماده را در نزدیک و دور تحت تأثیر جاذبه خاص قرار داده و به تربیت و تکامل آنها می‌پردازد و از آنها انسان‌هایی کامل‌تر می‌سازد.^۱

۵. هدایت معنوی امام: آری، امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است، از این جهت، حضور و غیبت او تفاوتی ندارد. امام همواره افراد شایسته را هدایت می‌کند، اگر چه نتوانند امام را ببینند، به ویژه این که در اخبار وارد شده است که آن حضرت در میان مردم و در مجالس مؤمنان رفت و آمد دارد، اگر چه مردم او را نشناسند.^۲ بنابراین، پاسداری امام از دین و دستگیری از مردم شایسته در زمان غیبت به خوبی انجام می‌گیرد. در

۱. مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، با تلخیص بسیار.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۷.

حقیقت، امام همانند خورشید پنهان پشت ابر است که از نور و حرارتش، موجودات، بهره می‌برند؛ گر چه نادانان و کور چشمان، آن را نبینند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که پرسیده بود: «چگونه مردم از امام غایب استغاثه می‌کنند؟» فرمودند: «به همان‌گونه که از خورشید، وقتی که ابر آن را می‌پوشاند».^۱

گفتار یکی از مستشرقان^۲ در این باره شنیدنی است:

به عقیده من مذهب تشیع، تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگهداشته و به‌طور مستمر، پیوستگی ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد. مذهب یهود، نبوت را که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی، در حضرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد صلی الله علیه و آله اذعان نکرده است، در نتیجه، رابطه مزبور را قطع می‌کند. نصاری نیز در حضرت مسیح متوقف شده‌اند و اهل سنت از مسلمین هم در حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایستاده‌اند و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و مخلوق برقرار نمی‌دانند.

تنها مذهب تشیع است که معتقد است نبوت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم می‌شود، ولی ولایت که همان رابطه هدایت تکمیلی است بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌ماند.

آری، تنها در مذهب تشیع است که این حقیقت میان عالم انسانی و الوهی برای همیشه باقی و پابرجاست.^۳

نتیجه این که، عقیده به امام زمان به این معناست که ارتباط مردم با عالم غیبت گسیخته نشده است. و کسانی که این عقیده را دارند باید همیشه به یاد

۱. منتخب الاثر، ۲۷۱.

۲. هانری کربن، استاد فلسفه در دانشگاه سوربن (فرانسه) و رئیس انیسیتو فرانسه و ایران.

۳. سالنامه مکتب تشیع، سال دوم، ص ۲۰-۲۱.

آن حضرت بوده و منتظر ظهور آن مصلح غیبی باشند، همگان وظیفه دارند در هر شرایطی در راه برقراری و توسعه معارف و احکام اسلام بکوشند، در برابر ستم و گناه پایداری کرده و در حدّ توان خود با آن مبارزه کنند و بکوشند تا زمینه حکومت عدل و داد را فراهم ساخته و زندگی خود را طوری تنظیم کنند که با برنامه‌های آن حضرت تناقض نداشته باشد، در صف دوستان ایشان قدم برداشته و با دشمنانش مبارزه کنند.

رفتار و سیرت مهدی (عج)

چون سیرت حضرت مهدی (عج) می‌تواند سرمشق و نمونه خوبی برای ما باشد، درباره هر یک از آنها به اختصار توضیح می‌دهیم:

سیرت دینی

مهدی (عج) در برابر جلال خداوند بسیار فروتن است. هم چون عقاب بال خویش فرو می‌گشاید، سر به زیر می‌اندازد و از اوج آسمان فرو می‌آید. بدینسان، مهدی (عج) در برابر جلال خداوند بدینسان خاشع و فروتن است. خدا و عظمت خدا در وجودش متجلی بوده، و همه هستی او را در خود فرو برده است.^۱

سیرت خلقی

مهدی (عج) صاحب حشمت، سکینه و وقار است، جامه‌هایی درشتناک و خشن می‌پوشد، نان جو می‌خورد و علم و حلم او از همه مردمان بیشتر است، هم نام پیامبر است و خَلق و خُلُق محمدی دارد. در جهان با مشعل فروزان

هدایت سیر کرده و مانند صالحان زیست می‌کند.^۱

سیرت عملی

مهدی (عج) بخشنده است، به گونه‌ای که بی‌دریغ، اموال به این و آن می‌دهد. با عمال و کارگزاران و مأموران دولت خویش بسیار سخت گیر و با ناتوانان و مستمندان، بسیار دل رحم و مهربان است. در رفتار چنان است که گویی با دست خود کره و عسل به دهان مسکینان می‌گذارد.^۲ با آمدنش کینه از دل‌ها می‌رود و همه جا را آسایش و امنیت فرا می‌گیرد. و «می‌نهد میزان عدل را در بین مردم پس احدی به احدی ظلم نکند».^۳

سیرت انقلابی

مهدی (عج) حق هر حقداری را باز پس گرفته و به او می‌دهد، حتی اگر حق زیر دندان انسان متجاوز و غاصب باشد از آن بیرون کشیده و به صاحب حق باز می‌گرداند.^۴ در راه اجرای حکم خدا و استقرار دین خدا، به سخن کسی گوش نداده و نکوهش احدی را نمی‌شنود.^۵

سیرت سیاسی

به هنگام حکومت مهدی (عج)، حکومت جبّاران و مستکبران و نفوذ سیاسی منافقان و خائنان نابود شده، شهر مکه قبله مسلمین و مرکز حرکت

۱. همان، ص ۲۸۱-۲۸۲، ۲۶۶، ۳۰۰.

۲. همان، ص ۲۷۶، ۲۷۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

۴. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۷۹.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲.

انقلابی مهدی (عج) می شود. نخستین افراد با قیام او در مکه گرد هم آمده، به او می پیوندند.^۱

سیرت تربیتی

در آن روزگار، قدرت عقلی توده‌ها تمرکز یافته و مهدی به تأیید الهی، مردمان را به کمال می‌رساند و در همگان فرزاندگی پدید می‌آورد.^۲ چون مهدی قیام کند زمینی نمی‌ماند، مگر این که در آن جا گلبنانگ محمدی: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ**، بلند می‌شود.^۳

سیرت اجتماعی

عدالت مهدی چنان است که در حکومت او بر هیچ کس و هیچ چیز، هیچ‌گونه ستمی روا داشته نمی‌شود. نخستین نشانه عدل او سخنان سخنگویان حکومت اوست که در مکه فریاد می‌زنند: «هر کس نماز فریضة خویش را در کنار حجرالاسود و محل طواف خوانده است و اکنون می‌خواهد نماز نافله بخواند، به کناری رود، تا حق کسی پایمال نگردد و هر کس می‌خواهد نماز فریضة بخواند بیاید و بخواند».^۴ هیچ جای زمین باقی نمی‌ماند، مگر آن که از برکت عدل و احسان او فیض می‌برد و زنده می‌شود، حتی جانوران و گیاهان نیز از این برکت و عدالت بهره‌مند می‌شوند. و «عدالت او درون خانه‌ها خواهد رفت مانند این که سرما و گرما داخل آن می‌شود».^۵

۱. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل، ج ۲۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۴. کافی، ج ۴، ص ۴۲۷.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

سیرت مالی

همهٔ اموال جهان در نزد مهدی (عج) گرد می‌آید، آن چه در دل زمین است و آن چه بر روی زمین است. آن‌گاه مهدی به مردم می‌گوید: «بیایید! و این اموال را بگیرید! اینها همان چیزهایی است که برای به دست آوردن آنها، قطع رَحم کردید و خویشان خود را رنجاندید، خون‌های به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید. بیایید و بگیرید! سپس دست عطا می‌گشاید، چنان‌که تا آن روز کسی آن‌چنان بخششی در اموال نکرده باشد».^۱

سیرت اصلاحی

مهدی (عج) فریادرسی است که از جانب خداوند آمده تا به فریاد مردم برسد. در روزگار او، همگان در رفاه و آسایش به نعمتی بی‌مانند دست می‌یابند، حتی چهارپایان نیز فراوان شده و با دیگر جانوران با خوشی و آسودگی زندگی می‌کنند، گیاهان بسیار می‌رویند و آب نهرها فراوان شده و گنج‌ها، دفینه‌ها و دیگر معادن زمین استخراج می‌شود. آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها خاموش شده و جنگ و شیبخون و غارتگری از میان می‌رود. در جهان ویرانه ای باقی نمی‌ماند، مگر آن که مهدی (عج) آن‌جا را آباد می‌سازد.^۲

سیرت قضایی

در حکومت مهدی (عج) احکام و قضاوت‌ها کاملاً عادلانه بوده و

۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۶۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۱۱ و ج ۲، ص ۱۱.

سر سوزنی ظلم و بیداد به کسی نشده و هیچ رنج و محنتی بر دلی نمی‌نشیند. مهدی (عج) بر طبق احکام خالص دینی (بدون توجه به آرا و افکار دیگران) حکم و حکومت می‌کند، میزان عدل را در میان مردم می‌نهد و بدین‌گونه، هیچ کس نمی‌تواند به دیگری ستم کند.^۱

شیخ مفید می‌گوید: چون قائم آل محمد (عج) قیام کند، مانند حضرت داود علیه السلام، بر حسب باطن، بی‌هیچ نیازی به شاهد حکم و قضاوت می‌کند، خداوند حکم را به او الهام کرده و او بر طبق الهام الهی حکم می‌راند. مهدی علیه السلام نقشه‌های پنهان هر گروه را می‌داند و به آنها می‌گوید: مهدی دوست و دشمن خود را با نگاه می‌شناسد.^۲

خصوصیات یاران قائم (عج)

در روایات ویژگی‌های زیادی برای یاران آن حضرت شمرده شده که برخی مربوط به ویژگی‌ها و صفات ظاهری و جسمانی است و برخی دیگر مربوط به خصایل اخلاقی و روحی.

خصایص روحی

شاید بتوان گفت: که مهم‌ترین ویژگی یاران امام علیه السلام این است که آنها مصداق کامل «اولیاء الله» (دوستان خدا) هستند. در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۳؛

آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی‌شوند.

این که کسی از هیچ چیز ترسی به دل راه ندهد و اندوهگین نشود تنها

۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۴.

۲. الارشاد، ص ۳۶۵، ۳۶۶.

۳. یونس (۱۰) آیه ۶۲.

زمانی امکان پذیر است که جز خدا نبیند و جز به او نیندیشد. این اوج کمال آدمی و بالاترین مرتبه‌ای است که یک انسان می‌تواند بدان دست یابد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبتش منتظر ظهور او و فرمانبرداریش هستند، آنان اولیای خدا هستند، همان‌ها که نه ترس آنها را فرا می‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند.^۱

یاران قائم هم‌چنان که در بالاترین درجه تقوا و پرهیزگاری قرار دارند، از نظر کمال علمی نیز در بالاترین درجه قرار گرفته و از جام حکمت الهی و معرفت دینی، چنان که باید، سیراب شده‌اند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

... پس گروهی در آن فتنه‌ها صیقلی می‌شوند، مانند صیقل دادن آهنگر شمشیر را، دیده‌های آنها به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوشه‌های شان جا گرفته شود. در شب، جام حکمت را به آنها بنوشانند بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند.^۲

خلاصه این که یاران قائم در چنان مرتبه‌ای از زهد و تقوا و علم و معرفت قرار دارند که همه کائنات در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورند و زمین و آسمان به وجود آنها افتخار می‌کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

گویی که یاران قائم را می‌بینم که شرق و غرب [جهان را] در نور دیده‌اند. همه چیز در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورد حتی درندگان زمین و آسمان به دنبال خشنود ساختن آنها هستند. قطعه‌ای از زمین به قطعه دیگر مباحثات کرده و می‌گویند: امروز مردی از یاران قائم از من گذر کرده است.^۳

۱. شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۵۴.

۲. نهج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، خطبة ۱۵۰، ص ۴۵۸-۴۵۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

ویژگی‌های جسمانی

یاران مهدی علیه السلام از نظر صفات جسمی و نیروی بدنی سرآمد روزگار بوده و کسی را یارای مقابله با آنها نیست. امام صادق علیه السلام در وصف توان بدنی یاران قائم (عج) می‌فرماید:

لوط علیه السلام که می‌فرمود: «ای کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم یا می‌توانستم به تکیه گاهی استوار پناه ببرم»^۱ در آرزوی نیرو و توان قائم (عج) و به یاد قدرت و استواری یاران او بود، زیرا به هر کدام از آنها قدرت چهل مرد داده شده و قلب آنها محکم‌تر از پاره‌های آهن است. اگر به کوه‌هایی از آهن برخورد کنند آنها را از جا بر می‌کنند و شمشیرهای آنان از حرکت باز نمی‌ایستد، مگر زمانی که خداوند (عزوجل)، خشنود شود.^۲

تعداد یاران قائم (عج)

قول مشهور این است که تعداد یاران امام عصر (عج) ۳۱۳ نفر هستند که در روایت‌های متعددی به آن اشاره شده است. در روایتی «مفضل بن عمر» از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

مثل این است که قائم علیه السلام را بر منبر [مسجد] کوفه می‌بینیم، در حالی که ۳۱۳ مرد به عدد اهل بدر گرد او را گرفته‌اند. آنها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین او و بر خلق اویند.^۳

با توجه به روایت دیگر به این نتیجه می‌رسیم که یاران آن حضرت منحصر به تعداد یاد شده نبوده و این تعداد کسانی هستند که از آغاز حرکت

۱. هود (۱۱) آیه ۸۰

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۴ به نقل از: موعود، ش ۹، ص ۳۲. خلیل منتظر قائم.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶، ح ۴۲.

حضرت مهدی (عج) ایشان را همراهی می‌کنند، اما به تدریج بر این تعداد افزوده می‌شود. البته ناگفته نماند که این ۳۱۳ نفر به دلیل خصایل برجسته‌ای که دارند نقش فرماندهی و رهبری را در لشکر آن حضرت به عهده دارند.^۱ در روایتی ابوبصیر از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

قائم از مکه خارج نمی‌شود، مگر زمانی که تعداد کسانی که به گرد او جمع آمده‌اند، تکمیل شود. پرسیدم: این تعداد چند نفر است؟ آن حضرت فرمود: دو هزار نفر، جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او حرکت می‌کند و...^۲

خصوصیت جامعه موعود

حکومت جهانی موعود را از دو منظر می‌توان مطالعه کرد:

۱. به عنوان آرمانی دور دست که باید در انتظار تحقق آن باشیم، که در آن صورت، هیچ تأثیری در واقعیت‌های موجود جامعه ندارد.
 ۲. به عنوان الگویی واقعی برای سامان بخشی به وضع موجود و هدف معینی که توان جهت بخشی به حرکت‌های اجتماعی ما را دارد، اگر چه تحقق کامل آن در زمان حضرت بقیة الله صورت می‌گیرد.
- البته ما نباید همه مشخصه‌های بیان شده در مورد حکومت مهدی (عج) را فقط ترسیم کننده وضعیت آینده جهان بدانیم، بلکه باید این فرهنگ را در تمام عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، جامعه خود پیاده کنیم و این نوعی الگو پذیری از قیام عدالت گستر است. برای دست یابی به این مهم به برخی ویژگی‌هایی که در روایات برای حکومت جهانی امام غایب شمرده شده است، اشاره می‌کنیم:

۱. موعود، ش ۹، ص ۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۷-۲۶۸، ح ۱۵۲.

۱. ساده زیستی کارگزاران حکومت

عنایت به بعضی از روایات، تصویر بسیار روشنی از شیوة زندگی حکمران سراسر عالم به ما می‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمود:

به چه ملاک درباره خروج قائم تعجیل می‌طلبید؟ به خدا سوگند، او جامه درشت می‌پوشد و خوراک خشک و ناگوار می‌خورد.^۱

اصولاً پذیرفتن مسئولیت حکومت مردم تعهد مضاعفی را بر عهده پذیرنده این مسئولیت می‌آورد و او را ناچار می‌سازد که زندگانی خویش را باضعیف‌ترین طبقات اجتماع هماهنگ سازد تا درد آنها را با تمام وجود احساس کرده و همت خویش را صرف بهبود آلام آنها کند. روایت زیر، رسالت سنگین پیشوایان و کارگزاران جامعه عدل اسلامی را به خوبی بیان می‌کند:

روزی یکی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: ای امیر مؤمنان! چرا باید تو در این پوشاک زیر تن آزار باشی و بخوراک ساده میل کنی؟ فرمود:

خدا بر پیشوایان دادگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان وا ندارد.^۲

۲. قاطعیت با کارگزاران و ملاطفت با زیردستان

یکی از ویژگی‌های مهم دولت جهانی امام مهدی (عج) سخت‌گیری و قاطعیت درباره کارگزاران، مجریان امور و برخورد شدید با متخلفان است. در روایت زیر درباره قاطعیت و سازش ناپذیری حضرت ولی عصر (عج) در

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، کلام ۲۰۹، ص ۲۴۱-۲۴۲. به نقل از: موعود، شماره ۴، ابراهیم شفیعی سروستانی.

مقابل کارگزاران و ملاطفت و مهربانی آن حضرت با بیچارگان و مستمندان چنین آمده است:

امام علی علیه السلام بخشنده است، او دربارهٔ عمال، کارگزاران و مأموران دولت خویش بسیار سخت گیر است و با ناتوانان و مستمندان بسیار دل رحم و مهربان.

۳. تأمین رفاه اقتصادی مردم

در زمان حکومت امام مهدی (عج)، رفاه اقتصادی و آسایش معیشتی بر تمام بخش‌ها و زوایای زندگی بشر پرتو می‌افکنده و انسان‌ها آسوده خاطر از مشکلات روزمره می‌توانند به سازندگی معنوی خود بپردازند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

بدانید اگر شما از طلوع‌کنندهٔ شرق امام مهدی (عج) پیروی کنید، شما را به آیین پیامبر در آورد ... تا از رنج طلب و ظلم (در راه دست یابی به امور زندگی) آسوده شوید و بار سنگین (زندگی) را از شانه‌هایتان بر زمین نهید.^۱

۴. گسترش عدالت و مساوات

عدالت مهدی آن‌چنان فراگیر و گسترده است که حتی به درون خانه‌ها نیز نفوذ کرده و روابط خصوصی افراد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کاری که از عهدهٔ هیچ نظام حقوقی بر نمی‌آید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

به خدا سوگند مهدی (عج) عدالتش را تا آخرین زوایای خانه‌های مردم وارد می‌کند، هم‌چنان‌که سرما و گرما وارد خانه ما می‌شود.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

در روایت دیگر از امام باقر علیه السلام درباره شمول عدالت صاحب الزمان (عج) آمده است:

امام قائم (عج) (اموال را) برابر تقسیم می‌کند و میان مردم نیکوکار و بدکار به عدالت رفتار می‌نماید.^۱

۱. همان، ج ۱، ص ۲۹. به نقل از: موعود، شماره چهارم، ص ۶-۱۰.

انتظار موعود

انتظار فرج

انتظار فرج آرزو، امید و دل بستن به آینده دو گونه است:

۱. انتظاری که سازنده، نگهدارنده، تعهد آور، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود.
۲. انتظاری که گناه، ویران گر، اسارت بخش و فلج کننده است.

این دو نوع انتظار، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلاب‌های تاریخی ناشی می‌شود. از این رو، لازم است اندکی درباره دگرگونی‌ها و تحولات تاریخی به بحث و بررسی بنشینیم:

انتظار ویران گر

این تلقی، برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد. فقط و فقط از گسترش، اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود. در

حقیقت، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان حالی است. آنگاه که صلاح (خیر و نیکی) به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یگه تاز میدان شود، و جز نیروی باطل حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید.

به این ترتیب، هر اصلاحی محکوم است، چرا که هر اصلاحی یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود. برعکس، هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند، رواست، زیرا الغایات تبرّر المبادی؛ یعنی هدف‌ها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.

این گروه طبعاً به مصلحان، مجاهدان، آمران بالمعروف و نهی‌کنندگان از منکر با بغض و عداوت می‌نگرند، زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود (عج) می‌شمارند. برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند، زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌آورند.

انتظار سازنده

ریشه این اندیشه در آیات قرآنی و روایات اسلامی نهفته شده و در جهت عکس نظریه انتظار مخرب است. از آیات قرآن استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق می‌انجامد. سهم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این

است که آن فرد عملاً اهل حق باشد. مهدی موعود مظهر نویدی است که به اهل «ایمان و عمل صالح» داده شده است، او مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. ظهور مهدی موعود منتهی است بر مستضعفان و خوار شمرده شدگان و وسیله‌ای است برای پیشوایی و مقتدایی آنان، مقدمه‌ای است برای وراثت خلیفه‌اللهی آنها بر روی زمین: ﴿و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾.

ظهور مهدی موعود تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از دیر زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است: ﴿وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.

حدیث معروف: **يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا** نیز شاهد، تقویت کننده و مؤید نظریه انتظار سازنده است نه مؤید نظریه انتظار مخرب، زیرا در این حدیث نیز تکیه بر ظلم و سخن از گروه ظالمی است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می‌رساند که قیام مهدی برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. بدیهی است که اگر گفته می‌شد: **يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ إِيمَانًا وَ تَوْحِيدًا وَ صِلَاحًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ كُفْرًا وَ شِرْكَاً وَ فِسَادًا**، مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحق حمایت وجود داشته باشد، چرا که در آن صورت، استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود برای نجات حق از دست رفته و به صفر رسیده است نه برای گروه اهل حق ولو به صورت یک اقلیت. شیخ صدوق طبق روایتی از امام صادق علیه السلام می‌گوید: «این امر تحقق نمی‌پذیرد، مگر این که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند». پس سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیای به انتها درجه شقاوت برسند.

در روایات سخن از گروه زبده‌ای است که به محض ظهور امام به آن

حضرت ملحق می‌شوند، بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند، (بلکه قبلاً در میان جامعه اسلامی زیست کرده‌اند).^۱

انتظار دعوت به نپذیرفتن باطل است، نپذیرفتن بردگی و ستم، انتظار درفش بنیادگر مقاومت در برابر هر ناحق و هر ستم و ستم‌گری است. مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر شیعه در طول تاریخ گواه بر این است که در این مکتب سازش و سستی راه ندارد. به شیعه منتظر فرمان داده‌اند که سلاح خود را همیشه آماده داشته باشد، باید هم‌چنین باشد، چرا که منتظران برپایی عدالت باید خود به عدالت و داد تعهد داشته باشد. کجا انسان معتقد متعهد، در دوران عمر خویش ساکت می‌نشیند و هر ظلم و ناحق را تحمل می‌کند و آرمان اعتقادی و تعهدی خویش را به کناری می‌نهد تا پس از سال‌ها مصلح موعود بیاید و عقاید و تعهدات او را تحقق بخشد؟ سستی و سکوت پذیرفته نیست؛ چگونه کسانی به خود اجازه می‌دهند که تعالیم والای مکتب تشیع را نامتعهدانه تفسیر کنند. اگر خود اهل اقدام نیستند مردانه و صریح اذعان کنند نه این که با تفسیر غلط بگویند که «اینها تکلیف نیست». آیا تکلیف مسلمانان این است که بنشینند تا همه چیز بر باد رود، حتی دین و ناموسشان؟ آیا تکلیف مسلمانان این است که زیر سلطه کافران از خدای بی‌خبر بروند، در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾^۲؛ خداوند هرگز نخواسته که کافران بر مؤمنان سلطه یابند.

شیعه منتظر، به انتظار قائم است، همو که با شنیدن نامش بر می‌خیزد و آمادگی خویش را اعلام می‌دارد، پس انتظار مخرب هرگز، هر چه برای شیعه رقم خورده، انتظار سازنده و امید ساز است و بس!

۱. استاد مطهری، با تلخیص

۲. نساء (۴) آیه ۱۴۱.

ابعاد عملی انتظار

از آن جا که انتظار، حافظ ابعاد عملی مکتب است، در این جا به چند بُعد از ابعاد عملی آن اشاره می‌کنیم:

۱. بعد دین‌داری: انسان در دوران غیبت باید در امر دین و صحت اعمال خود مواظبت بیشتری داشته باشد و از هرگونه سستی و انحراف دوری گزیند و اگر ابتلائی یافت به سرعت باز گردد و در خط صحیح قرار گیرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

برای صاحب الأمر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه

سازد و چنگ در دین خود زند. ۱

۲. بُعد پارسایی: انسان منتظر، علاوه بر تدین و تقوا، باید پارسا باشد و خود را چنان که موعود دوست دارد بسازد تا به او و یارانش شباهت یابد و به لطف خدا در شمار یارانش در آید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر کس می‌خواهد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و

پارسایی پیش گیرد و اعمال با ورع داشته باشد. ۲

۳. بُعد تقید مکتبی: تقید مکتبی، صلابت اعتقادی، حماسه‌داری دینی و سازش ناشناسی خطی، از جمله ویژگی‌های رهروان راه سرخ تشیع پایدار علوی است.

وَ مَالِي إِلَّا آلَ أَحْمَدَ شَيْعَةً وَ مَالِي إِلَّا مَشْعَبَ الْحَقِّ مَشْعَبٌ ۳

- من پیرو آل محمد صلی الله علیه و آله، نه کس دیگر و راهسپار راه بر حق حقم، نه راهی دیگر.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۳. از ابیات قصیده «بانیه‌ها شمیات» کمیت بن زید اسدی، (م ۱۲۶ هـ. ق).

این است شعار شیعه در طول تاریخ، در آوردگاهها و میدانها، در تبعیدها و زندانها، در خونها و حماسهها، در فریادها و خروشها؛ تا آن هنگام که این فریاد در جام زرین خورشید بریزد و جهانگیر شود. انسان منتظر مهدی، در راه آل محمد علیهم السلام است. به همین دلیل، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

خوشا به حال منتظرانی که به حضور «قائم» برسند، آنان که پیش از قیام او نیز پیرو اویند. با دوست او عاشقانه دوست‌اند و موافق، و با دشمن او خصمانه دشمن‌اند و مخالف.^۱

۴) بُعد امر به معروف و نهی از منکر: با این دو عمل، احکام و واجبات الهی برقرار می‌ماند و جامعه دینی از انحراف می‌رهد. رضا و خشنودی مهدی (عج) در آن است که «معروف» عملی شود و «منکر» ترک گردد. بنابر این، انسان منتظر، نمی‌تواند بی تفاوت باشد. اگر مهدی حضور یابد بزرگ‌ترین امر و ناهی در روزگار ظهور خواهد بود و همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسانی که در غیاب مهدی نیز به او اقتدا کنند: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مَقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ.^۲

۵. بُعد اخلاق اسلامی: بزرگ‌ترین وجه تمایز جامعه اسلامی از دیگر جامعه‌ها، همان اخلاق نورانی اسلام است. جامعه منتظر باید مظهر اخلاق اسلامی باشد. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

هر کس می‌خواهد در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد، چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او مانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند.^۳

۶. بُعد آمادگی نظامی: مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری

۱ و ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۳. همان، ج ۸۲، ص ۱۴۰.

داشته باشد، تا به هنگام طلوع خورشید، به صف پیکارگران رکاب مهدی (عج) بسپیوندد و در نبرد بزرگ حق و باطل حماسه آفریند و حضور فعال داشته باشد.^۱ امام صادق علیه السلام می فرماید:

باید هر یک از شما برای خروج قائم سلاح تهیه کنید، اگر چه یک نیزه،^۲ چون وقتی خدا ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک کند و از یاوران مهدی (عج) باشد.^۳

دیدگاه امام خمینی علیه السلام درباره منتظران

الف) یک دسته می گفتند... که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می کنند.^۴

ب) بعضی ها انتظار فرج را به این می دانند که... بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (عج) را از خداوند بخواهند.^۵

ج) یک دسته ای می گفتند باید عالم پر از معصیت بشود تا آن حضرت بیاید.^۶ یک دسته ای از این بالاتر بودند، می گفتند باید دامن زد به گناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (عج) تشریف بیاورند.^۷

ه) یک دسته دیگری بودند که می گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است... در صورتی که آن روایات که هر کس غلم بلند کند غلم مهدی به عنوان مهدویت بلند کند.^۸

۱. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۵.

۲. الحمدلله که رشحاتی از حکومت جهانی مهدی در ایران اسلامی شکل گرفته، امکان تجهیز توسط حکومت در هر زمانی مهیا نیست، بنابر این، وظیفه اصلی تهیه سلاح بر عهده مسئولان نظام است.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶-۱۹۹.

انتظار از نظر امام خمینی علیه السلام زمانی مفهوم واقعی و اساسی می‌یابد که با امید به قدرت رسیدن اسلام معنا شود. ایشان می‌فرماید:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود.^۱

منتظر از نظر ایشان باید در جهت منویات حضرت ولی عصر (عج) تلاش کند. امام می‌فرمایند:

البته این پر کردن دنیا از عدالت، اگر می‌توانستیم می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند.^۲

بنابر این، از نظر امام علیه السلام وظیفه منتظران واقعی تلاش برای تحقق اهدافی است که با ظهور آن امام معصوم به‌طور کامل، محقق می‌شود.

حضرت امام علیه السلام در سراسر دوران مبارزه هرگز هدف خود را محدود به از بین بردن استبداد داخلی و مبارزه با استعمار خارجی در کشور نکرده بودند، بلکه به دنبال حاکمیت اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست ابرقدرت‌ها از همه کشورهای اسلامی بودند. ایشان حرکت خود را در راستای قیام جهانی موعود علیه السلام می‌دیدند و انقلاب اسلامی ایران را مقدمه‌ای برای انقلاب عظیم مهدوی ارزیابی می‌کردند.

حضرت امام خمینی می‌فرمودند:

مسئولان باید بدانند که انقلاب محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان به پرچم داری حضرت حجت (ارواحنافداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد، مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و

خیانتی سهمگین را به دنبال دارد، باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.^۱

بنابراین، انتظار در قاموس امام خمینی مفهومی جز آمادگی فردی و اجتماعی برای برپایی دولت کریمه حضرت ولی عصر (ارواحنا فدا) ندارد. حضرت امام واژه انتظار را که سالها با سکون و سکوت، تحمل ظلم، دم فرو بستن و در یک کلمه ماندن و درجا زدن به امید بر آمدن دستی از غیب، مرادف شده بود، از این معنا خارج کرد و این بار «انتظار» نه به عنوان عاملی برای خاموش ساختن روح سرکش اجتماع، بلکه به عنوان ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد.

احیای هویت اسلامی

حضرت امام با توجه به شناخت عمیقی که از وضعیت اجتماعی - سیاسی مسلمانان در عصر حاضر داشتند، احیای هویت اسلامی و بازگشت به خویشتن را تنها راه تجدید عظمت و قدرت اسلام و مسلمانان در جهان دانسته و این موضوع را سر لوحه دعوت خویش قرار دادند.

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود، برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلو جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت، پول و فریب را نگیرد.^۲

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۷۴.

از آن جا که انتظار موعود و تحقق وعده الهی در حاکمیت جهانی دین اسلام می تواند در احیای هویت اسلامی مسلمانان و مقابله با روحیه خودباختگی و احساس حقارت در مقابل فرهنگ و تمدن مغرب بسیار مؤثر باشد، ایشان با ژرف اندیشی تمام، احیای فرهنگ انتظار را به عنوان یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت مسلمانان در جهان مد نظر قرار داده می فرمودند:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.^۱

به امید روزی که فجر انقلاب اسلامی به صبح روشن انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) متصل شود و چشمان ناقابل ما به جمال نورانی او منور گردد.

انتظار از دیدگاه حضرت آیه الله خامنه ای

حضرت آیه الله خامنه ای (مد ظله) در سالروز ولادت با سعادت مهدی موعود (عج) فرمودند:

انتظار ظهور امام زمان (عج) به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه انسانها، انتظار رفع ظلم از صحنه زندگی بشر و انتظار فرا رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است و بر همین اساس، نیمه شعبان عید بسیار بزرگی است که جهان چشم انتظار مولود مبارک و معظم آن، و بشریت تشنه رهبری و هدایت اوست.

رهبر معظم انقلاب وجود حالت انتظار را در دل آحاد مردم یکی از

۱. همان، ج ۷، ص ۲۵۵. به نقل از: موعود، شماره دوم، ابراهیم، شفیعی سروستانی.

الطاف خداوند بر مردم ایران در دوران انقلاب می‌دانند و می‌فرمایند:
این بزرگوار در فضای ذهنی و معنوی جامعه ما حضور دارد و جوانان مؤمن و
با اخلاص نیز با آن حضرت قلباً در ارتباط هستند. این ارتباط به معنای
حقیقی کلمه دو جانبه است و در حالات برجسته شور و محبت و احساس و
عواطفی که ملت ایران نسبت به این بزرگوار دارند، این ارتباط طرفینی است.
ایشان انتظار ظهور امام زمان (عج) را موجب زنده شدن روح انتظار فرج
در جوامع بشری دانسته و می‌فرمایند:

انتظار به معنای اشتیاق انسان برای دست رسی به وضعی برتر و بالاتر است و
این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال
انتظار فرج الهی باشد.

مقام معظم رهبری به تلاش مستمر قدرت‌های شیطانی برای از بین بردن
فروغ امید در دل انسان‌ها اشاره کرده و می‌فرمایند:

مبنای کار قدرت‌های طاغوتی بر این است که فروغ امید را در دل‌ها بمیرانند
و همه امیدها را به یک نقطه مادی، یعنی پول و زخارف کم ارزش دنیا
متمرکز کنند که سر رشته آن نیز در دست خود آن‌هاست. همه چیز را
با حساب‌های کمی و پولی محاسبه می‌کنند و معنویات را از حساب
خارج می‌کنند و به ویژه می‌کوشند که آن آینده موعود را از چشم ملت‌ها
دور نگه دارند، اما ملت‌ها باید امیدوار باشند تا این اراده تکوینی الهی تحقق
پیدا کند.^۱

انقلاب اسلامی بذر امید را در دل همه مستضعفان نشانده. انقلاب اسلامی
ایران، ظهور سراسر نور مولا (علیه السلام) را نزدیک ساخته است. اینک بر همگان
است که این تلاش خدایی را با همه شداید و سختی‌ها تا آخرین سر منزل

۱. خلاصه سخنرانی رهبر انقلاب آیه الله خامنه‌ای، نیمه شعبان سال ۱۳۷۵.

مقصود - که آماده کردن همهٔ زمینه‌ها برای فرجش می‌باشد - ادامه دهند. در این رهگذر، از توطئه‌های مودیانهٔ دشمن نباید غافل بود. رهبر معظم انقلاب در رابطه با هوشیاری امت مسلمان می‌فرماید:

دشمنان سراغ مجموعهٔ احکام و مقررات اسلام رفتند. هر عقیده و هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آیندهٔ فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت و بارزی داشته است، به نحوی با آن کلنجار رفتند تا اگر بتوانند آن را از بین ببرند، اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند! ... گاهی ده‌ها سال زحمت می‌کشند، برای این که بتوانند نقطهٔ درخشانی را کور یا کم‌رنگ کنند یا نقطهٔ تاریکی را به وجود بیاورند! سال‌های متمادی می‌نشینند و پول خرج می‌کنند! یکی زحمت می‌کشد و تلاش می‌کنند، ولی توفیق پیدا نمی‌کند، بعد از او کسان دیگری می‌آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از این‌گونه کارها خیلی شده است. روی عقیده توحید، عقیدهٔ امامت، روی اخلاقیات اسلامی، معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت، کار کرده‌اند! همهٔ اینها نقاط برجسته‌ای هستند که اگر ما مسلمان‌ها درست به حقیقت آنها توجه بکنیم تبدیل به موتور حرکت دهندهٔ جامعهٔ اسلامی می‌شود.

... بنده سندی را دیدم که بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می‌کنند که ما باید کاری بکنیم که این عقیدهٔ به مهدویت به تدریج از بین مردم زایل بشود! ببینید عقیدهٔ به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطا می‌کنند کسانی که به اسم روشن فکری و به اسم تجدّدطلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع، بدون این که بدانند دارند چکار می‌کنند، مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهند! اینها همان کاری را که دشمن می‌خواهد انجام می‌دهند.^۱

رهبر معظم انقلاب در بخشی دیگر از سخنانشان از توطئهٔ دشمنان برای

۱. سخنرانی رهبر انقلاب، نیمهٔ شعبان ۱۴۱۸ ق. (۱۳۷۶ ش).

از بین بردن امید و نشاط در جامعه اسلامی پرده برداشته و می‌فرماید:
استعمار روح ناامیدی را می‌خواهد امروز استکبار جهانی مایل است که
ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار این حالت بشوند
- روح ناامیدی - ای آقا! دیگر نمی‌شود کاری کرد، دیگر فایده‌ای ندارد!
می‌خواهند این را به زور به مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای
تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می‌بینیم که اغلب این
خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مایوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد
و از فرهنگ مایوس می‌کنند، متدینین را از گسترش دین مایوس می‌کنند.^۱
رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنانشان کسانی را که آب به آسیاب دشمن
ریخته و در مسیر آنها گام بر می‌دارند، از این عمل برحذر داشته، می‌فرمایند:
... امروز هر نفسی، هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد، بدانید که
این حنجره در اختیار دشمن است. چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر
قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مایوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد،
این قلم متعلق به دشمن است، چه صاحب این قلم بداند، چه نداند! دشمن از او
استفاده می‌کند.^۲

با این حال، رهبر انقلاب ملت مسلمان و انقلابی ایران را ملتی بیدار، زنده
و متوجه می‌داند که قدر عزت و قدرتش را می‌داند و در برابر توطئه‌های
دشمنان و مزدورانشان ارزش و اصالت خود را از دست نمی‌دهد.

تکلیف شیعیان منتظر از نگاه حضرت آیه‌الله خامنه‌ای

رهبر انقلاب، اعتقاد به مهدویت را منشأ تحوّل و زنده شدن امید در دل‌ها
می‌داند و هشدار می‌دهند که دشمن در تلاش است تا این موتور حرکت را به

داروی مخدر و خواب آوری تبدیل کند. می‌گویند: خُب آقا می‌آید همه کارها را درست می‌کند! این خراب کردن عقیده است، پس امروز تکلیف ما چیست؟ باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده اقدام بکند، از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنا فداه) باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک و پیراسته کنند؟ چون زمینه‌ها آماده نبود... اگر امام زمان (عج) در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد، این آمادگی چگونه است؟ این همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه خودتان مشاهده می‌کنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. امروز در کجای دنیا جوان‌هایی پیدا می‌شوند که روی شهوات نفس و روی مادی‌گری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند. شاید بشود گفت که مجموعه زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که می‌رسد، کار سیاسی، کار فرهنگی و کار تشکیلاتی جلو هستند، وقت جهاد که می‌رسد فرزندان‌شان را با دست خودشان به جبهه می‌فرستند. وقت خانه‌داری و تربیت اولاد که می‌رسد که بانوهای خانه دارند، همه اینها در دنیا کم یاب است. اینها خیلی ارزش است. اینها تربیت اسلام است. اینها همه امید بخش است. پس می‌شود زمینه‌ها را فراهم آورد.^۱

وظایف منتظران در عصر غیبت

در یک جمع بندی کلی این وظایف را می‌توان، به چهار دسته تقسیم کرد:
 ۱. وظایفی که در چهارچوب خواندن صلوات و دعا برای ظهور آن

حضرت، دعا برای سلامتی آن امام عزیز و توسل به آن جناب ترسیم می‌شوند. ۲. وظایفی که بار عملی بیشتری دارند، مانند دادن صدقه برای سلامتی آن امام، رفتن به حج و دادن صله و هدیه برای آن حضرت و پرداختن حقوق مالی، از جمله سهم امام علیه السلام.

۳. تکالیفی که بار اعتقادی دارند، مانند معرفت به امام زمان (عج) و استوار کردن اعتقادات بر معیاری صحیح.

۴. وظایفی که علاوه بر استفاده از موارد بالا، بار عملی مهم و اساسی پیدا می‌کنند، مانند مبارزه با مدعیان دروغین مهدویت، پیروی از آن بزرگوار، دفاع در برابر مهاجمان به جامعه اسلامی، تلاش برای آماده کردن زمینه ظهور از طریق اصلاح امور اجتماع، مانند امر به معروف و نهی از منکر.

وظیفه‌ی علما در زمان غیبت

از میان موضوعات مختلفی که علمای پیشین بدان‌ها پرداخته‌اند، موضوع غیبت امام عصر (عج) از جایگاه خاصی برخوردار است. از جمله بزرگان که در این زمینه دست به تألیفات فراوانی زده‌اند، می‌توان به ابو محمد فضل بن شاذان (م ۲۶۰ ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) اشاره کرد.

امروز باید دید که آیا ضرورت‌هایی که استوانه‌های فقاہت شیعه را به تدوین کتاب و نگارش رساله در زمینه شناخت آخرین حجت حق واداشته، از بین رفته است یا خیر؟

آیا احساس ضرورتی که شیخ طوسی را وا می‌داشت که با همه اشتغالات علمی در عرصه‌هایی هم چون فقه، تفسیر و رجال دست به تألیف کتاب «الغیبه» بزند، دیگر زمینه‌ای ندارد؟ آیا هیچ خطری سرمایه اعتقادی شیعیان آل محمد علیهم السلام را تهدید نمی‌کند.

آیا جوانان و نوجوانان کشور - که به تعبیر امام راحل علیه السلام کشور ائمه هدی علیهم السلام و کشور صاحب الزمان (عج) است - به حدی از شناخت درباره حضرت حجت رسیده‌اند که علمای شیعه، دعوت کنندگان و مرزداران حریم تفکر شیعی بتوانند با خاطری آسوده سر به بالین بگذارند؟

به راستی آیا حوزه‌های علمیه شیعه، علمای گرانقدر تشیع، نهادها و مراکز فرهنگی - تحقیقاتی و تبلیغاتی کشور، دین خود را نسبت به صاحب اصلی شان ادا کرده‌اند، همان صاحبی که حضرت امام علیه السلام در شأنش فرمود:

رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیه الله است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم.^۱

امروز وظیفه علمای اعلام در دفاع و مرزبانی از تفکر شیعی و پاسخ به شبهات، در ضمن چند سخنرانی در ایام نیمه شعبان خلاصه نمی‌شود. همتی و الامی طلبد تا وظیفه خویش را - چنان‌که در روایتی از امام هادی علیه السلام نقل شده - به انجام برسانند. امام هادی علیه السلام وظایف علما را در زمان غیبت چنین ترسیم می‌کنند:

اگر بعد از غیبت قائم شما نبودند علمایی که مردم را به سوی او می‌خوانند و به سوی او راهنمایی می‌کنند و با برهان‌های الهی از دین او پاسداری می‌کنند و بندگان خدا را از دام‌های شیطان و پیروان او و هم‌چنین از دام‌های دشمنان اهل بیت رهایی می‌بخشند، هیچ کس بر دین خدا باقی نمی‌ماند، اما علمای دین دل‌های متزلزل شیعیان ناتوان را حفظ می‌کنند، هم‌چنان‌که کشتی‌بان سکان کشتی را حفظ می‌کند. این دسته از علما در نزد خداوند دارای مقام و فضیلت بالایی هستند.^۲

۱. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۹۴.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹.

وظایف منتظران جوان

تلاش دشمن این است که تعهد ما را به احکام دین کم رنگ و ضعیف سازد. آنها زن و مرد و جوان و پیر را هدف قرار داده و می‌خواهند سنگرهای فرهنگی و علمی ما را تصرف کنند و آن را از اسلام و از افتخار مسلمین به گذشته‌های خود تهی کنند. اینان به اسم ملیت، تمدن، وطن و حمایت از آزادی، تجدد، دفاع از حقوق بانوان، روشن فکری و طرح عناوین فریبنده به معنویت، اسلامیت و ولایت، حمله می‌کنند. هم‌چنین از موج اسلام‌گرایی در دریای متلاطم جامعه میلیاردي و شور و شوق مسلمانان برای بازگشت به مبانی اصیل اسلامی به وحشت افتاده و در برابر انقلاب عظیم اسلامی از هیچ‌گونه توطئه‌ای فروگذار نیستند.

جوانان ما باید در راه عقیده و روش خود ثابت قدم و استوار بوده و دین خدا را یاری کنند تا آقا و مولای خود را شاد و مسرور سازند. در برابر این همه کینه، مکر، سیاست‌های مکارانه، هجوم فرهنگی، افکار الحادی و اسلام‌زدا، تبلیغات شوم و قلم به دست‌های مزدور، این جوانان غیرتمند مسلمان هستند که باید از اسلام، آرمان‌ها و اهداف آن دفاع کنند و توطئه‌ها را بی‌اثر سازند. همه منتظران باید از سنگرهای اسلام و مرزهای فکری و عقیدتی اسلام حفاظت کنند.

اگر جهاد اکبر و جهاد کبیر جزء وظایف منتظران عصر غیبت است، مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. هم جهاد اکبر این مشکلات را دارد و هم جهاد کبیر. کسی که می‌خواهد خود را بسازد با این مشکلات روبه‌رو می‌شود و کسی که در صدد ساختن دیگران است، باز با این مشکلات درگیر است، البته منتظران حقیقی در مسیر ایفای مسئولیت خویش پایداری و مقاومت می‌کنند. توجه به بعضی از وظایفی که می‌تواند در رشد، بالندگی و

پویایی جامعه اسلامی مؤثر باشد عبارتند از:

۱. شناخت حجت خدا و امام عصر (عج)

اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر شیعه منتظر بر عهده دارد کسب معرفت از وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع بدان درجه اهمیت دارد که در روایت آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً^۱

هر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.

البته مقصود از «معرفت امام» را که در روایت‌های متعدد به آن اشاره شده می‌توان چنین تبیین کرد:

بدون تردید، مقصود از شناختی که امامان ما، که درودها و سلام‌های خداوند برایشان باد، تحصیل آن را نسبت به امام زمان مان امر فرموده‌اند، این است که ما آن حضرت را آن‌چنان که هست بشناسیم، به گونه‌ای که این شناخت سبب در امان ماندن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه نجات مان از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین باشد و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی‌گردد: اول شناختن مشخص امام (عج) به نام و نسب و دوم، شناخت صفات و ویژگی‌های او و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است.^۲

البته شناخت دوم می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران، منشأ اثر و تحوّل باشد، زیرا اگر کسی به حقیقت به صفات و ویژگی‌های امام عصر (عج) و نقش و جایگاه آن حضرت در عالم هستی و فقر و نیاز خود نسبت به او واقف شود، هرگز از یاد و نام آن حضرت غافل نمی‌شود. البته شناخت و معرفت حقیقی به آن حضرت جز با عنایت خداوندی میسر نیست. بنابراین،

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۹۴، ح ۱.

باید از درگاه الهی توفیق شناخت حجتش را درخواست کرد.

۲. تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی

وظیفه مهم شیعه منتظر، تهذیب نفس و آراستگی به اخلاق نیکوست. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم (عج) باشد باید منتظر باشد و در این حال، به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، پس چنانچه در این حال بمیرد و پس از مردنش قائم (عج) به پا خیزد، پاداش او هم چون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند.^۱

در توقیع شریفی که از سوی حضرت برای شیخ مفید صادر شد، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند یکی از اسباب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای ایشان شمرده شده است.

۳. پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر (عج) و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت از وظایف مهمی است که شیعیان منتظر به عهده دارند. یک شیعه و منتظر واقعی علی‌رغم غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی‌مسئولیت بوده و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود ندارد. از شیعیان خواسته شده که در آغاز هر روز و حتی بعد از نماز واجب دعای عهد بخوانند که نشان از اهمیت پیوند دایمی شیعیان با مقام عظمای ولایت دارد.

اگر شیعه، در آغاز روز با حضور قلب و توجه، چنین عهد و پیمانی را با امام علیه السلام تجدید کند، هرگز تن به رکود، ذلت، خواری، ظلم و بی‌عدالتی نمی‌دهد، هرگز دچار بحران فرهنگی و از خود بیگانگی، یأس و نومیدی و انحطاط نخواهد شد. به دلیل اهمیت و اعتبار دعای عهد بخشی از آن را نقل می‌کنیم:

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی‌ام، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت برگردن دارم با او تجدید می‌کنم که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از انصار و یاران آن حضرت و مدافعان از حریم مقدس او و شتابندگان در پی انجام مقاصدش و امثال کنندگان اوامر و نواهی‌اش و حمایت کنندگان از وجود شریفش و سبقت جوینان به سوی خواسته‌اش و شهید شدگان در رکاب و در حضور حضرتش قرار ده.^۱

۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

در این عصر بر شیعیان لازم است که با مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز خود را برای مقابله با دشمنان قائم (عج) آماده سازند. البته در حال حاضر، به دلیل وجود حکومتی شیعی و حاکمیت فقیه جامع‌الشرایط بر سرزمین اسلامی این وظیفه در درجهٔ اول بر عهدهٔ حکومت اسلامی است که قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که ارادهٔ الهی بر ظهور منجی عالم بشریت قرار گرفت بتوانند به بهترین نحو در خدمت آن حضرت باشند.^۲

در خصوص این وظیفه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

۱. ر. ک: مفاتیح الجنان، اللهم إني أجدد له في صبيحة يومي هذا و ...

۲. موعود، ابراهیم شفیعی سروسنایی، پیش شمارهٔ دوم.

هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم (عج) سلاحی مهیا کند، هر چند یک تیر شد که خدای تعالی هرگاه بداند که کسی چنین نیتی دارد امیدوارم عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند. [و از یاران و همراهانش قرار گیرد.]^۱

سخنی دوستانه با منتظران جوان

انقلاب اسلامی آن‌گاه ارزش خود را نشان داد که در برابر بزرگ‌ترین قدرت‌های شیطانی ایستاد، با آنها مبارزه کرد و رسالت جهانی خود را به جهانیان ارائه نمود. با این وصف، کسانی که فکر می‌کنند باید گوشه‌ای استراحت کنند تا امام زمان (عج) ظهور کند و جهان را پر از عدل و قسط نماید، سخت در اشتباهند. جوانان ما باید بیشتر بکوشند و مبارزه کنند و این تحوّل و تکامل نفسی را هرچه سریع‌تر در روح و قلب خود ایجاد نمایند تا باعث تسریع در ظهور حضرت شوند. اما در عین حال، باید دانست که امام حاضر است و بر اعمالمان نظارت دارد. امام پیروان خود را رها نکرده و به دست هواها نسپرده، مراقب آنهاست، اگر به آنها ناراحتی برسد قلب مبارکش به درد می‌آید، اگر خونریزی ناحقی در جایی صورت بگیرد، حضرت ناراحت می‌شود. آن بزرگوار مراقب است و با تمام وجود می‌کوشد تا این تحوّل نفسی را در این امت به وجود بیاورد. به راستی آیا آن‌گونه که حضرت در مقابل مشکلات و گرفتاری‌های ما دردمند می‌شود. ما هم در برابر کینه‌توزی‌ها و کم‌لطفی‌هایی که در حق آن حضرت می‌شود عکس‌العمل نشان می‌دهیم؟! اگر مؤمنین حمیت در دین نداشته باشند و نسبت به مقدساتشان حساسیت نشان ندهند، رفته رفته دین از میان می‌رود. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر بر همه کس

واجب و لازم است و با کوتاهی در آن انواع فسق و فجور ظاهر می‌شود. اگر جوانان ما در اعتقادشان به خود بقبولانند که امام زمان (عج) در میان آنها زندگی می‌کند و شاهد اعمالشان است، رفتار و زندگی و مرگ و حیات آنها تغییر کیفی می‌یابد. متأسفانه این ویژگی در بین جوانان ما کم رنگ شده است. شاید برای لحظاتی یا روزهایی درباره وجود مبارکش فکر کنند، اما بعد او را به فراموشی می‌سپارند. اگر آنها امام زمان (عج) را اسطوره‌ای در تاریخ به حساب آورند، اشتباه بزرگی کرده‌اند. امام زمان حضور دارد و هر عملی را که ما انجام می‌دهیم می‌بیند و می‌شنود. روزی که ما به این اعتقاد برسیم و آن را لمس کنیم، بزرگ‌ترین جهش‌ها را در راه تکامل زندگی مان برداشته‌ایم و این قدم اصلی برای تسریع در ظهور حضرت است. بنابر این، باید هر چه سریع‌تر در خود تحوّل ایجاد کنیم و خود را آماده سازیم و به آن درجه از رشد عقلی، ایمانی و اخلاقی برسیم که توان تحمل آن وجود مبارک را داشته باشیم. مطمئناً اگر به آن درجه از آگاهی برسیم، به‌طور قطع، حضرت ظهور خواهند فرمود. امام زمان (عج) در انتظار لحظه‌ای است که این تحولات درونی که باید در قلب و روح انسان‌ها به وجود آید، به حدّ کمال خود برسد تا حضرت بتواند ظهور کند. امام زمان (عج) در میان ما حاضر است و زندگی می‌کند، او ما را می‌بیند، ولی ما از دیدنش محروم هستیم، این ماییم که قلب و روحمان از بار گناهان پوشیده شده و قادر نیستیم وجود مبارکش را درک کنیم. او از ما غیبت نکرده، ماییم که از او غیبت کرده‌ایم.^۱

هشدار به مدعیان انتظار

اگر کسی بر خلاف ادعای دوستی، صفاتی ضد صفات اهل بیت دارد؛

۱. تلخیص نوار سخنرانی شهید چمران، ۵۹/۴/۱۳، مسجد الهادی تهران.

طبیعی است که در صدق ادعای او دچار تردید شویم و احیاناً تکذیبش کنیم. امام صادق علیه السلام در این باره معیار خوبی را ارائه کرده‌اند:

ما اساس هر خوبی و خیری هستیم و هر چه نیکی است از فروع ماست، یعنی ما درخت مبارک و شجره طیبه‌ای هستیم که شاخه‌های آن جز فضیلت و تقوا و خوبی میوه‌ای ندارد.

و در شمار نیکی هاست، توحید و نماز و روزه و فرو بردن خشم و بخشیدن خطا کار و دلجویی از فقیران و رعایت حال همسایگان و اعتراف به فضل صاحبان فضل.

و دشمنان ما ریشه و اصل هر شر و بدی هستند. و هر چه پلیدی و زشتی است از شاخه‌های «شجره خبیثه» آنهاست و دروغ، بخل، سخن چینی، قطع رحم، رباخواری، تجاوز به مال یتیمان، سرقت، زنا و ارتکاب هرگونه خطا و تبهکاری از آنها ناشی می‌گردد.

بنابر این، دروغ گفته است کسی که پنداشته است که با ماست، در حالی که او به گواهی اعمال زشتش وابسته به غیر ماست و از پیوند خوردگان به درخت ناپاک دشمنان ماست.^۱

این حدیث در حقیقت، هشدار می‌دهد به دوستان و منتظران حضرت است تا به خود آیند و در اعمال و رفتار خود بیندیشند و با تأمل در اعمال دریابند که خلق و خو و رفتار و گفتارشان با کدام گروه مشابهت دارد و میوه کدام یک از آن دو درخت «خبیث» و «طیب» است.

اگر دیدند آن چه از دل و مغز و اعضایشان تراوش می‌کند توحید، تقوا و طهارت است، دل خوش دارند که شاخه وجودشان با شجره طیبه اهل بیت و ذخیره آنان، یعنی امام زمان (عج) پیوند خورده است و اگر دیدند خدای

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۴۳. «نحن أصل کل خیر و من فروعنا کل بر...».

ناکرده آن چه از درون و برو نشان بر می خیزد نقطهٔ مقابل اعمال و رفتار آن حضرت است، نه کسب و تجارتي منزه دارند، نه خانواده‌ای مزگی، نه از فضایل اخلاقی برخوردارند و نه از قبایح عملی دورند، چشمانشان ناپاک و زبانشان نامهذب است، نگران باشند که مبادا شاخهٔ وجودشان با شجرهٔ خبیثهٔ دشمنان امام زمان (عج) پیوند خورده است، چرا که پیام امام زمان (عج) همان پیام اجداد طاهرين شان است. که در زیارت جامعه فرموده‌اند:

وَوَصِيكُمُ التَّقْوَى.

با کلام نورانی حضرت صاحب الزمان (عج) که خواهان عهد و پیمان قلبی شیعیان است، این مقال را به پایان می‌بریم:

وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبِطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي
الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا؛^۱

اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را موفق به اطاعتش بدارد - دل‌هایشان در
وفا به عهد و پیمانی که با ما دارند گرد هم می‌آمد، از فیض دیدار ما
محروم نمی‌شدند.

پرسش و پاسخ هایی درباره امام زمان (عج)

چرا به هنگام شنیدن نام قائم (عج) لازم است برخیزیم؟

هنگامی که «دعبل خزاعی» اشعار خود را در محضر امام هشتم علیه السلام خواند، چون از بقیة الله و قیام شکوه مند آن حضرت یاد کرد، امام رضا علیه السلام از جای برخاست و دست مبارکش را بر سر نهاد و در برابر نام حضرت ولی عصر (عج) تواضع نمود و برای فرجش دعا کرد.^۱ از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» لازم است برخیزیم؟ فرمود:

برای آن حضرت غیبت طولانی است و این لقب یاد آور دولت حقه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. و لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کسی که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیز می کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب (عصر) خود، هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از

خداوند منان مسئلت بنماید.^۱

مردن با عشق ولی عصر (عج)

شهید محراب آیه الله دستغیب نقل می‌کند:

یکی از رفقا نقل می‌کرد برادرش پنجاه سال قبل جوان هیجده ساله‌ای بود که زیارت جامعه و دوازده امام خواجه نصیرالدین را از حفظ بود. بالأخره مریض می‌شود، در حال احتضار زیارت جامعه و خواجه نصیرالدین را می‌خواند، عجیب این است که می‌گفت او دو ماه در بستر بود، به واسطه بیماری مانند اسکلتی شده بود، نمی‌توانست حرکت کند، همین‌طور افتاده بود، در نهایت ضعف ساعت آخر عمرش وقتی دوازده امام خواجه نصیر را خواند تا به اسم حضرت مهدی رسید از بستر تمام قامت بلند شد، بدنی که باید این دست و آن دستش کنند نمی‌دانم که این چه عشقی است که مرده را زنده می‌کند، تا اسم آقا را می‌برد بلند می‌شود تمام قامت، بعد هم یک دفعه برای ادب خودش را می‌اندازد در آستانه در اتاق و می‌گوید: آقا خوش آمدید و بعد از دنیا می‌رود، آیا عاشق امام زمان (عج) خود هستیم؟!^۲

آیا در زمان غیبت ذکر نام امام زمان (عج) به‌طور صریح جایز است؟

در بعضی از روایت وارد شده که نباید صریحاً اسم امام زمان (عج) برده شود، بلکه باید بگوییم (م ح م د). در روایتی آمده است: «لَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ».^۳ بنابراین، ذکر نام حضرت مباح نیست. بعضی از اعظام و علمای دین مستقلاً در این موضوع کتاب نوشته‌اند.^۴ شیخ حر عاملی در این مسأله کتاب

۱. منتخب الاثر، ص ۵۰۶.

۲. به نقل از: رضا عبداللهی، در انتظار خورشید، ص ۱۲۲.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۲۲، روایت از امام حسن عسکری علیه السلام.

۴. شیخ آقا بزرگ نهرانی (۱۳۸۹ - ۱۳۹۳)، الذریعه الی تصانیف الشیعه.

مستقلی تألیف کرده است.^۱

شیخ صدوق که متخصص و استاد جمع روایات درباره امام زمان (عج) است، در کمال الدین می‌فرماید:

وَالَّذِي أَذْهَبُ إِلَيْهِ مَا رُوِيَ فِي النَّهْيِ مِنَ التَّسْمِيَةِ؛ آن چه من بدان مایل شده‌ام روایاتی است که در آنها از تسمیه نهی شده است.

معتقدان به این رأی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طبرسی، سید اسماعیل عقیلی مؤلف کتاب کفایة الموحدين، میرداماد، علامه مجلسی و محدث نوری، هر کدام به گونه‌ای حکم به حرمت داده و آن را به زمان یا شرایط خاصی مقید کرده‌اند.^۲

اما قول دیگری نیز حاکم است و آن این است که هیچ یک از مراجع عظام تقلید، ذکر نام امام زمان (عج) را حرام نمی‌دانند، زیرا روایاتی را که در این خصوص صادر شده، ناظر به زمان تقیه می‌دانند و استدلال می‌کنند که در روایات مربوط به امام زمان (عج) بیان شده که نام آن حضرت، نام پیامبر ﷺ و کنیه‌اش، کنیه پیامبر ﷺ است. وقتی کنیه پیامبر ﷺ درباره ایشان صراحتاً و علناً مطرح بود نام پیامبر نیز علناً در مورد ایشان به کار گرفته می‌شد و این زمینه‌ای می‌شد تا دشمنان حضرت مهدی (عج) را شناسایی کرده و جان ایشان در خطر جدی قرار گیرد. البته این مربوط به زمان تقیه و خطر بوده است.

استنباط فقهای ما این است که این روایات ناظر به زمان تقیه است؛ یعنی زمانی که خلفای عباسی با شدت هر چه تمام‌تر از همه احتمالات و اخبار برای ردیابی امام زمان (عج) استفاده می‌کردند تا آن حضرت را به شهادت برسانند. اما الآن که آن تقیه وجود ندارد، آن حرکت هم منتفی است.

۱. محمد بن الحسن الحر العاملي (متوفای ۱۱۰۴ ق) کتابی به نام کشف التعمية فی حکم التسمیه نوشته که در واقع، جواب رساله میرداماد است و در آن جواز تسمیه را اثبات کرده است.

۲. ر.ک: محدث نوری مکيال المکارم و نجم الثاقب.

بنابراین، ذکر نام امام زمان (عج): «حرمت مادامی» دارد، یعنی مادامی که تقیه حاکم بوده ذکر نام صریح امام علیه السلام حرام بوده، اما وقتی تقیه مرتفع شد، حرمت هم مرتفع می‌شود.

در این میان، بعضی از بزرگان بین دو قول مطرح در این مسئله جمع کرده و گفته‌اند: به استناد بعضی از روایات ذکر نام صریح حضرت در ملاء عام و محافل و مجالس جایز نیست، اما در غیر این موارد، بیان نام امام زمان (عج) اشکال ندارد.^۱

آیا مهدویت شخصیه است یا نوعیه؟

بر اساس عقیده مبرهن شیعه، مهدویت شخصیه است؛ یعنی مهدی (عج) فردی است که موعود ملت‌ها و امت‌هاست و ابعاد و ویژگی‌های ایشان نیز مشخص است. خانواده پدر و مادر، محل تولد، محل غایب شدن، نشانه‌های ظهور و حتی خصوصیات جسمی و در یک کلام، همه ابعاد و ویژگی‌های ایشان ذکر شده است؛ بنابراین، فقط یک مهدی را قبول داریم. لیکن بعضی از صوفیه و عرفا قائل به مهدویت نوعیه بوده و عقیده دارند که در هر عصر و دوره‌ای باید یک مهدی وجود داشته باشد که ویژگی‌ها و خواص مهدویت و هادویت را داشته باشد و می‌گویند هیچ عصری خالی از یک مهدی هادی نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه خصایصی دارد.^۲

آیا انقلاب اسلامی نموداری از ظهور امام زمان (عج) است؟

هنگامی که ولی عصر (عج) ظاهر می‌شوند مسلماً در یک نقطه متمرکز

۱. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۴۲-۳۴۳، محدث نوری، النجم الثاقب، ص ۵۸؛ شیخ صدوق؛ اعتقادات، ص ۹۳-۹۵.

۲. سید علی شفیعی، موعود، شماره ۱۰.

می‌شوند و در آن واحد در کشورها و مناطق دیگر حضور ندارند، بلکه برای آن جا والی و حاکم معین می‌کنند، همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران خلافت خود مالک اشتر را به ولایت مصر، ابن عباس را به ولایت بصره و بزرگان دیگر از اصحاب برجسته را به حکومت دیگر بلاد تعیین کردند. امام زمان (عج) نیز برای مناطق اسلامی حاکم معین می‌کنند. بدین دلیل ما امروز با این که مدعی پیاده کردن تمام احکام زمان حکومت ولی عصر (عج) نیستیم، اما خود را مرحله‌ای از ظهور به معنای تدریجی آن می‌دانیم؛ یعنی حاکمیت تدریجی اسلام و احکام نورانی آن بخش و رشحه‌ای از ظهور امر حضرت حجت است، هر چند هنوز ظهور شخص ایشان واقع نشده است.^۱

امام زمان (عج) چه وقت ظهور می‌کند؟

اکنون که دنیا پر از جور و ستم شده، پس چرا امام زمان (عج) بنا به مفاد روایت معروف و مشهور **يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا**^۲ ظهور نمی‌کند؟

اولاً، چه کسی گفته دنیا پر از ستم و ظلم است و اصولاً تشخیص این که دنیا پر از ظلم و ستم شده یا خیر با چه کسی است؟

ثانیاً، بعضی از محققان می‌گویند: مراد از **يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا** پر شدن دنیا از ظلم و جور نیست، بلکه سیطره و چیرگی ظلم و ستم است، به گونه‌ای که گریزی از آن نباشد.

ثالثاً، به تعبیر علمی، هیچ‌گونه علیتی بین پر شدن دنیا از ظلم و جور و یا سیطره ظلم و جور بر دنیا و ظهور امام زمان (عج) وجود ندارد که بگوییم

۱. همان.

۲. اکمال الدین و اتمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷ و مصادر فراوان دیگر. عن النبي (ص) (الولم يبق من الدنيا إلا يوم لظول الله ذلك اليوم حتى يأتي رجل من عترتي اسمه اسمي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً).

بلافاصله و آن‌ا امام زمان(عج) باید در این شرایط ظهور کند. اصولاً مقدار این فاصله و اندازه آن مشخص نشده است، پس باید این شبهه از اذهان بیرون آید که با پر شدن دنیا از ظلم و ستم باید حتماً امام زمان(عج) ظهور کند، زیرا امکان آن وجود دارد که مدت زمان و فاصله ظهور بنا به حکمت‌ها و مصالحی به درازا بکشد و این نباید برای کسی جای نگرانی و افسردگی به بار آورد.

در مورد گسترش فساد و زیاد شدن گناهان سه نکته قابل توجه است:
 الف) مطلق این امور نشانه ظهور به حساب نمی‌آید و چنین نیست که هر زمان فساد گسترش یافت و گناهان زیاد شد، حضرت ظهور کند.
 ب) جهان قبل از ظهور حضرت مملوّ از گناهان بسیار زیاد شده و ظلم و ستم و فساد به‌طور چشم‌گیر و فوق‌العاده‌ای افزایش می‌یابد، با این همه، اثبات چنین واقعیتی به معنای عدم وجود طاعت و بندگی و عدالت در جای جای زمین نیست.

ج) وجود چنین نشانه‌ای هرگز از مسئولیت منتظران برای مبارزه با ظلم و از بین بردن ریشه گناهان نمی‌کاهد، اگر چه به موفقیت چندانی در این زمینه دست نیابند.

نشانه‌های ظهور امام زمان(عج) کدامند و چگونه باید آنها را شناخت؟

نشانه‌های ظهور، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد:
 نشانه‌های عمومی: که ممکن است طی چندین سال تحقق یابند، مانند کثرت گناهان.

نشانه‌های سال ظهور: که در آخرین سال غیبت و با فاصله کمی به زمان ظهور به وقوع می‌پیوندد، مانند خروج سفیانی.

نشانه های روز ظهور: که پیش از ظهور یا هم زمان با آن در دنیا رخ می دهد مانند فریادی از آسمان.

نشانه هایی در اجتماع: مانند زیادی فتنه ها و ظاهر شدن قحطی.

نشانه هایی در طبیعت: مانند کم شدن چشم گیر برداشت از زراعت ها.

نشانه هایی در آسمان: مانند خسوف و کسوف مکرر و فراوان در

یک سال، به ویژه در ماه رمضان.

نشانه های یقینی: مراد نشانه ها و علاماتی است که در روایات متعدد بر آن

تأکید شده است، مانند قیام سفیانی (مردی به نام عثمان بن عنبسه) و صیحة آسمانی.

نشانه های احتمالی: نشانه هایی است که تنها در اندکی از روایات آمده یا

تصریح به غیر حتمی بودن آنها شده است، مانند آتشی در آسمان، فرو رفتن بغداد و بصره در زمین.

نشانه های متشابه: نشانه هایی که مراد از آنها و کیفیت آنها روشن نیست و

تأویل های مختلف و اشکال گوناگونی می تواند داشته باشد، مانند خروج دجال.

نشانه های روشن: نشانه هایی که کیفیت خاصی دارند و تأویل بردار نیستند،

مانند آن که فریادی از آسمان در آستانه قیام امام زمان (عج) به نام حضرت مهدی (عج) ظهور ایشان را تصریح و اعلان می نماید.

نشانه هایی در تلقی از شریعت: مانند این که کارهای خیر از منکرات

شمرده می شوند و کارهای زشت و منکرات به عنوان کار خیر و معروف اقبال می شوند.

نشانه هایی در برخی سرزمین ها: مانند این که «کوفه» از مؤمنان خالی

می ماند و «قم» به عنوان معدن علم و فضیلت به شمار می آید.

نشانه هایی در تکوین: مانند طلوع خورشید از مغرب.

نشانه های تحقق یافته در گذشته های دور: مانند از بین رفتن حکومت بنی عباس.

نشانه‌های تحقق یافته در گذشته‌ای نزدیک: مانند قیام مردی از قم.

نشانه‌های تکرار شده در تاریخ: مانند شیوع طاعون.

نشانه‌های تحقق نیافته: مانند خروج یمانی (در دعوت به ولایت اهل بیت) و

سفیانی (در مبارزه با تشیع) و سید خراسانی (با پرچم‌هایی به طرفداری از حق).

اکمال الدین صدوق از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: پنج چیز قبل از

قیام قائم علیه السلام به وقوع می‌پیوندد: قیام یمانی، خروج سفیانی، ندای آسمانی،

فرورفتن لشکری در بیداء (سرزمینی بین مدینه و مکه) و کشته شدن نفس

زکیه (محمد بن الحسن). بین کشته شدن نفس زکیه و قیام قائم آل محمد (عج)

تنها پانزده شب فاصله است.

در ینابیع المودة (ص ۴۲۷) از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

اندکی پیش از قیام قائم ما سفیانی قیام خواهد کرد و به اندازه دوره بارداری

زنان، «یعنی نه ماه» فرمانروایی خواهد کرد. سپاه او رو به مدینه

پیش می‌روند، وقتی که به منطقه بیداء می‌رسند زمین آنان را به کام خویش

فرو می‌برد.^۱

آیا ممکن است انسانی قرن‌ها زنده بماند؟

طول عمر برای انسان از نظر منطق و دانش امری ممکن است، علم نیز

تلاش می‌کند تدریجاً این امکان نظری را به امکان عملی تبدیل سازد. وقتی از

نظر منطق و علم، امکان وقوع عمر طولانی ثابت شد و معلوم گشت که دانش

بشری در راه تبدیل امکان نظری به امکان عملی است،^۲ دیگر جایی برای

۱. کلیه روایات فوق و نشانه‌های ذکر شده از کتاب منتخب الاثر که مشتمل بر ده‌ها کتاب معتبر شیعه و سنی است، گزینش شده است. ص ۴۲۴ - ۴۲۶.

۲. اصولاً امکان علمی در جایی است که گرچه فعلاً با وسایل امروزی احکام انجام آن نیست، ولی از نظر علم و

استبعاد تحقق این مسئله برای شخص امام زمان (عج) باقی نمی‌ماند، جز این اعجاب که چگونه حضرت مهدی (عج) توانسته بر علم پیشی گیرد و قبل از این که دست علم به سطح این تحوّل، یعنی امکان فعلی برسد، آن حضرت توانسته باشد امکان نظری را به امکان علمی تغییر دهد؟! این همانند کسی است که در کشف داروی بیماری صرع و سرطان بر علم پیشی گرفته باشد.^۱

در تاریخ تنها دو تن مأمور پاکسازی تمدن انسان از تباهی و فساد شدند و هر دو عمری چند برابر عمر معمولی ما داشته‌اند: یکی نوح پیامبر و دیگری که نقش خود را در آینده بشر ایفا می‌کند، حضرت مهدی (عج) است. چرا ما نوح را که حداقل نزدیک به هزار سال زندگی کرد می‌پذیریم، ولی مهدی (عج) را نمی‌پذیریم؟

اگر ما این نظر علمی را که ناتوانی و پیری نتیجه‌ی نبرد و کشمکش با عوامل مشخص خارجی است، بپذیریم، معنایش این است که از جنبه‌ی نظری امکان آن وجود دارد که اگر بافت‌های تشکیل دهنده‌ی جسم انسان را از عوامل مؤثر دور نگه داریم، حیات او طولانی می‌شود و در نهایت، بر پدیده‌ی پیری فایق می‌آید و اگر نظریه‌ی دیگری را که می‌گوید پیری قانونی طبیعی برای سلول‌ها و بافت‌های زنده است بپذیریم، به این نتیجه می‌رسیم که آنها تخم نیستی را با خود حمل می‌کنند و آن‌گاه که به مرحله‌ی ناتوانی و پیری رسند، می‌میرند. حتی در صورت پذیرش این نظریه نیز معنایش این نیست که این قانون طبیعی انعطاف‌پذیر نیست، بلکه این قانون بر فرض ثبوت، قانونی انعطاف‌پذیر خواهد بود، زیرا دانشمندان در آزمایشگاه‌های علمی خود مشاهده کرده‌اند و ما نیز در زندگی خود می‌بینیم که پیری پدیده‌ای فیزیولوژی است و وابسته به زمان نیست،

→ راهکارهای پویایی علمی، مشکلی از جهت امکان وقوع آن با وسایل خاص در موقعیت مناسب وجود ندارد؛ مثلاً صعود به کوه زهره از نظر علمی ممکن است، گرچه از نظر عملی فعلاً ممکن نشده است.

۱. سید محمد باقر صدر، گفتگو درباره‌ی امام مهدی (عج).

گاهی زود فرا می‌رسد و گاهی نیز با فاصله زمانی بیشتری آشکار می‌شود. گاهی فردی بسیار مسن است، ولی نشانه‌ای از پیری بر تن ندارد. به این موضوع پزشکان هم اعتراف دارند. دانشمندان از انعطاف پذیری این قانون بهره برده و عمر برخی حیوانات را صدها برابر از عمر طبیعی‌شان بیشتر کرده‌اند.

البته برای هر خداپرستی این که کلیه امور هستی به دست خداست و او می‌تواند در هستی و قوانین آن تصرف کرده و آن چه را به مصلحت است، محقق نماید امری بدیهی است، همان‌گونه که حضرت آدم علیه السلام را از خاک بی‌جان (بدون پدر و مادر) و حضرت عیسی علیه السلام را از مادر و بدون پدر خلق کرد و به حضرت نوح علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام عمر طولانی داد و ماه را بدون آن که در کائنات خللی پیش آید دو نیمه کرد و به حالت اول بازگرداند، هم‌چنین می‌تواند مهدی موعود (عج) را نیز سال‌ها جوان و سالم نگه دارد.

امامان علیهم السلام چگونه از اعمال ما با خبر می‌شوند؟

بهترین راه برای شناخت این امور مراجعه به احادیث و فرموده‌های امامان معصوم علیهم السلام است.

الف) امام زمان (عج) در توقیعی خطاب به شیعیان فرمود:

قَاتَا نُحِيطُ عَلِمًا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ؛^۱

ما بر اوضاع و احوال شما کاملاً آگاهیم و هیچ یک از اخبار شما بر ما پوشیده نمی‌ماند.

ب) امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل که فرمود:

﴿اعْمَلُوا فَمَسِيرَى اللَّهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾؛^۲

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۳، ص ۴۹۷.

۲. توبه (۹) آیه ۱۰۵.

عمل کنید که خدا و پیامبر و مؤمنین کردار شما را می بینند.

فرمود: مؤمنین همان ائمه هستند.^۱

ج) عبدالله بن ابان که در نزد امام رضا علیه السلام منزلتی داشت گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: برای من و خانواده ام به درگاه خدا دعا فرمایید. امام فرمود: مگر من دعا نمی کنم؟ به خدا سوگند که همانا اعمال شما در هر شب و روز بر من عرضه می شود.

عبدالله گوید: حضرت که متوجه شد من این مطلب را بزرگ و باور نکردنی شمرده ام فرمود:

مگر کتاب خدا را نخوانده ای؟

﴿وَقُلْ إِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾؛

مراد از مؤمن به خدا سوگند علی ابن ابی طالب علیه السلام است.^۲

چگونگی دریافت علم و آگاه شدن بر کردار مردم

از امام کاظم علیه السلام در این باره روایت شده است که:

علم به سه صورت به ما می رسد: یکی اخبار گذشته که پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما تفسیر و تبیین کرده، دیگر اخبار آینده که در مصحفی نزد ما نوشته شده و سوم اخبار پدید شونده و فعلی که، از راه الهام در دل و تأثیر در گوش به ما می رسد (که هر روز به ویژه شب های جمعه و قدر حاصل می آید) و آن بهترین دانش ماست (زیرا از اسرار امامت است) و پیامبری بعد از پیامبر ما نیست.^۳

آثار تربیتی آگاهی امام علیه السلام از اعمال مردم

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. همان، ص ۳۹۳.

امام زمان(عج) واسطه فیض و رحمت الهی بین خدا و بندگان است. جای تردید نیست که آن بزرگوار از کردار همه بندگان نیکوکار و بدکار آگاه می‌شود، خصوصاً این که به مسلمانان و شیعیان توجه خاص دارد و هم چون پیامبر ﷺ هر گاه کار نیکی را از آنان ببیند، خدا را سپاس می‌گوید و بر هر کار بدی برایشان استغفار می‌کند.^۱

نکته اساسی بُعد تربیتی خاصی است که توجه به آن امت پیامبر ﷺ و پیروان معصومان(علیهم‌السلام) را به نوعی مراقبت همیشگی نسبت به کردار خویش وامی‌دارد. به راستی اگر بدانیم در هر هفته یک بار یا دوبار، بلکه در هر روز، کارنامه هر یک از ما را به حضور مقدس ولی عصر(عج) عرضه می‌دارند، چه تأثیری جز تلاش در راه اصلاح نفس و بهسازی اعمال ما می‌تواند داشته باشد؟

تذکر امام صادق(علیه‌السلام) را به عنوان حُسن ختام این بخش می‌آوریم:

إِنَّ أَعْمَالَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ كُلَّ خَمِيسٍ فَلْيَسْتَحْيِ أَحَدُكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ الْقَبِيحُ؛^۲

کردار امت محمد ﷺ هر پنجشنبه بر او عرضه می‌گردد، پس هر یک از شما باید از پیامبر خدا ﷺ حیا کند که مبادا کارهای زشت خویش را به او عرضه بدارد.

تأثیر دعا در فرج امام زمان(عج) چه اندازه است؟

اگر قرار باشد غیبت امام زمان(عج) به دلیل حکمت‌های خاص الهی باشد، دعا کردن ما برای فرج چه خاصیتی دارد؟

۱. اساساً غیبت امام زمان(عج) بر اساس اسباب و حکمت‌هایی صورت

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۵۰، به نقل از: موعود، شماره ۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۵۰، ح ۵.

گرفته است که اگر چه به برخی آنها در روایات مختلف تصریح شده، اما دانستن همه آنها در دوران غیبت آن بزرگوار، ممکن نیست. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ؛

حکمت عیبت امام زمان (عج) روشن نمی شود، مگر بعد از ظهور آن حضرت. بنابراین، ممکن است یکی از حکمت های غیبت دچار ساختن انسان ها به بلا و مشکلاتی باشد که باعث روی آوردن آنها به خدا و دعا کردن برای فرج است. چنان که در قرآن آمده است:

ما انسانها را به شدايد و سختی های روزگار مبتلا می سازیم، باشد که به درگاه ما تضرع و زاری نمایند و به دعا روی آورند.^۱

بر این اساس، دعا برای فرج نه تنها منافاتی با حکمت های الهی ندارد، بلکه خود می تواند از زمره همین حکمت ها به شمار آید.

۲. دعا برای فرج امام زمان (عج) وظیفه و تکلیفی است که در عصر غیبت در روایات بسیاری بر آن تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام بر چنین دعایی امر فرموده اند، حضرت ولی عصر (عج) نیز نه تنها شیعیان خود را به دعا کردن برای تسجیل فرج فرمان داده، بلکه کثرت دعا را از آنان خواسته اند.^۲

۳. در برخی روایات، دعا برای فرج وسیله ای برای نجات از هلاکت به شمار آمده است. امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

به خدا، فرزندم مهدی را غیبتی است که در آن هیچ کس از هلاکت نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای (عزوجل) او را بر اعتقاد نسبت به امامتش ثابت قدم بدارد و او را در دعا برای تسجیل فرجش توفیق

۱. انعام (۶) آیه ۴۲.

۲. أكثروا الدعاء بتعجيل الفرج (شیخ صدوق، اکمال الدین واتمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵).

عنایت فرماید.^۱

در پایان باید گفت: وقتی که انتظار فرج والاترین نوع عبادت به شمار می‌آید، دعا برای فرج نیز زیباترین جلوه انتظار به حساب می‌آید و اصل دعا گرامی‌ترین و محبوب‌ترین چیزها در نزد خداست و تأثیر آن در تغییر دادن تقدیر است. چنان‌که در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

أَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ؛^۲

زیاد دعا کن، زیرا دعا قضای الهی را باز می‌گرداند.

۱. شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. نهج الفصاحه، ص ۸۴، ح ۴۴۶.

جرعه‌ای از چشمه‌سار عرفان و ادب

متون برگزیده

دعای امام رضا علیه السلام

بار خدایا! ولی و جانشین خود و حجت بر آفریدگانت را پشتیبان باش. خداوندا! به وسیله او شکاف‌ها را برطرف ساز و گسیختگی‌ها را به هم پیوسته کن، ستم‌ها و نابرابری‌ها را با او بمیران و عدل و داد را آشکار ساز، زمین را با درازای ماندگاری‌اش بیارای، او را با نصرت خویش حمایت کن و با بیم (و هراسی که در دل دشمنان می‌افکنی) پیروز ساز، هر کس او را یاری می‌کند پیروز گردان و هر کس از یاری او دریغ می‌کند به حال خود واگذار. هر کس که طرح دشمنی با او در افکند هلاک ساز و هر کس را که از در نیرنگ با او در آید، نابود کن. سردمداران کفر و تکیه گاه‌ها و استوانه‌های آن را به وسیله او به هلاکت رسان و گمراه کنندگان، بدعت‌گذاران، محو کنندگان نعمت و تقویت کنندگان باطل را در هم شکن. همه گردن‌کشان را به دست او خوار ساز و همه کافران و بی‌دینان را در هر جای زمین که هستند در مشرق‌ها و مغرب‌ها، در خشکی‌ها و دریاها، در جلگه‌ها و

کوهستانها برانداز؛ تا آنجا که از آنها کسی باقی نماند و اثری بر جای نماند.^۱

دعای امام صادق (ع)

بارخدایا! آن جمال دلارا و آن روشن جبین ستوده را به من بنما. دیدگانم را با سرمهٔ یک نظر به سوی او بیارا. در گشایش او شتاب کن و در آمدنش را آسان گردان. راه و روش او را وسعت بخش و مرا به طریق او هدایت نما. فرمانش را نافذ و پشت او را استوار دار. به دست او سرزمین‌هایت را آباد گردان و بندگان را زنده‌ساز. که خود فرمودی و سخنان تو نیز حق است که به سبب آن چه مردم انجام داده‌اند، فساد و تباهی خشکی‌ها و دریاها را در برگرفته است. پس ای خدا! ولی خود و فرزند پیامبرت را، همو که هم‌نام فرستادهٔ توست آشکار ساز! تا هرآن چه از باطل که بدان دست یابد نابود کند و حق را چنان که باید برپا دارد و عملی سازد. خداوندا! او را پناهگاه بندگان ستمدیده‌ات و یاور کسانی که جز تو یآوری ندارند قرار ده. آن چه از احکام کتابت تعطیل شده به دست او تجدید کن و او را پشتیبان نشانه‌های دینت و سنت پیامبرت - که درود و سلام خداوند بر او و خاندانش باد - قرار ده.^۲

انتظار

به هوش باشید که:

برگزیدهٔ آسمان از میان تمامی مخلوقات می‌آید. گوش به فرمانش فرا دهید و طاعتش را گردن نهید! گریزگاهی نیست، چه در التهاب این ندای فراگیر آسمانی خفتگان در بستر بی خبری از جای بر می‌خیزند. ایستادگان از

۱. شیخ طوسی، مصباح المتعجب، ص ۳۶۶، به نقل از: موعود، شماره ۶.

۲. سیدبن طاووس، مصباح الزائر، ص ۶۹، به نقل از: موعود، شماره ۶.

سر غرور و نخوت برجای میخ کوب شده و با بازوانی لرزان بر زمین می‌غلتنند! نشستگان از سر ناچاری در حیرتی تام، از جای بر می‌خیزند و همگان در اضطرابی سخت می‌مانند تا دریابند آنها را چه رسیده است.

دیری نمی‌پاید که صدایی دیگر همه را به خود می‌آورد. نغمه‌ای گوشنواز: من آن بقیت خدایم، دلیلی از سوی او و خلیفه‌ای در میان بندگان، آمده‌ام، آگاه باشید که این آمدن، شما را بهترین بشارت است. کاش نیک دریابیدش، انقلابی بزرگ آسمان و زمین را در بر می‌گیرد و حیرت آنی زمینیان را رها نمی‌سازد و آنان که شنیدن نغمهٔ دل‌انگیزش را انتظار می‌کشند. ای یاران برجسته و ای هم‌رازان و هم‌زمان من! ای همهٔ کسانی که خدایتان شما را برای یاری من برگزیده! ای ذخیره‌های خداوندی! به سوی من آید.^۱

بیا که بی تو...

بیا که بی تو نه سحر را لطافتی است و نه صبح را صداقتی؛ که سحر به شب‌نم لطف تو بیدار می‌شود و صبح به سلام تو از جا بر می‌خیزد.

بیا که بی تو آینه‌ها، زنگار غربت گرفته‌اند و قطار آشنایی‌ها، فریاد غریبی می‌کشد، هیچ کس حریم اطلسی‌ها را پاس نمی‌دارد و بر داغ لاله‌ها مرهم نمی‌گذارد. بیا که بی تو قنوت شاخه‌ها، اجابتی جز غروب تلخ خزان ندارد.

بیا که بی تو کدام دست مهر، سرشک غم از دیدگان یتیمان بر می‌گیرد؟ و کجاست آغوش مهربانی که دل‌های زخمی را به ضیافت ابریشمی بخواند.

بیا که بی تو آسمان دلم اسیر تیرگی هاست و هرگز ستارهٔ امید در برج اقبال، رحل خوش بختی نمی‌افکند.

ای آبِ آب، رودخانه‌ها عطش دیدار تو را دارند و در بستر انتظار به سوی

دریای ظهور تو شتابان‌اند.

قامتی به استواری کوه، دلی به بی‌کرانگی دریا، طراوتی به لطافت سبزینه‌ها، سینه‌ای به فراخی آسمان‌ها و صمیمیتی به گرمی خورشید باید تا تو را خواند و کاروان دل‌ها را به منزلگاه امید کشاند. این همه را که اندکی بیش نیست، از دل شکسته‌ترین منتظران تاریخ دریغ مدار، که ظهور تو اجابت دعای ماست.^۱

حرف‌های دل!

باید بمانی که او بیاید و دردهای کهنه تو و تمام عالم را درمان کند و تو چشم به راهش می‌مانی با انتظاری توأم با امید؛ می‌گویند سواری است از آفتاب، از روشنی، با ردایی سبز و شمشیری از عدل؛ می‌گویند قامت سبزی دارد و خالی برگونه؛ می‌گویند از راه سپیده می‌آید با بارانی از نور؛ می‌گویند کعبه میزبان قدم پاک او و تکیه‌گاه او خواهد شد، نمی‌دانم شاید روزی بیاید که جز مستی پر از این پرنده در قفس نباشد. اما در انتظارش می‌مانم تا روزی که در باغ خدا را باز کند و عطر دل‌انگیز حضورش در سراسر عالم پیچد و دنیا از نور جمالش روشن گردد. با جانی آماده قربانی شدن، چشم به راهش می‌مانم تا بیاید و بی‌قراری‌هایم با یک تبسم او آرام گیرند و نیم نگاهش آبی بر آتش درد فراق باشد. آن وقت با او بودن چه خوش است و یک قطره از جام وصال او نوشیدن چه خوش‌گوارتر از تمامی آب‌های عالم.

ای عزیز! ببخش بر من اگر با جانی نه پاک و دلی نه روشن و اعمالی نه مقبول، مشتاق توأم، اما باور کن که در سر سودایی جز محبت تو نیست و خیالم از نقش و نگار تو پر است.^۲

۱. نرجس امامی پناه.

۲. فاطمه نورمندی پور.

به ما نگفتند

گفتند تو که بیایی خون به پا می‌کنی، جوی خون به راه می‌اندازی و از کشته پشته می‌سازی و ما را از ظهور تو ترساندند. همه، پیش از آن که نگاه مهرگستر و دست‌های عاطفه پرور تو را وصف کنند، شمشیر تو را نشانمان دادند.

آری، برای این که گل‌ها و نهال‌ها رشد کنند باید علف‌های هرز را وجین کرد و این جز با داسی برنده و سهمگین ممکن نیست. آری، برای این که مظلومان تاریخ، نفسی به راحتی بکشند. باید پشت و پوزه ظالمان و ستمگران را به خاک مالید و نسلشان را از روی زمین برچید.

آری، برای این که عدالت بر کرسی نشیند هرچه سریر ستم آلوده سلطنت را باید واژگون کرد و به دست نابودی سپرد. و اینها همه، همان معجزه‌های است که تنها از دست تو بر می‌آید و تنها با دست تو محقق می‌شود.

اما مگر نه این که اینها همه مقدمه است برای رسیدن به بهشتی که تو بانی آنی. آن بهشت را کسی بر ما ترسیم نکرد. کسی به ما نگفت که وقتی تو بیایی، پرندگان در آشیانه‌های خود جشن می‌گیرند و ماهیان دریاها شادمان می‌شوند و چشمه‌ساران می‌جوشند و زمین چندین برابر محصول خویش را عرضه می‌کند.

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی، دل‌های بندگان را آکنده از عبادت و اطاعت می‌کنی و عدالت بر همه جا دامن می‌گسترده و خدا به واسطه تو دروغ را ریشه کن می‌کند و خوی ستم‌گری و درندگی را محو می‌سازد و طوق ذلت بردگی را از گردن خلائق بر می‌دارد.

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی، ساکنان زمین و آسمان به تو عشق می‌ورزند، آسمان بارانش را فرو می‌فرستد، زمین، گیاهان خود را می‌رویاند و زندگان آرزو می‌کنند که کاش مردگانشان زنده بودند و عدل و آرامش حقیقی

را می‌دیدند که خداوند چگونه برکاتش را بر اهل زمین فرو می‌فرستد. هیچ کس فقیر نمی‌ماند و مردم برای صدقه دادن به دنبال نیازمند می‌گردند و پیدا نمی‌کنند. مال را به هر که عرضه می‌کنند، می‌گویند: بی‌نیازم. و... ظهور تو بی‌تردید بزرگ‌ترین جشن عالم خواهد بود و عاقبت جهان را ختم به خیر خواهد کرد.^۱

صبح‌ترین خواب یوسفان

سلام بر تو که راه خانه دوست را می‌دانی. سلام بر سلام‌های تو، سلام بر گریه‌های تو در دشت‌های زرد غیبت، سلام بر تو که وعده‌خدایی، موعود زمانی، شکوه زمینی.

ستارگان تمام شده‌اند، دیگر ستاره‌ای برای شمردن نمانده است. شب را سر بیداری نیست و روز بهانه آمدن ندارد. جمعه‌ها، چه دلگیر روزهایی است! هفته‌ها چه انباشته ایام خالی از لطفی است!

سال شمار عمر ما، به دست باد ورق می‌خورد، برگ از گل می‌هراسد و باد از ابر، اما من سخن گفتن با تو را از عندلیبان باغ آموختم، همان مرغانی که همیشه گل را میان جنگل شاخه‌ها گم می‌کنند.

ای صبح‌ترین خواب یوسفان! با چشم این همه یعقوب چه خواهی کرد؟ تبار ابراهیم در گذر از آتش انتظارند! هر لحظه فرجامه ظهور می‌خوانند و دمساز با عاشقانند.^۲

غرق در چشمان هاشمی

گفته‌اند کسی می‌آید که در نگاه نخست، همه در عمق چشمان هاشمی‌اش

۱. سید مهدی شجاعی.

۲. رضا بابایی.

غرق می‌شویم و به جبل‌المتین یک تار موی سیاه او دل می‌بندیم که به یک تبسمش همه انتظارمان سر می‌رود؛

گفته‌اند کسی می‌آید که زیباتر از آسمان است و مهربان‌تر از ابر؛
گفته‌اند کسی می‌آید که رحمت را به عدالت میان قطره‌های باران تقسیم می‌کند و به دست هر مظلومی عصای موسی می‌سپارد تا حق خویش بستاند؛
گفته‌اند که او خاطرات تلخ اسارت‌ها را ناگفته می‌داند که او در همهٔ این سال‌های تنهایی و مقاومت با ما بوده است؛ که او گرسنگی اردوگاه موصل و تکریت را چشیده است؛ که او زخم کابل‌های خاردار دشمن را هم به تن خریده است، که همهٔ شهیدان‌مان سر به دامن او سردار شدند؛ که مفقودان‌مان در بهشت آباد او ماندگار شدند؛ که همه این مدت تلخ جدایی، او برای‌مان غصه می‌خورده است؛ که او شب حمله، کنار کرخه برای‌مان دعا می‌کرده است.^۱

ای ساحل آرام بخش نجات!

ای نوریزدان! ای مهرتابان! ای فروغ بی‌پایان! ای خورشید همیشه فروزان!
ای پرچم نجات در آغوش! ای چشمه سارِ عاطفه را نوش! ای غایب ناگشته
فراموش!

ای هرکجا فساد، تو هادم! ای هرکجا نظام، تو ناظم! ای هرکجا قیام، تو قائم!
ای همهٔ غم‌ها را تو پایان! ای همهٔ دردها را تو درمان! ای همهٔ
نابسامانی‌ها را تو سامان!

هجر جانکاهت به درازا کشید، چشم‌ها فرو خفتند، جز چشمان شیدای
شیفتگان، که در شب یلدای غیبت، طلوع خورشید جهان آرای تو را

می‌جویند، ای خورشید فروزان هستی،

دریا طوفانی شد، زورق‌ها همه در هم شکستند، جز زورق سرخ چشم به راهان، که بر فراز امواج فتنه‌ها کرانه‌رهای بخش تو را می‌طلبند، ای ساحل آرام بخش نجات!

شب تیره غیبت به درازا کشید اما به راستی در تاریخ «وصل و هجران» و در دفتر «عشق و حرمان»،

محبتی چنین دیرپا، محبتی چنین پابرجا، هیچ چشمی به خود ندیده است، اکنون یک هزار و شصت و چهار سال است که «جذبه و ناز» و «راز و نیاز» ادامه دارد.^۱

خدایا، ای مهربان!

بارالها! آیا صدای گوشه‌نشینان منتظر مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه) را بی‌پاسخ خواهی گذاشت؟

آیا گرفته‌ترین نگاه‌ها را که در سپیده‌دمان، آن‌گاه که سرخی شفق می‌درخشد، بر مهدیات سلام می‌فرستند، فراموش خواهی کرد؟ آیا این سینه‌های سوخته که از میان جماعت مرداب زده به عشق تو و مهدی تو زنده‌اند، در بی‌پناهی رها خواهی کرد؟ کاسه‌های چشمان خالی است. دیگر اشک هم یاری نمی‌کند؛ لهیب فروزان عطش در صحرای صبر می‌سوزاندشان. ای مهربان پروردگار ما! پیروزی را قرین او گردان و سربازانش را پیروز گردان،

دروازه‌ای از برکات به رویش بگشا که افق پیروزی و نصر در آن سلطنت باشد، ای مهربان‌ترین مهربانان! به وسیله او اسلام را ظاهر گردان و سنت رسالت را به دست او آشکار فرما،

۱. علی اکبر مهدی پور با تلخیص و تصرف.

خدایا! اباصالح (عج) را سلامت بدار و مؤمنان را به وسیله او به دار
عاقبت روانه ساز.^۱

مولای من!

پای من گرچه در بند زمین است، اما دلم در هوای توست. از ورای زمان
و مکان تو را می‌جویم، هرچند که تو با منی، مانند حضور نور، هوا، آب؛ اما
خوشا روزی که هلال رخسار تو بدر کامل گردد. زمین اگرچه گرد خورشید
می‌چرخد، اما روح آن را مداری است که گرد تو می‌گردد.

مولای من! هر مظلومی که در زیر چکمهٔ ستم کاری جان می‌سپارد، نام تو
بر لب دارد و تنها تویی که فریادرسی و تپس؛ هر جا حق و عدالت در معرض
تجاوز و ستم قرار گرفت من ردای مقاومت بر تن نموده و بر پیشانی بند
اندیشه‌ام «یا مهدی» را حک می‌کردم.

ای ناب‌ترین اندیشه‌راهنمای من به سوی کمال!

ای رهانندهٔ من از بندهای اسارت زمان!

ای مدافع راستین تمامی حقوق من!

و ای فریادرس مظلومان بر خون نشسته!

من در اندیشه تو آم.^۲

ندبه‌های دلتنگی

کجاست آن که - جهان - چشم به راه او دوخته تا کژی و ناراستی را
راست گرداند؟

کجاست آن که برای گسستن ریشهٔ ستم‌گران آماده شده است؟

۱. سید امیر حسین اصغری با تلخیص.

۲. موعود، سال چهاردهم، ص ۵۴، با تلخیص.

کجاست آن که امیدها به سوی او رود تا بنیاد ستم و بیداد بر کند؟
 کجاست آن که اندوخته شده تا فریضه‌ها و سنت‌های دین را نوگرداند؟
 کجاست آن که گزیده شده تا دین و آیین را - به اصل خود - بازگرداند؟
 کجاست آن که آرزویش داریم که قرآن و احکام آن را زنده کند؟
 کجاست بُرندهٔ شاخساران ستم و تفرقه؟
 کجاست محوکنندهٔ نشانه‌های کژروی و هواپرستی؟
 کجاست عزیز دارندهٔ دوستان و خوارکنندهٔ دشمنان؟
 کجاست آن آینهٔ خدا که دوستان به سویش روی آرند؟
 کجاست آن رشتهٔ پیوند خوردهٔ میان زمین و آسمان؟
 کجاست آن فرمانروای روز پیروزی و افرازندهٔ درفش راهنمایی؟
 کجاست گردآورندهٔ سزاواری و خشنودی حق؟
 کجاست خون خواه کشتهٔ کربلا؟
 کجاست آن پیشوایی که از جانب خدا یاری شده بر هر که بر او دست
 ستم گشود و به او دروغ بست؟
 کجاست آن سرگل آفریدگان، آن نکوکار پرهیزگار؟
 کجاست فرزند پیامبر مصطفی و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجهٔ
 روشن رخسار و فرزند فاطمهٔ کبری؟
 پدر و مادرم فدایت باد و خودم سپر و حامی تو باشم، ای فرزند سروران
 مقرب، ای فرزند گزیدگان بزرگوار، ای فرزند رهنمایان راه یافته، ای فرزند
 نیکان پاکیزه، ای فرزند بزرگان زبده، ای فرزند پاکان پاکیزه، ای فرزند
 بزرگواران برگزیده، ای فرزند دریاهاى بخشش.
 ای کاش می‌دانستم در کدامین خاک و سرزمینی! آیا در کوه «رَضْوِی»
 هستی یا در جای دیگر؟ یا در «ذی طُوِی»؟
 گران است بر من این که مردم را ببینم و تو را دیدار نکنم و از تو آواز و

نجوایی نشنوم؛ بر من ناگوار است که بلا تو را گیرد و مرا نگیرد و ناله و گلایه‌ام از من به تو نرسد.

به جانم سوگند که تو همان غایبی هستی که از ما جدا نیستی؛ به جانم سوگند که تو همان امامی هستی که از نگاه ما - ظاهراً - دوری و در واقع دور نیستی.

کی شود که پرچم پیروزی برافرازی و ما تو را ببینیم و تو ما را؟
کی شود که ما گرداگرد تو فراهم شویم و تو پیشوای مردم شوی و زمین را از عدل پر کنی؟

کی شود که ریشهٔ بیدادگران را از بیخ و بن براندازی و ما از سر شادمانی و سپاس بگوییم: ستایش از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

خداوند! درود فرست بر او برترین و کامل‌ترین و تمام‌ترین و با دوام‌ترین و بیشترین و فراوان‌ترین درودها را که بر احدی از برگزیدگان و ستودگان خلقت نفرستاده‌ای؛ و درود فرست بر او، درودی بی‌شمار و بی‌پایان و بی‌انتهای. خداوند! حق را به واسطهٔ امام زمان «عج» بر پای دار و باطل را به وسیلهٔ او برانداز و دوستان خود را به پیشوایی او به دولت رسان و دشمنان خود را به وسیلهٔ او خوار و زار ساز.

خداوند! میان ما و او پیوندی برقرار کن که سرانجام، ما را به مصاحبت با پدران‌ش رساند و ما را از کسانی قرار ده که به دامن آنان چنگ زده و در سایهٔ ولایت آنان آرمیده‌اند. ای مهربان‌ترین مهربانان!

اشعار

شهرهٔ نه آسمان

مصدر هر هشت گردون، مبدأ هر هفت اختر

خالق هر شش جهت نورِ دلِ هر پنج مصدر

والی هرچار عنصر، حکمران هر سه دفتر
پادشاه هر دو عالم حجت یکتای داور
آن که جودش شهره نه آسمان، بل لامکان شد

مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت، حسن خو
هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم و مه رو
شاه جعفر فیض و کاظم علم و هشتم قبله گیسو
هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسکری مو
مهدی قائم که در وی جمع اوصافی چنان شد

پادشاه عسکری طلعت، نقی حشمت، تقی فر
بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر
علم باقر، زهد سجاد و حسینی تاج افسر
مجتبی حکم و رضیه عصمت و دولت چو حیدر
مصطفی اوصاف مجلای خداوند جهان شد^۱

گلزار زندگی

دل را زیخودی سر از خود رمیدن است
جان را هوای از قفس تن پریدن است
از بیم مرگ نیست که سر داده‌ام فغان
بانگ جرس زشوق به منزل رسیدن است

دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکنم
باری علاج شوق، گریبان دریدن است
شامم سیه‌تر است زگیسوی سرکشت
خورشید من برای که وقت دمیدن است
سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی
مرغ نگه در آرزوی پر کشیدن است
بگرفته آب و رنگ زفیض حضور تو
هرگل در این چمن که سزاوار دیدن است
با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم
تقدیر قصه دل من ناشنیدن است
آن را که لب به جام هوس گشت آشنا
روزی «امین» سزا لب حسرت گزیدن است^۱

کوکب هدایت

وقتی به‌سان خورشید از گوشه‌ای برآیی
روشن شود جهانی وقتی که تو بیایی
ماندم در انتظارت ای کوکب هدایت
بنما جمال خود را ای آیت خدایی
ای آفتاب هستی! ای شور عشق و مستی!
بازآ بخوان کلامی زآن معجز الهی
ای دیده‌ها به راهت! ای قائم هدایت!
تاکی کنم حکایت شرح غم جدایی

گر من تو را نبینم رویدنم نباشد
 بنما جمال خود را ای مظهر رهایی!
 پیش رخ چو ماهت خورشید سجده آرد
 ای آیت الهی! ای پرتو خدایی!
 لب تشنگان نوریم هر لحظه ما، نگارا
 برهان زما عطش را ای قائم رهایی!

شیعه یعنی شوق، یعنی انتظار
 شیعه یعنی شوق، یعنی انتظار
 صاحب آیینه تا صبح بهار
 شیعه یعنی صاحب پا در رکاب
 تا که خورشید افکند رخ از نقاب
 فاش می بینم ملائک صف به صف
 این غزل خوانند با تنبور و دف
 عشقبازان، شور و حال آمد پدید
 میم و حای و میم و دال آمد پدید
 شب نشینان دیده را روشن کنید
 آن مه فرخنده حال آمد پدید
 آمد آن روزی که در نا باوری
 سرزند از غرب مهر خاوری
 راستین مردی رسید با تیغ کج
 شیعیان الصبر مفتاح الفرج

چيست آن تيغ سفيد آفتاب
بسی گمان لاسیف إلا ذوالفقار
حیدر از محراب بیرون می‌زند
شب نشینان را شبیخون می‌زند
آفتاب، ای آفتاب، ای آفتاب
از نگاه بندگان رخ متاب
از فروغت دیده ادراک چاک
از فراغت، اشک مدفون زیر خاک
آفتاب شیعه از مغرب درآ
پیار دیگر سرزن از غار حرا
بت پرستان ترکازی می‌کنند
با کلام الله بازی می‌کنند
تیغ برکش تا تماشایت کنند
تا که نتوانند حاشایت کنند
پاک کن از دامن دین ننگ را
این عروسک‌های رنگارنگ را
این سخن کوتاه کردم والسلام
شیعه، یعنی تیغ بیرون از نیام!

فروغ دیده نرگس!

شکفت غنچه و بنشست گل به بار، بیا!

دمید لاله و سوری ز هر کنار، بیا!

بهار آمد و نشکفت باغ خاطر ما
 تو ای روانِ سحر! روحِ نوبهار! بیا!
 مگر چه مایه بود صبر، عاشقان تو را!
 ز حد گذشت دگر رنج انتظار، بیا!
 زهر کرانه، شقایق دمیده از دل خاک
 پی تو تسلی دل‌های داغدار، بیا!
 ز عاشقان بلاکش، نظر دریغ مدار
 فروغ دیده‌ نرگس! به لاله‌زار بیا!
 زمینجیق فلک سنگ فتنه می‌بارد
 مباد آن که فرو ریزد این حصار، بیا!
 یکی به مجمع رندان پاک باز، نگر!
 دمی به حلقهٔ مردان طرفه کار، بیا!
 به سوی غاشیه‌داران میر عشق، ببین!
 به کوی نادره کاران روزگار، بیا!
 چه نقش‌ها که بنشستند به صحیفه دهر
 ز خونشان شده روی شفق نگار، بیا!
 طلایه‌دار تواند این مبشران ظهور
 به پاس خاطر این قوم حقگزار بیا!
 درین کویر که سوزان بود روان سراب
 تو ای سحاب کرم! ابر فیض بار بیا!
 زدست برد مرا، شور عشق و جذبهٔ شوق
 قرار خاطر بسیقار بیا!

جمعه موعود

دست تو باز می‌کند، پنجره‌های بسته را
هم تو سلام می‌کنی، رهگذران خسته را
دوباره پاک کردم و به روی رف گذاشتم
آینه قدیمی غبار غم نشسته را
پنجره بی قرار تو، کوچه در انتظار تو
تا که کند نثار تو، لاله دسته دسته را
شب به سحر رسانده‌ام، دیده به ره نشانده‌ام
گوش به زنگ مانده‌ام، جمعه عهد بسته را
این دل صاف، کم کمک شده‌ست سطحی از ترک
آه! شکسته‌تر مخواه آینه شکسته را^۱

چشم به راه

به تماشای طلوع تو، جهان چشم به راه
به امید قدمت، کون و مکان چشم به راه
به تماشای تو ای نور دل هستی، هست
آسمان، کاهکشان کاهکشان چشم به راه
رخ زیبای تو را، یاسمن آینه به دست
قد رعناي تو را سرو جوان چشم به راه
در شبستان شهود اشک فشان دوخته‌اند
همه شب تا به سحر خلوتیان چشم به راه

دیدمش فرشی از ابریشم خون می‌گسترده
 در سراپرده چشمان خود آن چشم به راه!
 نازنینا! نفسی اسب تجلی زین کن
 که زمین، گوش به زنگست و زمان چشم به راه
 آفتابا! دمی از ابر برون آ، کو بود
 بی تو منظومه امکان، نگران، چشم به راه^۱

کتاب مبین

در سری نیست که سودای سرکوی تو نیست
 دل سودا زده را جز هوس روی تو نیست
 سینه غمزده‌ای نیست که بی روی و ریا
 هدف تیر کمانخانه ابروی تو نیست
 جگری نیست که از سوز غمت نیست کباب
 یا دلی تشنه لعل لب دلجوی تو نیست
 عارفان را ز کمند تو گریزی نبود
 دام این سلسله جز حلقه گیسوی تو نیست
 نسخه دفتر حسن تو، کتابی است مبین
 ور بود نکته سر بسته، به جز موی تو نیست
 ماه تابنده بود، بنده آن نور جبین
 مهر رخشنده به جز غره نیکوی تو نیست
 خضر عمری ست که سرگشته کوی تو بود
 چشمه نوش، به جز قطره‌ای از جوی تو نیست

نیست شهری که ز آشوب تو، غوغایی نیست
محفلی نیست که شوری ز هیاهوی تو نیست
(مفتقر) در خم چوگان تو گویی، گویی ست!
چرخ با آن عظمت نیز به جز کوی تو نیست^۱

سحرآموختگان

مردم دیده به هر سو نگرانند هنوز
چشم در راه تو، صاحب نظرانند هنوز
لاله‌ها، شعله کش از سینه داغند به دشت
در غمت، همدم آتش جگرانند هنوز
از سراپرده غیبت خبری باز فرست
که خبر یافتگان، بی خبرانند هنوز!
آتشی را بزن آبی به رخ سوختگان
که صدف سوز جهان، بدگهرانند هنوز
پرده‌بردار! که بیگانه نبیند آن روی
غافل از آینه، این بی‌بصرانند هنوز!
رهروان در سفر بادیه، حیران تواند
با تو آن عهد که بستند، برآند هنوز
ذره‌ها در طلب طلعت رویت، با مهر
همچنان تاخته چون نوسفرانند هنوز
سحرآموختگانند، که با رایت صبح
مشعل افروز شب بی‌سحرانند هنوز

طاقت از دست شد، ای مردمک دیده! دمی

پرده بگشای! که مردم نگرانند هنوز!

همه هست آرزویم...!

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی

چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی؟!

بسه کسی جمال خود را ننموده‌یی و بینم

همه جا به هر زبانی، بود از تو گفت و گویی!

غم و درد و رنج و محنت همه مستعد قتل

تو بپر سر از تن من، بپر از میانه، گویی!

به ره تو بس که نالم، زغم تو بس که مویم

شده‌ام ز ناله، نالی، شده‌ام ز مویه، مویی

همه خوشدل این که مطرب بزند به تار، چنگی

من از آن خیشم که چنگی بزنم به تار مویی!

چه شود که راه یابد سوی آب، تشنه کامی؟

چه شود که کام جوید ز لب تو، کامجویی؟

شود این که از ترخم، دمی ای سحاب رحمت!

من خشک لب هم آخر ز تو تر کنم گلویی؟!

بشکست اگر دل من، به فدای چشم مستت!

سر خم می سلامت، شکنند اگر سبویی

همه موسم تفرج، به چمن روند و صحرا

تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی!

نه به باغ ره دهندم، که گلی به کام بویم
نه دماغ این که از گل شنوم به کام، بویی
زچه شیخ پاکدامن، سوی مسجدم بخواند؟!
رخ شیخ و سجده گاهی، سرما و خاک کویی
بـنموده تیره روزم، ستم سیاه چشمی
بـنموده مو سپیدم، صنم سپیدرویی!
نظری به سوی (رضوانی) دردمند مسکین
که به جز درت، امیدش نبود به هیچ سوی^۱

خراب حور گردم!
نه چنان به گرد کویت، من ناصبور گردم
که گر آستین فشانی، چو غبار دور گردم!
من خسته در فراق به کدام صبر و طاقت
به ره فراغ پیویم، ز پی حضور گردم؟
مهل آن که خاک سازد اجلم به ناتمامی
تو بسوز همچو شمع که تمام نور گردم
من اگر به خلد یابم ز تو جنس آدمی را
ز قصور طبع باشد که خراب حور گردم
به نیاز همچو (اهلی) سگ می فروش بودن
به از آن که مست باری زمی غرور گردم^۲

۱. فصیح الزمان شیرازی (رضوانی).

۲. اهلی شیرازی.

دوران حسن توست

بگذشت دور یوسف و دوران حسن توست

هر مصر دل که هست به فرمان حسن توست

بسیار سر به کنگره عشق بسته‌اند

آنجا که طاق بندی ایوان حسن توست

فرمان ناز ده، که در اقصای ملک عشق

پروانه‌ای که هست ز دیوان حسن توست

زنجیر غم به گردن جان می‌نهد هنوز

آن مو که سلسله جنبان حسن توست

دانم که تا به دامن آخر زمان کند

دست نیاز من که به دامن حسن توست

تقصیر در کرشمه (وحشی) نواز نیست

هرچند دون مرتبه شأن حسن توست^۱

ادرکنی!

ای مخزن سرکردگار، ادرکنی! ای هم تو نهان و آشکار، ادرکنی!

بگزیده برای خویش، هرکس یاری ای در دو جهان مرا تو یار، ادرکنی!^۲

بوی گل نرگس

برخیز! که حجت خدا می‌آید رحمت زحریم کبریا می‌آید

از گلشن عسکری گذر کن، کامروز بوی گل نرگس از فضا می‌آید^۳

۱. وحشی بافقی.

۲. حسین صغیر اصفهانی.

۳. دکتر قاسم رسا.

کی رفته‌یی ... ؟!

کی رفته‌ای زدل، که تمنا کنم تو را؟!!

کی بوده‌ای نهفته، که پیدا کنم تو را؟!!

غیبت نکرده‌ای، که شوم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای، که هویدا کنم تو را

با صدهزار جلوه برون آمدی، که من

با صدهزار دیده تماشا کنم تو را

بالای خود در آینه چشم من ببین

تا پسا خبر زعالم بالا کنم تو را

مستانه کاش! در حرم و دیر بگذری

تا قبله‌گاه مؤمن و ترسا کنم تو را

خواهم شبی، نقاب زرویت برافکنم

خورشید کعبه، ماه کلیسا کنم تو را

گر افتد آن دو زلف چلیپا به چنگ من

چندین هزار سلسله در پا کنم تو را!

طوبی و سدره، گر به قیامت به من دهند

یکجا فدای قامت رعنا کنم تو را

زیبا شود به کارگر عشق، کار من

هرگه نظر به صورت زیبا کنم تو را!

توشه فرهنگ سازان

توصیه به ترویج کنندگان فرهنگ مهدویت

بزرگداشت مناسبت‌ها و شعایر دینی، یکی از بهترین راه‌های گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مأنوس ساختن مردم با اولیای الهی است. بزرگداشت میلاد امام عصر(عج) سابقه‌ای دیرینه و موقعیتی بس ممتاز دارد. همه ساله علاقه‌مندان و ارادت‌مندان حضرتش با تمام توان به استقبال این روز بزرگ می‌شتابند و با شکوه فراوان آن را برگزار می‌کنند. در این راستا، جهت‌دهی و توجه به کمیّت و کیفیت این جشن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چه بسا، شیفتگان کم‌تجربه در اثر فقدان برنامه‌ریزی صحیح به مسائلی روی آوردند که مورد رضای صاحب این روز نباشد. این نقیصه، رسالت سنگین نهادهای فرهنگ ساز را در همراهی با مردم و جهت‌دهی صحیح و رشد و بالندگی حرکت خود جوش آنان، به خوبی آشکار می‌سازد. بنابراین، بر فرهنگ‌سازان، برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان عزیز است که نیروهای عظیم و مشتاق را در مسیر اصلی خود که همانا مسیر تعالی و سازندگی است، قرار دهند. در این رهگذر، از ابزارها و امکانات فراوانی

می‌توان بهره‌گرفت:

نیمه شعبان، شور و نشاط عید میلاد را در دل‌های مشتاقان می‌پراکند. در هرکجا، شعر، شمع و شیرینی، رایحه انتظار و اشتیاق را به مشام می‌رساند و جشن عمومی مردمان کوچه و بازار به صورت خود جوش و طبعی، خود را می‌نمایاند. تهیه ویژه‌نامه موعود، برگزاری مسابقه بزرگ در انتظار موعود، چاپ کتاب، پخش نوار، برپایی مراسم جشن و اهدای جوایز و شب شعر برپایی نمایشگاه‌ها می‌تواند مجالس مردمی را پربارتر سازد.

برنامه‌های آینده حکومت جهانی حضرت صاحب الامر را می‌توان در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با کمک، مشورت و یاری علماء، فقها و بزرگان دین تبیین کرد.

رسانه‌های فرهنگی باید راه اصلاح را برای آینده هموار سازند و تلاششان بر این باشد که به دور از جناح بندی‌های سیاسی و حتی فکری، جوانان را به انتظار سازنده دعوت نمایند، باید دردمندان از دین سخن گفت، نقطه اشتراک‌هایی مثل عقیده به مهدی موعود را برجسته کرد و با دعوت از افراد شاخص جناح‌ها و تشکیل میزگرد، هم‌دلی و صمیمیت در جامعه اسلامی ایجاد کرد.

بهره‌گیری از دعاهایی که درباره امام زمان (عج) وارد شده، بسیار سازنده است. شاید رایج‌ترین آنها همان «دعای ندبه» باشد که به صورت سنتی در روزهای جمعه خوانده می‌شود. زیارت‌های بسیاری درباره حضرت وارد شده که بسیار سازنده‌اند.

ابزارهای هنری در کار تبلیغ، نقش مؤثری دارند. به تصویر کشیدن چهره سرخورده بشر امروز که علی‌رغم همه پیشرفت‌های ظاهری در امر اقتصاد و تکنولوژی، دچار بحران‌های روحی و روانی شده است، به روشنی می‌تواند این پیام را منتقل سازد که عصر توسعه تکنولوژی و عصر علم و فن آوری، همراه

با بحران‌های روحی و روانی بوده است و اعتقاد به مهدویت و موعود آخرالزمان به عنوان نسخه شفابخش می‌تواند همه دردهای بی‌درمان را مداوا کند. بنابراین، با وسایل و ابزار هنری می‌توان تشنگی و نیاز انسان‌ها را به معنویت و مهدویت به تصویر کشید.

یکی از قدیمی‌ترین مراکز فرهنگی و تربیتی حوزه‌های علمیه هستند. اکثر کتاب‌های نوشته شده درباره مهدی موعود را نخبگان و برجستگان همین مراکز نوشته‌اند. بنابراین، رسانه‌ها باید در بزرگداشت نیمه شعبان ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با این مرکز و مراکز دیگر فرهنگی - تربیتی داشته باشد. گفتنی است رسانه صدا و سیما با گستردگی و نفوذی که دارد، می‌تواند بیشترین نقش را در تبیین صحیح مهدویت و ترویج اعتقاد درست به امام عصر ایفا کند. مطبوعات نیز در مرحله بعدی می‌توانند رسالت خود را به بهترین وجه انجام دهند.

بی‌شک، اهل منبر، شاعران، نقاشان و سایر هنرمندان و سخنوران در تلطیف و تعمیق این اعتقاد نقش مؤثری دارند. بنابراین، می‌توان از وجود این عزیزان نیز بهره گرفت و آنان را به مسئولیتی که دارند، توجه داد.

در دوران دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین ارزش‌های معنوی، اخلاقی و اعتقادی که در جامعه دینی ما زنده و بارور شده بود، اعتقاد به مهدویت و امام زمان (عج) بود که در مناجات‌ها، وصیت‌نامه‌های رزمندگان و در حالات عرفانی ویژه‌ای که در جبهه‌ها وجود داشت و حتی خاطرات شیرین آنها، نشانه‌های این اعتقاد مقدس دیده می‌شود که باید آثار آنها را حفظ و به عنوان یک اهرم تربیتی از آن استفاده کرد و در طول ایام سال (و نه فقط در نیمه شعبان) از این مناجات‌ها، وصیت‌نامه‌ها و خاطرات بهره‌مند شد.

در روزگار غیبت امام و طولانی شدن عصر انتظار، ممکن است شبهه‌هایی در ذهن برخی راه یابد یا شیاطین پنهان و آشکار پایه‌های اعتقادی افراد،

به ویژه جوانان را سست کنند، از این رو، باید، در برابر این شبهات مقاومت کرد و آنها را از ذهن‌ها و دل‌ها زدود. به طور کلی، حوزه‌های علمی و اعتقادی، نگهبانان میراث قرآنی و فرهنگ تربیتی اسلام - و هم‌چنین صدا و سیما - باید در برابر این تهاجمات پایداری کرده و به تناسب به دفع این زیان‌ها و خطرهای پردازند. هم‌چنین باید در حفظ و گسترش اعتقاد دینی و شناخت درست اعتقادی و عملی تلاش بیشتری کنند. در احادیث و تعالیم از اهمیت ایمان در عصر غیبت به گونه‌ای عجیب یاد شده و منتظران مؤمن به مثابه شمشیر زنان در رکاب پیامبر ﷺ دانسته شده‌اند. این ایمان و باور تا زمان ظهور باید در جامعه باشد و صدا و سیما می‌تواند در این زمینه نقش فعلی و حرکت آفرین داشته باشد انسان عصر غیبت باید دارای شناختی درست و بصیرتی درخشان باشد، تا بتواند اعتقاد حق را حفظ کرده، و در برابر هر پیشامدی پایدار باشد، انسان منتظر باید بداند انتظار چیست؟ برای چیست؟ و او منتظر کیست؟

وظیفه وجدانی و ایمانی هر انسان، نجات هم نوع خویش از گمراهی و ضلالت است. به گواهی حضرت عسکری علیه السلام هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.^۱ پس آنان که امام زمان خویش را شناخته‌اند و به حضرتش ایمان دارند، وظیفه شناساندن را هم بر دوش می‌کشند. سلیمان بن خالد گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: خانواده‌ای دارم که سخن مرا می‌پذیرند، آیا آنها را به این امر (آیین) دعوت کنم؟ حضرت فرمود: آری، خدای عزوجل در کتابش می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ﴾.

زن و مرد و پیر و جوان و کودک و نونهال کشور در ایام ولادت نور، گوش جان و چشم جست و جوگر خود را به برنامه ریزان و برنامه سازان سپرده‌اند تا از زلال معرفت به صاحب‌الزمان (عج) لبریز شوند، باید چون تشنگانی که به آب محتاجند، انسان‌های آگاه دین باور حقیقت جو را به حجت بالغه الهی رساند. آیه الله میرزا مهدی اصفهانی که از جمله باریافتگان آستان امام زمان (عج) است در نامه‌ای به شاگردش شیخ محمدباقر ملکی میانجی می‌نویسد: تو را ای برادر سفارش می‌کنم و باز هم سفارش می‌کنم که مردم را به سوی امام زمانشان و ملجأ و پناهگاهشان - صلوات الله علیه - دعوت کنی و دل‌ها و زبان‌شان را به او متوجه سازی.

باید از بروز هر نوع خرافه و انحراف درباره آن حضرت جلوگیری کنیم. متأسفانه گاهی در جامعه مسائل نادرستی درباره ارتباط با آن حضرت مطرح می‌شود که ممکن است با شأن و ساحت مقدس امام زمان (عج) ناسازگار باشد، پس باید به شدت مراقبت کرد و از طرح این مباحث جلوگیری نمود و گزافه‌گوها را بر ملا ساخت و حقایق واقعی را به مردم انتقال داد. یکی از اقدامات امام زمان (عج) نیز خارج کردن اسلام از میان انبوه خرافات، تحریف‌ها و تفسیرهای نارواست، به طوری که حتی گفته شده اسلام را از نو زنده می‌کنند و آن را از زنگار تحریف‌ها و تفسیرهای نادرست پاک می‌کنند، به گونه‌ای که این آیین کاملاً تازه به نظر می‌رسد. بنابراین، بر منتظران آن حضرت است که با خرافات و گزافه‌گویی‌ها بر خورد جدی داشته باشند تا بتوانند در مسیر آن حضرت حرکت کنند. به راستی آیا پسندیده است که علی رغم آن که نزدیک به شش هزار روایت در این باره از معصومان وارد شده، معرفتی اندک و اجمالی از حضرت صاحب‌الامر علیه السلام داشته و در عوض، مبتلا به چنین مطالب پوچ و بی‌اساس خرافی شویم؟ تشکیل میزگرد فرهنگی برای تبیین واقعیت‌ها و بیان حقایق، ضروری به نظر می‌رسد.

اگر الگوپذیری از قیام عدالت گستر مهدی موعود (عج) در جامعه اسلامی ما به صورت یک فرهنگ درآید و همه دست‌اندرکاران نظام اسلامی، خود را موظف به شناخت ویژگی‌های دولت کریمه آخرین ذخیره الهی بدانند و سعی کنند زندگی فردی و فعالیت اجتماعی خود را بر آن ویژگی‌ها منطبق سازند، آن وقت معنای واقعی انتظار فرج تحقق می‌یابد، رسانه باید در تبیین درست این الگوی کامل از هیچ کوششی دریغ نرزد، به گونه‌ای که با کوچک‌ترین انحرافی از جانب هر شخصی، امر به معروف و نهی از منکر انجام گیرد.

پس از پیروزی انقلاب غربی‌ها فیلم‌هایی در زمینه قیام موعود آخرالزمان با هدف ارائه چهره نامناسب از این قیام ساخته‌اند، حتی با کمال شیطنت می‌گفتند که سازمان سیا پرونده‌ای برای امام مهدی (عج) تشکیل داده، اما تنها عکس ایشان را ندارد.

شخصی از فرانسه در پانصد سال پیش به نام «نوستر آداموس» که منجم، طبیب و کشیش بود و اطلاعاتی از آینده نوشته بود به یهودی‌ها میدان داد تا سوره‌های پیدا کرده و فیلمی ساختند در حالی‌بود که مدت سه ماه از تمام شبکه‌های تلویزیون آمریکا پخش شد. مضمون فیلم بدین صورت است که امام مهدی علیه السلام می‌آید و زمین جدید و ارض جدیدی به وجود می‌آورد و آمریکا را شکست داده و پیروز می‌شود. بعد آمریکا (غرب) با شوروی به توافق می‌رسند و پیمان می‌بندند علیه پسر پیغمبر و شکستش می‌دهند. اینها را بر نوشته‌های آداموس اضافه کردند و این فیلم را ساختند و پخش کردند. هدفشان این است که بگویند خطر اصلی علیه تمدن غرب از اسلام و از مکه است. امروز آغازش با نهضت امام خمینی علیه السلام و فردا با امام مهدی (عج).^۱

۱. شیخ علی کورانی، عصر ظهور.

آنها می‌کوشند تا اعتقاد به پیروزی اسلام را که تحقق وعده الهی است کم‌رنگ کرده، به فراموشی سپارند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: استکبار جهانی و صهیونیسم در تلاش‌اند تا ملت‌های تحت سیطره آنان به وضع تحمیل شده عادت کنند و آن را ثابت، ابدی و تغییر ناپذیر بدانند.^۱ متأسفانه سیاست‌گذاران تاکنون علی‌رغم تبلیغات سازمان‌های جاسوسی و فرهنگی غرب علیه این موضوع و ساخت فیلم‌هایی چون نوستر آداموس، جایگاه ویژه‌ای برای این امر در نظر نگرفته‌اند و تنها در ماه شعبان، در میان سیلی از موسیقی، تبریكات و تبلیغات تجاری مطالبی گذرا و قالبی را پخش می‌کنند. خالقان آثار هنری، به ویژه فیلم‌سازان از دست مایه‌ای قوی و محققانه برای خلق آثاری مناسب برخوردار نیستند. در نتیجه، قدرت لازم برای ایجاد نشاط و تحرک در میان جوانان وجود ندارد. در مقابل، از بسیاری قهرمانان پوشالی و فاسد غربی و اخیراً ژاپنی تبلیغ شده و جایگزین مردان بزرگ قبیله ایمان شده‌اند. بنابراین، ضرورت انجام اقدامی اساسی، یعنی نوعی جهاد فرهنگی در مقابله با تهاجم فرهنگی در این زمینه بیش از هر زمانی به چشم می‌خورد.

در روایت است که آقا هر هفته کارنامه اعمال ما را می‌بینند. از ثواب‌ها و کارهای نیک‌مان شاد می‌شوند و بر گناهان و خطاهای ما گریه می‌کنند و اشک می‌ریزند و طلب مغفرت برای شیعیان می‌نمایند. آیا در شب نیمه شعبان، شیعه واقعی و منتظر حقیقی در پی شاد کردن قلب نازنین مولا خود است یا خدای نخواستہ در پی انجام اعمال زشت؟ به نظر می‌رسد صدا و سیما باید در اسرع وقت گلچینی از بهترین آهنگ‌ها و سرودهای مذهبی ویژه نیمه شعبان را آماده کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد تا خدای نکرده

با مراجعه به موسیقی‌های آن‌چنانی قلب مبارک امام زمان(عج) دردمند نشود، زیرا همان‌طور که در طول سال، ارزش‌ها و احترام به ائمه از اهمیت خاصی برخوردار است، در ایام عید و شادمانی نیز این حرمت به قوت خود باقی است.

یکی از مسائل مهم در معرفی امام عصر(عج)، معرفی ایشان به عنوان شخصیتی فراگیر است، به گونه‌ای که فراتر از هر مذهب و ملیتی برای مردم کل جهان مطرح بوده و قیامشان جهانی باشد. اعتقاد به مهدویت و موعود آخرالزمان به عنوان نسخه‌ی شفابخش می‌تواند جواب‌گوی همه‌ی سؤال‌های پنهان و آشکار انسان امروز باشد و همه‌ی دردهای بی‌درمان او را درمان کند. عدم تأسیس مرکز تحقیقی بزرگی که بتواند با مراجعه به منابع و متون دینی پاسخ‌گوی همه‌ی سؤالات مبتلا به باشد، موجب شده تا مطالب غیر تحقیقی به صورت پراکنده در میان مردم رواج یابد.

تاکنون مرکز تحقیقی مناسبی در جهان اسلام برای مطالعه، تحقیق و کشف تحریفات وارد آمده، تأسیس نشده و همواره حقایق متعالی همراه با بسیاری از افسانه‌ها و تخیلات در میان مسلمین رایج شده است. در این میان، جوانان آسیب‌پذیرتر بوده‌اند، لذا در این ایام رسانه‌ها می‌توانند با طرح این نیاز اساسی، مسئولان امر را در رسیدن به این مقصود یاری کنند.

تهیه‌ی فیلم‌هایی در خصوص کرامات و توجهات امام زمان(عج) و ترویج مسئله انتظار امری ضروری است، زیرا عده‌ای از مخالفان در پی این هستند که با طرح شبهه‌هایی در اصل تولد امام عصر(عج)، شک و تردید ایجاد کرده و چنین القا کنند که از نظر تاریخی نمی‌توان تولد آن حضرت را اثبات کرد، در حالی که اگر به دور از هرگونه غرض‌ورزی سیاسی و تنها به انگیزه دست‌یابی به حقیقت، به کتب تاریخی و منابع نزدیک به غیبت صغری مراجعه شود، جای هیچ تردیدی درباره‌ی تولد امام دوازدهم باقی نمی‌ماند. مهدی(عج) تنها

یک اندیشه نیست که ما در انتظار ولادت او باشیم، یک پیش‌گویی نیست که چشم به مصداق آن بدوزیم، بلکه واقعیتی خارجی است که ما منتظر ظهور نجات‌بخش او هستیم. با وجود این، در صدا به صورت نمایشنامه و در سیما به صورت فیلم و سریال باید نحوه تولد و اصول کلی انقلاب موعود را به تصویر کشید. امروزه وظیفه اساسی ما ذکر مستمر تاریخ، سیره علمی و عملی او نواب (خاص و عام) است. جای شگفتی است که در مملکت صاحب الزمان (عج) مردم شناخت کافی و وافی از ایشان نداشته باشند!

مسجد جمکران میعادگاه عاشقان امام زمان (عج) است، از این رو، جای خوشحالی و سپاس‌گزاری است که بسیاری از مردم و جوانان از گوشه و کنار میهن اسلامی در این مکان مقدس گرد هم آمده و به ساحت مقدس آقا امام زمان (عج) عرض ارادت کنند. رسانه در این ایام با تصویربرداری از این مکان مقدس و شرح مختصری از بنیان‌گذاری آن، می‌تواند دیگران را تشویق به حضور در این اماکن کند.

پیشنهاد سازنده و حرکت آفرین (سازماندهی و رژه سربازان امام زمان «عج» در روز میلاد نور)

ظلم ستیزی، عدل‌گستری و مبارزه با دشمنان اسلام از اساسی‌ترین اصول قیام جهانی حضرت مهدی (عج) است. برای دست‌یابی به چنین اهداف مقدسی، تجهیز، آمادگی و تجلی قدرت اسلام نقشی محوری دارد. سربازان حضرت مهدی (عج) با نمایش قدرت اسلام و اعلان جانفشانی، می‌توانند گام‌های اساسی را برای تحقق چنین هدف مقدسی بردارند. چنین لشکری را ابتدا نایب حضرت مهدی (عج)، امام خمینی علیه السلام پایه‌گذاری کرده و سپس رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیه الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) زعامت و رهبری آن را به عهده گرفتند. امروزه تقویت چنین حرکت مقدسی و آماده‌نگه‌داشتن

سریازان صاحب الزمان (عج)، بخشی از فرهنگ مهدویت و مکتب انتظار است. این فرهنگ باید در اعتقاد، اهداف، آرمان و عملکرد ما نمود داشته باشد. یکی از بارزترین نمودها و تجلی این فرهنگ می‌تواند در ضمن یک رژه و مانور با عظمت در روز جهانی مستضعفان و میلاد خجسته خورشید هدایت، مهدی موعود (عج)، تجسم عینی یابد. در سازماندهی و برپایی چنین رژه باشکوهی، بسیج مستضعفان نقش محوری دارد، در حقیقت، بسیج جلوه کوچکی از ارتش مردمی صاحب الزمان (عج) است. امام صادق علیه السلام درباره نقش سازنده نیروهای مردمی در لشکر صاحب الزمان (عج) می‌فرماید: انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می‌رسانند و در پیش برد آن مؤثرند: الف) سپاهی از فرشتگان؛ ب) سپاهی از مؤمنان؛ ج) سپاهی از رعب. بنابراین، در لشکر امام زمان (عج) هم تأیید و نصر الهی در کار است و مانند جنگ بدر به وسیله فرشتگان پشتیبانی می‌شوند و هم رعب و وحشتی که خداوند در دل دشمن می‌افکند، آنها را متزلزل و مرعوب می‌سازد. از سوی دیگر، حضور فعال مؤمنان، آن انقلاب عظیم را به پیش می‌برد و به سامان می‌رساند.^۱ از آنجا که نیروهای مردمی، مؤمن و متعهد نقش عمده‌ای در پیروزی نهایی دارند باید علاوه بر زنده نگهداشتن و تجلیل آنها در یادها با ترویج و تبلیغ این مسئله نیروهای فداکار و مؤمن را به آمادگی لازم رسانید. نقطه شروع چنین حرکت سازنده‌ای می‌تواند در قالب یک رژه وسیع و گسترده صورت پذیرد. البته منظور از بسیج نیروهای مردمی تنها بسیج به معنای مصطلح نیست، بلکه حتی ارتش مقتدر و سپاه جان برکف و دیگر نیروهای نظامی و انتظامی و مردمی نیز می‌توانند در این راستا نقش آفرین باشند.

با برنامه‌ریزی درست و سنجیده، ثبت نام و سازماندهی ارتش

امام زمان(عج) و برپایی چنین رژه باشکوهی می‌توان در قلوب دشمنان رعب و وحشت ایجاد کرد و در مقابل، امید و سرور و شادمانی را در قلوب عاشقان تقویت نمود تا حضور معنوی حضرت مهدی(عج) در میان مردم بیشتر احساس شود و رابطه عبد و مولا تحقق یابد.

سوالاتی برای مصاحبه و گفت و گو

۱. از واژه‌های امید و انتظار چه برداشتی دارید؟
۲. آینده جهان و سرانجام، سیر تاریخی انسان به کجا ختم می‌شود؟
۳. مدیریت در زمان ظهور چگونه خواهد بود؟
۴. رهبری آینده جهان را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟
۵. ضرورت وجود منجی و هدایت الهی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۶. دعاهایی در خصوص امام زمان(عج) وارد شده، با کدام یک آشنایی بیشتری دارید؟
۷. مشکلات اصلی بشر کنونی را در وجوه اعتقادی، فرهنگی و مدنی چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۸. وظیفه عاشقان امام(عج) در زمان غیبت چیست؟
۹. اصول و رئوس برنامه‌های حکومت حضرت مهدی(عج) چیست؟
۱۰. آیا اقوام مختلف در آماده‌سازی زمینه ظهور نقش متفاوتی دارند؟
۱۱. بحران فرهنگی عصر حاضر چگونه به وجود آمد؟
۱۲. از نشانه‌های قطعی ظهور حضرت چه می‌دانید؟
۱۳. وظیفه علما در زمان غیبت چیست؟
۱۴. موقعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان پس از ظهور را چگونه می‌بینید؟
۱۵. مسئله نیابت عامه حضرت مهدی(عج) یعنی چه؟

۱۶. در مورد نواب خاص حضرت مهدی (عج) چه اطلاعاتی دارید؟
۱۷. چه کسانی می‌توانند توفیق زیارت آن حضرت را در زمان غیبت داشته باشند؟
۱۸. انتظار مخرب و ویران‌گر به چه نوع انتظاری گفته می‌شود؟
۱۹. انتظار سازنده یعنی چه؟
۲۰. خصوصیات منتظران واقعی حضرت چیست؟
۲۱. کسب آمادگی در زمان غیبت یعنی چه؟
۲۲. نظر امام خمینی علیه السلام درباره انواع منتظران چیست؟
۲۳. رهبر انقلاب از واژه انتظار چه تعریفی دارند؟
۲۴. وجود امام غایب چه فوایدی را به همراه دارد؟
۲۵. یک آیه از قرآن مجید را که درباره مهدی (عج) آمده، بیان کنید؟
۲۶. به اختصار در مورد عقیده ادیان دیگر درباره مهدویت توضیح دهید؟
۲۷. انقلاب اسلامی ایران چگونه می‌تواند زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) را فراهم نماید؟

۲۸. در مورد مسجد مقدس جمکران چه اطلاعاتی دارید؟
۲۹. لزوم عشق و غیرت دینی چه نقشی در حفظ ارزش‌ها و مقدسات دارد؟
۳۰. یکی از مجلاتی که درباره امام زمان (عج) تحقیق و بررسی می‌کند، «موعود» نام دارد. به چه میزان با این نشریه آشنایی دارید؟

سوالات مسابقه‌ای

۱. امام مهدی (عج) در چه سالی به دنیا آمدند؟
۲. حضرت در چند سالگی به امامت رسیدند؟
۳. غیبت صغری چند سال طول کشید؟

۴. نایبان خاص حضرت را نام ببرید؟
۵. غیبت کبری چند سال طول کشیده است؟
۶. اکنون در چندمین سال تولد امام زمان(عج) قرار داریم؟
۷. از نام‌ها و القاب حضرت چند تا را نام ببرید؟
۸. یکی از القاب حضرت مهدی(عج) «ربیع الانام» است. آیا می‌دانید چه معنایی دارد؟
۹. در زمان غیبت کبری چه کسانی وظیفه هدایت جامعه اسلامی را به عهده دارند؟
۱۰. این سخن از کیست: مهدی(عج) طاووس بهشتیان است؟
۱۱. مسجدی که با فرمان خاص حضرت مهدی(عج) بنا شده است، چه نام دارد؟
۱۲. چند دعا را که درباره امام زمان(عج) است، نام ببرید؟
۱۳. کدام یک از دعاهای امام زمان(عج) است که عاشقان هر روز صبح آن را می‌خوانند؟
۱۴. به نظر شما مهم‌ترین وظیفه منتظران غیبت چیست؟
۱۵. یکی از نشانه‌های یقینی ظهور حضرت مهدی(عج) را نام ببرید؟
۱۶. چند عنوان از کتاب‌هایی را که درباره امام زمان(عج) نوشته شده، نام ببرید؟
۱۷. یکی از فایده‌های وجود امام را برای جهانیان بیان کنید؟
۱۸. آیا اعتقاد به مهدویت در سایر ادیان هم وجود دارد؟
۱۹. چه سخنی از امام زمان(عج) را به یاد دارید؟
۲۰. فرشتگان الهی در شب قدر به حضور چه کسی و برای انجام چه کاری فرود می‌آیند؟

هدایت‌گران راه نور

گلچینی از سخنان امام مهدی (عج)

۱. من مهدی و قائم الزمان هستم. من آن کسی هستم که زمین را پر از عدل می‌کنم، همان‌گونه که پر از ستم شده است. زمین هرگز از حجت خالی نمی‌ماند و مردم در وقفه نمی‌مانند و این امانتی است که جز به برادرانت از اهل حق مگو.^۱

۲. من ذخیره خدا در زمین و انتقام گیرنده دشمنانش هستم.^۲

۳. من آخرین وصی هستم که خداوند بزرگ به وسیله من گرفتاری‌ها را از خاندان و شیعیانم دور می‌گرداند.^۳

۴. من هنگام قیام آن‌چنان قیام خواهم کرد که بیعت هیچ یک از سرکشان به گردنم نیست.^۴

۵. کیفیت بهره‌برداری مردم از من در زمان غیبت، همانند بهره‌برداری آنان از خورشید است، هنگامی که ابرخورشید را از دیدگان پنهان کند.^۵

۶. وجود من برای اهل زمین موجب امان است، همان‌گونه که ستارگان برای اهل آسمان‌ها موجب امان هستند.^۶

۷. زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نیست، یا آن حجت آشکار است یا پنهان.^۷

۸. هنگامی که خدا به ما اجازه سخن گفتن بدهد، حق آشکار شود و

۱. اکمال الدین و اتمام النعمه، ص ۴۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴.

۳. اکمال الدین و اتمام النعمه، ص ۴۴۱.

۴-۶. همان، ص ۴۸۵.

۷. همان، ص ۵۱۱.

باطل نابود گردد.^۱

۹. هرکس که ما از او بیزاری جویم، خدا و فرشتگان و پیامبران و اولیایش نیز از او بیزاری می‌جویند.^۲

۱۰. اما ظهور فرج، پس آن به اراده‌ی خدایی است که یادش بزرگ است و هرکس (برای ظهور) وقت تعیین کند، دروغ گفته است.^۳

۱۱. برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، زیرا همین موجب فرج و گشایش شماست.^۴

۱۲. از آن چه برایتان سودی ندارد پرسش نکنید و خود را برای دانستن آن چه از شما نخواستند به زحمت نیندازید.^۵

۱۳. فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله برای من الگو است.

۱۴. از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کارها را به ما بسپرید. پس بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب برگردانیم، همان‌گونه که بردن شما به سوی سرچشمه به وسیله‌ی ما بوده است و در پی آن چه از شما پوشیده شده است، نروید.^۶

۱۵. از راه راست به راه چپ منحرف نشوید و مقصد خود را با دوستی ما بر اساس راهی که روشن است، به طرف ما قرار دهید.^۷

۱۶. هر فردی از شما باید به آن چه عمل کند که به وسیله‌ی آن به دوستی ما تقرب جوید و از آن چه او را پست می‌گرداند که همانا ناخوش داشتن و خشم ماست، دوری نماید.^۸

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۹۶.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. اکمال الدین و اتمام النعمه، ص ۴۸۴.

۴. همان، ص ۴۸۵.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۸۹۲.

۶. همان، ص ۱۷۹.

۸. همان، ص ۱۷۶.

۱۷. ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود از هر سو گرفتاری بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را از بین می‌بردند، پس از خدای بزرگ بترسید.^۱
۱۸. اگر محبت شما را نداشتیم و صلاحتان را نمی‌دیدیم ترحم و شفقت بر شما نبود، گفت و گوی با شما را ترک می‌کردیم.^۲
۱۹. اموالی که شما به ما می‌رسانید، ما آنها را نمی‌پذیریم، مگر آن که پاکیزه شوید. پس هر که می‌خواهد آنها را به ما برساند و هر کس می‌خواهد نرساند، آن چه خدا به ما داده بهتر است از آن چه به شما داده است.^۳
۲۰. از رحمت خدا دور است دور! کسی که نماز مغرب را به اندازه‌ای تأخیر بیندازد تا ستاره‌ها آشکار شوند. از رحمت خدا دور است دور! کسی که نماز صبح را به اندازه‌ای تأخیر بیندازد، تا ستاره‌ها ناپدید شوند.^۴
۲۱. هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بسای.^۵
۲۲. وقتی برای هیچ کس جایز نیست که در مال دیگران بدون اجازه آنان تصرف کند، پس چگونه این کار در مال ما جایز می‌شود؟^۶

زمزمه‌های عارفانه

* خدایا! مرا از یاران و یاوران و پیروان و شیعیان او قرار ده و آن چه را خاندان پیامبر ﷺ آرزومندند و دشمنان از آن در هراسند با ظهورش

۱. همان، ص ۱۷۵.

۲. همان، ص ۱۷۹.

۳. اکمال الدین واتمام النعمه، ص ۴۸۴.

۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱.

۵. همان، ج ۵۱، ص ۳۳۹.

۶. اکمال الدین واتمام النعمه، ص ۵۲۱، (شاید اشاره به خمس و سهم امام باشد).

به من بنمایان.^۱

* خدایا! حجت رابه من بشناسان، زیرا اگر حجت خودت را به من شناسانی، از دینم گمراه می‌شوم.

* پروردگارا! دیدارش را آشکار نما و پایگاه هایش را استوار گردان و ما را از کسانی قرار ده که دیدگانشان به دیدار او روشن می‌شود و ما را به خدمت‌گزاری او مشغول دار و برکیش و آیین وی بمیران و ما را در گروه او محشور بفرما.^۲

* پروردگارا! ما را از یاران او و از تقویت‌کنندگان حکومتش و از انجام‌دهندگان امر او و از خشنودشدگان به رفتارش و از تسلیم‌شوندگان در برابر احکامش قرار ده.^۳

خدایا! ما بندگان شیفته ولی تو هستیم که یادآور تو و پیامبر توست و او را پناه و نگهدار ما آفریدی و برای ما قوام و پناه برانگیختی و برای مؤمنان ما امام قرار دادی، پس تبریک و سلام ما را به او برسان.^۴

* خدایا! به وسیله او نمازمان را بپذیر، گناهانمان را بیامرز و دعاهایمان را مستجاب فرما.^۵

* خدایا! بر ما منت‌گذار تا او را خشنودسازیم و مهر و رحمت و دعا و خیر او را به ما ببخش تا بدین وسیله به رحمت و کامیابی گسترده تو دست یابیم.^۶

* خدایا! به وسیله او روزی‌مان را گسترده و غم‌هایمان را برطرف و خواسته‌هایمان را برآورده بفرما.^۷

* خدایا! ما را در حزب او قرار ده که امرش را به پا می‌دارند و با او

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۳۲۸.

۳. همان، ص ۳۳۰.

۴-۷. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

شکیبا هستند و با خیرخواهی وی خرسندی ات را می جویند، تا در روز قیامت ما را جزء یاران و یاوران و تقویت کنندگان حکومتش محشور نمایی.^۱

* خدایا! عقیده ما به امام زمان (عج) را از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرت طلبی خالص کن، تا به جز تو به کسی اعتماد ننماییم و جز خاطر تو را نجوییم و ما را به مقام او برسان و در بهشت ما را با او همراه کن و از هر بی میلی و تنبلی و سستی ما را پناه ده.^۲

* خدایا! آن چهره رشید و آن پیشانی نیکوی او را به من نشان ده و دیدگانم را با دیدارش سرمه کش.^۳

* خدایا مرا به سیر او سلوک ده.^۴

امام زمان (عج) در آئینه کلام امام خمینی علیه السلام

* شما الآن وظیفه سنگینی دارید، شما الآن تحت نظر خدا و تحت نظر امام زمان (عج) هستید، ملائکه شما را مراقبت می کنند، نامه اعمال شما را به امام زمان (عج) عرضه می دارند. باید متوجه باشید. مبدا از این اختیاراتی که حالا پیدا کرده اید و از این قدرتی که الآن پیدا کردید و (از) زیر بار آن قدرت ظالم بیرون رفتید، خودتان یک قدرت ظالمه باشید و به برادران خودتان تعدی کنید.^۵

* من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت

۱. همان، دعای امام زمان (عج).

۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۳. همان، دعای عهد.

۴. مفاتیح الجنان.

۵. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۰۲-۲۰۳، (۵۸/۴/۴۰).

به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر (عج) هست.^۱

* رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله (عج) است و باید ماها و شما طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست به دست آوریم.^۲

* این کشوری که کشور ائمه هدی علیهم السلام و کشور صاحب الزمان (عج) است، باید کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را - ان شاء الله - به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می گذرد، جلوگیری کند.^۳

* با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور امام زمان (عج) این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رساند.^۴

* ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان (عج) هستیم، پس دیگر بنشینم در خانه هایمان، تسبیح را در دست بگیریم و بگوییم: «عَجِّلْ عَلٰی قَرَجِهِ» عَجِّلْ با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، - ان شاء الله - ظهور می کند ایشان.^۵

* امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان به پا خیزند و داد خود

۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵، (۵۹/۳/۲۰).

۲. همان، ج ۱۴، ص ۶۹، (۵۹/۱۲/۴).

۳. همان، ص ۱۹۵، (۶۰/۱/۳۱).

۴. همان، ص ۲۱۲، (۶۰/۲/۱۰).

۵. همان، ج ۱۸، ص ۱۹۵-۱۹۶، (۶۲/۱۰/۱).

را از مستکبران بگیرند و مقدمات فرج آل محمد علیهم السلام را فراهم نمایند.^۱

* خداوند این اسلام را جمهوری اسلامی را نگه دارد و ما را موفق کند که به لقای جمال مبارک امام زمان (عج) موفق بشویم.^۲

* چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازی‌ها و فتنه‌انگیزها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد.^۳

* با سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت، حضرت بقیة الله (ارواح‌نافداه) و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار، سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند، سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند.^۴

* ما مفتخریم که ائمة معصومین علیهم السلام از علی بن ابی طالب علیه السلام گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) که به قدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است، ائمة ما هستند.^۵

* هرچه هست از اسلام است و از برکات وجود مبارک حضرت بقیة الله (عج) ما همه ما، چیزی نیستیم.^۶

این مقال را با جمله زیبای حضرت امام علیه السلام درباره حضرت مهدی (عج) به پایان می‌رسانیم:

۱. همان، ج ۱۹، ص ۵، (۶۳/۳/۷).

۲. همان، ص ۱۶۱، (۶۴/۲/۱۶).

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۲.

۴. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۷، (۶۸/۱/۲).

۵. همان، ص ۱۷۷ (وصیت نامه سیاسی، الهی).

۶. همان، ج ۲۰، ص ۹۹، (۶۶/۴/۸).

من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ‌تر از این است، نمی‌توانم بگویم که شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست، ایشان را نمی‌توانیم با هیچ تعبیری، تعبیر کنیم، الا همین که مهدی موعود(عج) است.

امام زمان(عج) در آئینه کلام حضرت آیه الله خامنه‌ای

* نیمه شعبان روز ولادت ولی عصر(عج) روز مستضعفین و روز امید دل‌های مؤمن و معتقد به مسئله مهدی موعود و امام زمان(عج) است.^۱

* مسئله امام زمان(عج) یکی از ارزنده‌ترین مسائل اسلامی است که هم در دوران مبارزه با طاغوت به مبارزین امید می‌داد و هم امروز که روز حکومت اسلامی، حکومت مستضعفین زمین است، ما را تشویق می‌کند که حرکت خود را تسریع کنیم.^۲

* در گذشته، سوء استفاده‌های زیادی از قضیه انتظار شده است. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سال‌های متمادی کوشش می‌کردند تا به مردم تزیق کنند. برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه که در مقابل ظلم و فساد و کفر و بدی و شرارت بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان(عج) خودش بیاید و مشکل را حل کند. این برداشت منفی است، یعنی سلب مسئولیت نسبت به همه شرارت‌ها و بدی‌های موجود در جامعه.^۳

* برداشت مثبت و صحیح این است که اگر امام زمان(عج) خواهد آمد و دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد، پس ما باید به سهم خود در زمینه‌سازی این دنیا کوشش کنیم.

* امام زمان(عج) باید به صورت یک الگو برای مؤمنین درآید. اگر آن حضرت

با کفر می‌جنگد و برای عدالت زحمت می‌کشد و مجاهدت می‌کند، ما هم که مأموم و دنباله‌رو او هستیم، باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم.^۱

* اعتقاد به امام زمان(عج) و این که آن حضرت با ظهور خود دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، یک وسیله حرکت و یک عامل نشاط برای ملت ما و تمام کسانی است که به این مسئله اعتقاد دارند.^۲

* اگر دنیا را خورشیدی روشن خواهد کرد، به این معنا نیست که ما تا آمدن آن خورشید نورانی در تاریکی بنشینیم.^۳

* حرکت آن حضرت هر سمتی باشد (باید) حرکت پیروان او هم به همان سمت باشد.^۴

* قانع نشدن به وضع موجود و تلاش فزاینده و مستمر در انجام اعمال نیک و خیر یک بُعد انتظار است و امید به آینده‌ای روشن که در آن سراسر زندگی بشر را تفکر الهی فرا خواهد گرفت، بُعد دیگر انتظار است.^۵

* انتظار ظهور مهدی موعود(عج) بخش عظیمی از اعتقادات ماست، حقیقت (انتظار) به صورتی برجسته، درخشان و پر امید در محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان جهان وجود دارد.^۶

* نفس انتظار و امید، به انسان جرأت اقدام و حرکت و نیرو می‌بخشد.^۷

* انتظار فرج و اعتقاد به مهدویت علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی بسیار بارز آن، دارای جنبه‌های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمی است.^۸

* شیعیان و پیروان آن حضرت باید کسب آمادگی معنوی، روحی و ایمانی

۱-۴. همان.

۵. جمهوری اسلامی، ۶۹/۱۲/۱۲.

۶. همان، ۷۰/۱۲/۱.

۷ و ۸. همان، ۷۲/۱۱/۹.

را جزء وظایف خود بدانند.^۱

* امروز در نقطه مقابل تلاش دشمنان باید در جهت اعتقاد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت حرکت کنیم.^۲

* منتظران صاحب الزمان (عج) به منور شدن چشم انداز زندگی بشر و پایان دوران ظلم و تجاوز امیدوارند و جنایات و ستم و تزویر سردمداران استکبار جهانی نمی‌تواند چشمه امید را در دل‌های آنان خاموش کند.^۳

منتظران حضرت حجت (عج) تردیدی ندارند که روزگار ظلم و طغیان و تجاوز سرانجام به پایان خواهد رسید و قدرت قاهره حق همه قله‌های فساد و تعدی را از بین خواهد برد.^۴

اگر آن حضرت پرچم دین و قرآن و نظام الهی را در سراسر عالم خواهد گستراند، ما هم که دنباله‌رو و معتقد به او هستیم باید تا حدی که در توان ماست در گوشه‌ای از دنیا پرچم اسلام را برافراشته نگاه داریم.^۵

داستان‌های برگزیده

تولد الهی

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام (عمه امام حسن عسکری علیه السلام) گفت: امام حسن عسکری علیه السلام به من پیام داد که امشب هنگام افطار، نزد ما بیا، زیرا امشب شب نیمه شعبان است. خداوند متعال به زودی در این شب حجت را آشکار می‌کند که حجت خدا بر سراسر زمین باشد.

عرض کردم: مادر او کیست؟ فرمود: مادرش نرجس است.

عرض کردم: خداوند مرا فدایت قرار دهد، اثر حمل در نرجس دیده نمی‌شود.

۱. همان.

۲. همان، ۷۰/۱۲/۱.

۳. رسالت، ۶۷/۱/۱۵.

فرمود: همان است که گفتم، امشب حجت خدا متولد می‌شود.
حکیمه می‌گوید: وقتی که نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفتم و سلام کردم و نشستم، حضرت نرجس آمد که کفش مرا بیرون آورد و به من فرمود: سیده من، حالت چطور است؟ عرض کردم: بلکه تو سیده من و خانم اهل بیت من هستی! او سخن مرا رد کرد و گفت: ای عمه، این چه حرفی است که می‌زنی؟ گفتم: ای دختر! خداوند امشب به تو پسری عطا می‌کند که آقای دنیا و آخرت است.

حکیمه می‌گوید: نرجس نشست و نشانه‌های شرم در چهره او آشکار شد. بعد از آن که از نماز عشا فارغ شدم، افطار کردم و به خوابگاه خود رفتم و خوابیدم. هنگامی که نصف شب فرا رسید، برخاستم و نماز شب را خواندم، بعد از نماز دیدم حضرت نرجس علیها السلام در خواب است و اثری از وعده برادرزاده‌ام امام حسن عسکری علیه السلام دیده نمی‌شود، مشغول تعقیب نماز شدم، سپس خوابیدم و بعد در حال ترس، از خواب بیدار شدم. دیدم نرجس علیها السلام در خواب است. بعد از لحظه‌ای او برخاست و نماز شب خواند، من (برای این که اثر وضع حمل در او ندیدم) به شک افتادم (که نکند او حامله نباشد) ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام از اتاق خود صدا زد: ای عمه! عجله نکن، فرارسیدن وعده نزدیک است.

حکیمه گوید: سوره‌های الم سجده و یاسین را خواندم. در این حال بودم که ناگاه نرجس علیها السلام هراسان بیدار شد، به سوی او شتافتم. گفتم: «خدا یارت باد» سپس گفتم: آیا چیزی احساس می‌کنی؟

گفت: آری، عمه جان!

گفتم: خاطر جمع و دلگرم باش، این همان است که گفتم.

حکیمه می‌گوید: در این هنگام یک نوع سستی بر من و بر نرجس عارض شد که چیزی نفهمیدیم. ناگاه دریافتیم که حضرت مهدی (عج) متولد شده است.

روپوش را از روی او کنار زدم، دیدم او به حالت سجده روی زمین قرار گرفته است. او را برگرفتم، دیدم پاک و پاکیزه است، در این هنگام امام حسن عسکری علیه السلام صدا زد: عمه! پسر مرا نزد بیاور. او را نزد امام حسن عسکری علیه السلام بردم. آن حضرت، نوزاد را روی دستش گرفت و پاهایش را روی سینه‌اش قرار داد. سپس زیانش را در دهان نوزاد گردانید و دستش را بر چشمان و گوش‌ها و مفاصل او کشید. سپس فرمود: پسر جان سخن بگو! نوزاد گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا و بی‌همتا نیست و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسول خداست.

سپس بر امیر مؤمنان علیه السلام و سایر امامان علیهم السلام درود فرستاد تا به پدرش رسید و آن‌گاه سکوت کرد.

حکیمه می‌گوید: امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود: عمه جان! این نوزاد را نزد مادرش ببر، تا بر او سلام کند. سپس نزد من بازگردان، من نوزاد را نزد مادرش بردم، به مادر سلام کرد. سپس او را نزد پدرش بازگرداندم و در مجلس امام نهادم.^۱

تلاش بی‌فایده

معتد، خلیفه عباسی از این که امام حسن عسکری علیه السلام را مسموم کرده بود، خوشحال بود.

مردم در برابر قدرت حکومت، خود را باخته بودند. ترس و وحشت بر دل‌ها سایه افکنده بود و دهان همه قفل شده بود.

۱. حاج شیخ عباس قمی، انوارالبهیه، (نگاهی بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام)، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی.

امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید، برادرش جعفر در کنار خانه آن حضرت نشسته بود و گروهی از شیعیان اطراف او را گرفته بودند و تسلیت می‌گفتند. در این هنگام عقید خادم امام علیه السلام بیرون آمد و به جعفر گفت: جنازه امام را کفن کردند، بیایید نماز بخوانید.

جعفر وارد خانه شد، جمعیت به همراه او وارد حیاط شد. پیکر مطهر امام حسن عسکری علیه السلام را در تابوت گذاشته بودند. جعفر پیش رفت تا بر جنازه امام نماز بگذارد. ناگهان کودکی گندمگون و سیاه موی، بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و او را کنار کشید و گفت: عمو کنار برو، من باید بر پدرم نماز بخوانم.

جعفر در حالی که قیافه‌اش دگرگون شده بود، کنار رفت. آن کودک بر پیکر مطهر امام نماز گزارد و به این ترتیب، تلاش بی‌فایده جعفر برای امام شدن خنثی شد.^۱

حکایت شنیدنی

یکی از خدام حضرت رضا علیه السلام می‌گوید:

برای کشیدن دندان نزد دکتر رفتم، دکتر گفت: غده‌ای هم کنار زبان شماست که باید جراحی شود. من موافقت کردم. اما پس از عمل جراحی لال شدم و قدرت حرف زدن را از دست دادم. ناگزیر همه چیز را روی کاغذ می‌نوشتم و به این وسیله با دیگران ارتباط برقرار می‌کردم. هرچه به پزشک مراجعه کردم درمان نپذیرفت و فایده‌ای نبخشید. دکترها می‌گفتند: عصب گویایی شما صدمه دیده است.

ناراحتی و بیماری به من فشار آورد. ناچار برای معالجه عازم تهران شدم.

۱. فاطمه صالح مدرسه‌ای، منتظر تا صبح فردا، ص ۹۱.

در تهران روزی خدمت آقای علوی رسیدم. ایشان فرمودند: راهنمایی من به تو این است که چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران بروی، اگر شفایی هست آن جاست.

تصمیم جدی گرفتم، هر هفته از مشهد بلیت هواپیما تهیه می‌کردم، شب‌های سه‌شنبه تهران می‌آمدم و شب چهارشنبه، به مسجد جمکران مشرف می‌شدم. در هفته سی و هشتم بعد از نماز به مسجد رفتم و صلوات می‌فرستادم که ناگهان حالت خاصی به من دست داد. دیدم همه جا نورباران شد و آقای وارد شد. مردم هم پشت سر ایشان بودند و می‌گفتند: حضرت حجة بن الحسن (عج) می‌باشند.

من با ناراحتی در گوشه‌ای ایستادم و با خود اندیشیدم که نمی‌توانم به آقا سلام کنم. حضرت نزدیک من آمدند و فرمود: سلام کن. من به زیانم اشاره کردم تا اظهار کنم که لال هستم و بی‌ادب نیستم که سلام نکنم. حضرت بار دوم فرمود: سلام کن. بلافاصله زیانم باز شد و سلام کردم. در این هنگام به حال عادی برگشتم و متوجه شدم در سجده و مشغول صلوات فرستادن هستم.^۱

کَتَبَةُ الْحُجَّةِ

شخصی کتابی در ردّ مذهب شیعه نگاشته بود و در مجالس عمومی آن را مطرح می‌کرد و در نتیجه، بعضی را نسبت به مذهب شیعه بدبین و عقیده آنها را منحرف می‌کرد. از طرفی، کتاب را در اختیار کسی نمی‌گذاشت تا مطالبش مستقیماً و یا با واسطه در دست دانشمندان قرار نگیرد و ایرادی بر آن وارد نمایند.

۱. فاطمه صالح مدرسه‌ای، منتظر تا صبح فردا، ص ۹۵-۹۶.

علامه حلی که یکی از بزرگ‌ترین متفکران جهان شیعه است، چندی به‌طور ناشناس در جلسه‌ی درس آن شخص رفت و آمد کرد و سرانجام، تقاضای دریافت کتاب کرد. آن شخص نتوانست به‌طور کلی، دست رد بر سینه‌ی او بزند. گفت: من نذر کرده‌ام که کتاب را جز یک شب به کسی واگذار نکنم. ناگزیر علامه پذیرفت که فقط یک شب آن کتاب نزد وی بماند.

علامه آن شب با یک دنیا خرسندی به رونویسی کتاب پرداخت. نظر علامه این بود که هرچه مقدور شود از آن کتاب یادداشت بردارد و به پاسخ‌گویی آن اقدام نماید. اما همین که شب به نیمه رسید علامه را خواب فراگرفت. ناگاه دیده‌ی مردی که در واقع چشم بیدار انسان هاست، داخل اتاق شد و فرمود:

ای علامه! تو کاغذها را خط‌کشی و آماده کن، من کتاب را می‌نویسم. اما وضع چنان بود که علامه در خط‌کشی هم به آن شخص نمی‌رسید، زیرا سرعت نوشتن او فوق‌العاده بود. سپس فرمود: علامه، تو بخواب و نوشتن را به من واگذار.

علامه بی‌چون و چرا فرمان آن مرد را اطاعت کرد و خوابید، چون از خواب برخاست تمام کتاب را بدون هیچ کم و کاستی در دفتر خود منعکس شده یافت.

گویند که تنها اثر شخص نویسنده، نام مبارکش بود که در پایان کتاب ظاهراً با نقش «کَتَبَهُ الْحُجَّه» به چشم می‌خورد.^۱

فرزندم مهدی (عج) در مسجد کوفه

شب از نیمه گذشته و مطالعات علمی فکرم را سخت ناتوان کرده بود.

۱. فاطمه صالح مدرسه‌ای، منتظر تا صبح فردا، ص ۹۷-۹۸ به نقل از: سید حمید علم الهدی.

از حجره بیرون آمدم و در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قدم می‌زدم تا نخستگی فکرم کم شود، محیطی آرام و فضایی روح افزا بود.

اما همان لحظه که من در سیاه چادر شب بازبانی خاموش و دلی گویا می‌خرامیدم، صدای ملایم پایی گوشم را نوازش می‌داد و به دنبال آن، سایه شخصی را که به سوی حرم شریف روان بود مشاهده کردم.

راستی در این نیمه شب کیست که قصد تشریف به حرم را دارد؟ درها که بسته است! خادمان حرم همه خفته و در بستر آسایشند! من آرام خود را به او نزدیک کردم و رفتارش را زیر نظر گرفتم، گویا او مرا نمی‌دید و به سوی هدف پیش می‌رفت.

همین که به در حرم نزدیک شد، قفل باز گردید و در گشوده گشت! سردناشناس در کمال وقار و ادب کنار حرم مطهر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام ایستاد در آن مکان مقدس سلام کرد و من جواب سلام او را که از مزار شریف آمد شنیدم. سپس احساس کردم که آن مرد با کسی در یک مسأله علمی شروع به سخن کرده است. هنوز از آن گفت و گو چیزی نگذشته بود که آن مرد از حرم خارج شد.

حس کنجکاوی مرا بر آن داشت تا او را تعقیب نمایم، لذا آرام آرام به هر کجا که می‌رفت من نیز می‌رفتم.

آن مرد از شهر خارج شد و به سوی مسجد کوفه روان گشت. در مسجد، داخل محراب شد و گویا با کسی به گفت و گو پرداخت. سخنانش که به اتمام رسید از مسجد خارج شد و به سوی شهر مراجعت کرد.

نزدیک دروازه نجف که رسید، تازه سپیده صبح دمیده بود و ختفگان کم از بستر استراحت سر بر می‌داشتند و آماده نماز به درگاه بی‌نیاز می‌شدند.

من آن‌گاه خود را بدان بزرگ مرد رساندم. چون به صورتش نگریستم، دیدم استاد مقدس اردبیلی است.

پس از سلام و انجام مراسم ادب، عرضه داشتم:
 دیشب از لحظه‌ای که به حرم حضرت امیر علیه السلام وارد شدید تا هم اکنون با
 شما بودم، لطفاً بفرمایید آن کس که در حرم با وی سخن گفتید و آن کس که
 در محراب مسجد کوفه ملاقات کردید چه کسی بود؟
 استاد مقدس اردبیلی بعد از گرفتن پیمان، که رازش تا موقعی که زنده
 است فاش نکنم فرمود:
 فرزندم، گاه می‌شود که حلّ مسائل بر من دشوار می‌گردد و چون از حلّ آن
 عاجز می‌شوم به خدمت حلالّ مشکلات حضرت علی علیه السلام شرفیاب می‌گردم و
 جواب را از آن حضرت می‌گیرم! اما شب گذشته حضرت علی علیه السلام پاسخ مرا
 به حضرت صاحب‌الزمان (عج) واگذار نمود و فرمود: فرزندم مهدی (عج)
 در مسجد کوفه است. او امام زمان توست؛ نزد او برو و جواب مسائل خود را
 از وی فراگیر. من نیز به امر آن حضرت داخل مسجد کوفه شدم و آن کس که
 با وی گفت و گو می‌کردم، حضرت مهدی امام زمان (عج) بود.^۱

۱. فاطمه صالح مدرسه‌ای، منتظر تا صبح فردا، ص ۱۰۰-۱۰۱، به نقل از: سید حمید علم الهدی.

آخرین کلام و معرفی کتاب

سخن آخر

شیعیان، دیو یأس و ناامیدی را از خویش رانده و به عاقبت و سرنوشت بشر خوشبین‌اند. نیک می‌دانند که همهٔ این برنامه‌های رنگارنگ و مسلک‌های دلفریب مجعول بشر قادر نیستند انسان را از گرداب بدبختی نجات دهند و بحران‌های خطرناک جهانی را مهار کنند، بلکه قوانین و دستورهای جامع و متین اسلام را که از منبع وحی سرچشمه گرفته، برای تأمین سعادت بشر صالح می‌دانند. آنان عصر درخشانی را پیش بینی می‌کنند که بشر به حد کمال رسیده، زمام ادارهٔ جهان را به دست امام معصوم علیه السلام سپرده و از هرگونه خطا و اشتباه و خودخواهی و غرض‌ورزی منزّه و در امان است. شیعه در انتظار چنین روزی است و خود را برای چنین انقلابی آماده می‌سازد. این آروزی است که از روزگاران قدیم دربارهٔ آن سخن‌ها گفته و پیامبران و حکیمان آن را وعده داده‌اند. انعکاس این آرزو، در آفاق و اعصار پیچیده و منتظران چشم به راه را در معبر انتظار نشانیده است، تا روزی که امواج این واقعهٔ بزرگ در جام خورشید ریزد و نسیم پیروزی از کران تا کران

دشت‌ها وزیدن آغاز نماید و جوانه‌های شادی به ثمر نشیند و جویبارها، نهرها و رودها در آن ایام برکت خیز به جریان در آیند و بانگ «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله» از فراز مأذنه‌ها در همه جای جهان طنین انداز شود. عدل و احسان همه جا را فراگیرد و نابه سامانی‌ها از میان برود، و جهل و ستم از جهان رخت بریندد، دل‌ها منور، عقل‌ها کامل، دانش‌ها واقعی، زندگی‌ها پاک و امتیازهای پست مادی نابود شود. آن روز همه جا و همه چیز نور و روشنایی خواهد بود.

پروردگارا! دیدارش را آشکار نما و پایگاه‌هایش را استوار گردان و ما را از کسانی قرار ده که دیدگانمان به دیدار او روشن می‌شود و ما را به خدمتگزاری او مشغول دار و برکیش و آیین وی بمیران و ما را در گروه او محشور بفرما و چنان‌چه مرگی بین ما و دیدار او فاصله انداخت، پس ما را هنگام ظهور زنده کن تا از قبرمان بیرون آییم و کفن پوش در رکابش جهاد کنیم. در آن صفی که به صف استادگانش را در کتابت ستایش نمودی، پس خدایا! سیمای فرخنده ولی خودت را در زندگی و پس از مرگ به ما بنمایان.

سر به قیامت چو بر آرم زخاک	نیست مرا جز هوس روی تو
مسایل فردوس برین نیستند	خاک نشینان سر کوی تو
کیست که دیوانه نگرده ز عشق؟	گر نگرده سلسله موی تو
بار دگر زنده شوم بعد موت	گر به مشامم برسد بوی تو

فهرست بعضی از کتاب‌های بزرگان شیعه درباره حضرت مهدی (عج)

۱. اصول کافی، (کتاب الحجّه)، ثقة الاسلام کلینی.
۲. اکمال الدین، شیخ ابو جعفر صدوق.
۳. الارشاد، شیخ مفید بغدادی.
۴. خمس رسائل فی اثبات الحجّه، شیخ مفید بغدادی.
۵. الوجیزه فی الغیبه، سید مرتضی علم الهدی.
۶. الغیبه، شیخ الطائفه طوسی.
۷. البرهان علی صحّة طول عمر الامام صاحب الزمان، شیخ ابو الفتح کراچکی.
۸. الغیبه، محمد ابراهیم نعمانی.
۹. اعلام الوری، امین الاسلام طبرسی.
۱۰. الملاحیم والفتن، سید ابن طاووس.
۱۱. فصول نصیریّه (فصل امامت)، خواجه نصیرالدین طوسی.
۱۲. المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، سید هاشم بحرانی.
۱۳. بحار الانوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳، علامه مجلسی.
۱۴. اثبات الهداة، شیخ حر عاملی.

۱۵. نجم الثاقب، حاج میرزا حسین نوری.
۱۶. الصّحیفه المهدویّه، حاج شیخ فضل الله نوری.
۱۷. کفایه الموحّدین (جلد ۳)، سید اسماعیل عقیلی طبرسی.
۱۸. بیان الفرقان (جلد ۵)، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی.
۱۹. المهدی المنتظر والعقل، شیخ محمد جواد مغینه لبنانی.
۲۰. المصلح المنتظر، شیخ محمد رضا شمس الدین.
۲۱. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی.
۲۲. قائم آل محمد ﷺ و فلسفه غیبت، حاج میرزا خلیل کمره‌ای.
۲۳. موعودی که جهان در انتظار اوست، حاج شیخ علی دوانی.
۲۴. نوید امن و آمان، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی.
۲۵. دادگستر جهان، آیه الله ابراهیم امینی.
۲۶. المهدی، آیه الله سید صدرالدین صدر.
۲۷. منتخب الاثر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی.
۲۸. المهدی الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین جعفر العسکری.
۲۹. الامام الثانی عشر، سید محمد سعید موسوی هندی.
۳۰. المنتظر علی ضوء حقائق العامه، محمد حسین الادیب عراقی.
۳۱. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، شیخ مرتضی مطهری.
۳۲. آینده بشریت از نظر مکتب ما، آیه الله سید محمود طالقانی.
۳۳. در فجر ساحل، شیخ محمد حکیمی خراسانی.
۳۴. نام محبوب - بررسی نامها و القاب امام عصر (عج)، سید حسین حسینی، نشر آفاق، چاپ سوم، ۱۳۷۶، تعداد ۱۵۸ صفحه.
۳۵. اصالت مهدویت در اسلام (از دیدگاه اهل سنت)، مهدی فقیه ایمانی، ناشر: مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۳۶. شیوه‌های یاری قائم آل محمد (عج)، میرزا محمد باقر فقیه ایمانی، چاپ اول، شعبان، ۱۴۱۹، صفحه ۲۲۴.
۳۷. مهدی علیه السلام و مسأله رجعت، آیه‌الله سید ابوالحسن مولانا، انتشارات نور ولایت، صفحه ۱۴۰.
۳۸. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، مترجم سید مهدی حائری قزوینی، نشر آفاق، وزیری.
۳۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا حضور، سید محمد کاظم قزوینی، ترجمه دکتر حسین فریدونی، نشر آفاق، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴۰. مهر محبوب، سید حسین حسینی، نشر آفاق، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۴۱. در ساحل انتظار، سید مهدی شمس‌الدین، انتشارات قدس، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۴۲. دُر و صدف، محمد شجاعی، نشر یحیی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶.
۴۳. در آستانه خورشید، امور فرهنگی و تبلیغات ستاد بزرگداشت نیمه شعبان، نشر نور ولایت، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴۴. غیبت، ظهور، امامت، واحد تحقیقات مسجد جمکران، ناشر انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۴۵. ظهور نور، شیخ علی سعادت‌پرور مترجم سید جواد وزیری فرد، انتشارات تشیع، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴۶. حضرت مهدی (عج) فروق تابان ولایت، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات مسجد جمکران، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۴۷. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، علیرضا رجالی تهرانی، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۴۸. نشانی از امام غایب، دکتر محمد مهدی رکنی، آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۴۹. چشم به راه مهدی (عج)، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۵۰. عصر ظهور، علی کورانی، مترجم: عباس جلالی، سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۱. صدای پای موعود، داود کیانیان، دفتر نمایشنامه‌های مذهبی وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۳.

فهرست بعضی از کتاب‌های عالمان اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج)

۱. ابراز الوهم المکتون بین کلام ابن خلدون، احمد محمد صدیق مغربی.
۲. اخبار المهدی، حماد بن یعقوب.
۳. الاذاعة، (لما كان و ما يكون بين يدي الساعة)، محمد صدیق خان بخاری هندی.
۴. الاربعین، ابو نعیم اصفهانی.
۵. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، علی بن حسام الدین متقی هندی.
۶. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی.
۷. الرد علی من حکم و قضی: أن المهدی جاء و مضی، ملا علی قاری حنفی مکی.
۸. العرف الوردی فی اخبار المهدی، جلال الدین سیوطی.
۹. العطر الوردی فی شرح القطر الشهیدی، فی اوصاف المهدی، محمد بن محمد بلیسی.
۱۰. القطر الشهیدی فی اوصاف المهدی (منظوم)، شهاب الدین خلوانی.
۱۱. المشرّب الوردی فی اخبار المهدی، ملا قاری حنفی مکی.
۱۲. المهدی، شمس الدین ابن قیم الجوزیه.
۱۳. الهدیة الندیة، لِإِلامة المَحمَدیة فی فضل الذات المَهدیة، شیخ مصطفی بکری.

١٤. تحديق النظر في اخبار الامام المنتظر، محمد بن عبدالعزيز بن مانع.
١٥. تلخيص البيان في علامات مهدي آخر الزمان، ابن كمال پاشاى حنفى.
١٦. عقد الدرر في اخبار المهدي المنتظر، يوسف بن يحيى مقدس سلمى.
١٧. فوائد الفكر في المهدي المنتظر، يوسف كرمى مقدسى.
١٨. مناقب المهدي، حافظ ابو نعيم اصفهانى.
١٩. نعمت المهدي، حافظ ابو نعيم اصفهانى.
٢٠. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر، حافظ ابو العباس احمد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ارفع، سید کاظم، سیره عملی اهل بیت، طلوع آزادی، ۱۳۷۶.
۲. البحرانی (الحسینی)، السید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب العلمیه.
۳. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۴. حیدری، عزیز الله، انتظار و انسان معاصر، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۹ ق.
۵. شفیع سروستانی، ابراهیم، در انتظار موعود، مؤسسه فرهنگی موعود، ۱۳۷۶.
۶. الصافی الکلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، تهران، مرکز نشر کتاب.
۷. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قدس سره)، سازمان مدارک فرهنگی، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۸. الصدر، السید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، مکتبه آل الرسول الاعظم.
۹. الصدوق (ابن بابویه)، ابو جعفر، محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ ج در یک مجلد، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ق.
۱۰. صالح مدرسه‌ای، فاطمه، منتظر تا صبح فردا، مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۷۷.
۱۱. صدر، محمد باقر، مترجم: عباس مخبر دزفولی، هفت سؤال پیرامون حضرت

- مهدى (عج)، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٦٨.
١٢. الطوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن، كتاب الغيبة، تهران، مكتبة نينوى الحديثه.
١٣. العسكري، نجم الدين جعفر بن محمد، المهدي الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة والاماميه، ٢ ج، تهران مؤسسه الامام المهدي، ١٣٦٠.
١٤. الكليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران (الكتب الاسلاميه)، ١٣٦٥.
١٥. المتقي (البرهان الفوري)، علي بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الأقال و الأفعال، بيروت، مؤسسه الرساله ١٤١٣ هـ. ق.
١٦. المجلسي، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، بيروت مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ ق.
١٧. المفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بيروت، مؤسسه الاعلمى.
١٨. مدرس، سيد محمد تقى، زندگى و سيمای حضرت امام المهدي القائم، ترجمه: محمد صادق شريعت، مؤسسه فرهنگى انصار الحسين.
١٩. موهي، عبدالرحيم، جان جانان، انتشارات شفق، ١٣٧٤.
٢٠. مكارم شيرازى، ناصر، حكومت جنبهاني مهدي (عج)، مدرسه الامام على بن ابيطالب، ١٣٧٥.
٢١. النعماني، محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة، تهران، مكتبه الصدوق.
٢٢. النورى، حسين، نجم الثاقب، قم، آستان مقدس صاحب الزمان (جمكران).
٢٣. هيئت تحريريه مؤسسه در راه حق، پيشواى دوازدهم (حضرت امام حجة ابن الحسن المهدي (عج)، قم، در راه حق، ١٣٧٦.
٢٤. هيئت تحريريه مؤسسه اصول دين، دادگر غيبى و خدايى، مؤسسه در راه حق، ١٣٧٦.
٢٥. اليزدى الحائرى، على، الزام الناصب فى اثبات الحجة الغائب، بيروت مؤسسه اعلمى.

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ السَّاعَةِ وَلِيًّا
وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا
وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

الکتب بساتین العلماء

کتاب‌ها بوستان دانشمندانند

حضرت علی علیه السلام



مؤسسه بوستان کتاب قم^۱ (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) از سال ۱۳۶۱ با هدف «تبیین و گسترش معارف دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی» با نشر آثاری از «اندیشمندان و فرهیختگان» کار خود را آغاز کرد. پس از به بار نشستن تلاش پژوهشی «واحدهای دفتر تبلیغات اسلامی»^۲، انتشار آن را نیز عهده‌دار شد.

این مؤسسه آثار را در سه گروه مخاطب «تخصصی، عمومی و کودک و نوجوان» پس از تصویب در «شورای بررسی آثار» با رعایت معیارهایی از جمله: «اتقان و محتوای مناسب، نیاز جامعه به موضوع اثر، روشمند بودن تألیف، نبودن کتاب مشابه در بازار و...» در حوزه اندیشه اسلامی منتشر می‌کند.

پرافتخارترین

ناشر برگزیده کشور

- (۱۶) نوبت ناشر سال، ۱۳۷۱ کتاب برگزیده با ۱۵۱ امتیاز
- ✓ ناشر سال ۱۳۷۵، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ کشوری (برگزیده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)
 - ✓ ناشر سال ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ حوزه (برگزیده مدیریت حوزه علمیه قم)
 - ✓ ناشر برگزیده دوازدهمین دوره تکوین خادمان قرآن کریم سال ۱۳۸۳
 - ✓ ناشر برگزیده نهمین و پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱
 - ✓ ناشر برگزیده نخستین جشنواره کتاب آسان سال ۱۳۸۳
 - ✓ ناشر سال ۱۳۷۸ استان قم
 - ✓ کتاب برگزیده با ۱۵۱ امتیاز در جشنواره‌های مختلف
 - ✓ کتاب سال کشوری، حوزه، دانشجویی، ولایت، کنگره دین پژوهان و...

۱. از ۱۳۸۰/۱/۲۸ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با نام «مؤسسه بوستان کتاب قم» فعالیت می‌نماید.

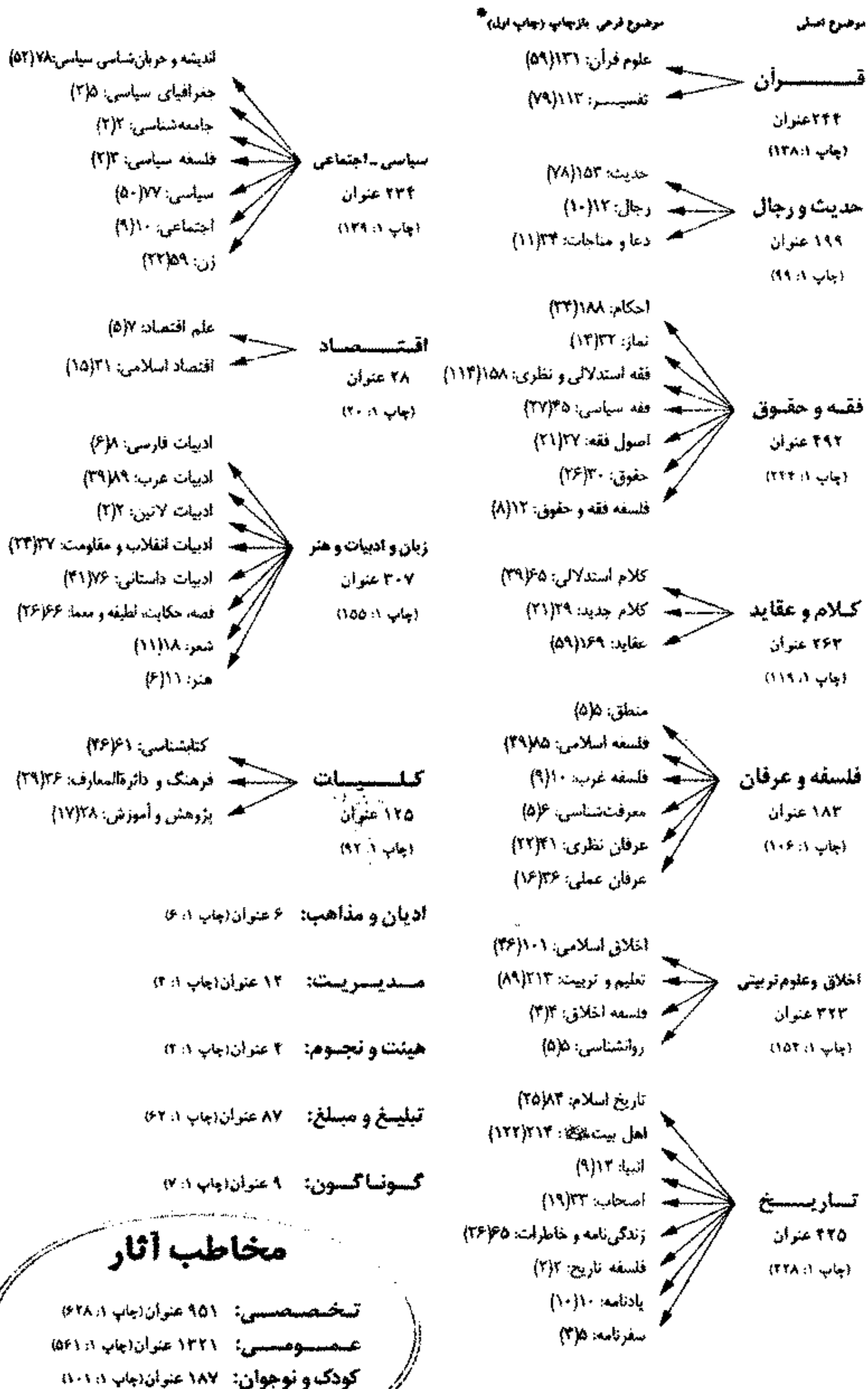
۲. واحدهای دفتر تبلیغات اسلامی که آثارشان را این مؤسسه منتشر می‌کند عبارتند از: مؤسسه پژوهشی علوم و فرهنگ

اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی)، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مؤسسه آموزش عالی باقرالمسلم علیه السلام، مرکز

آموزش مسلمین، مرکز آموزش خوارزمی، مؤسسه انتظار نور، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه

اصفهان، معاونت فرهنگی و هنری، مجلات: پیام زن، حوزه، با معارف اسلامی آشنا شویم و...

موضوع و مخاطب آثار و تعداد آن‌ها



* تعداد عناوین چاپ اول هر موضوع در پرانتز آمده و با احتساب بازچاپ هر کدام، تعداد عناوین منتشره هر موضوع ناپایان تیر ماه ۱۳۸۴ مشخص شده است.

تهیه آثار از طریق پست
خواستاران کتاب‌های مؤسسه می‌توانند از طریق وب سایت:

<http://www.bustaneketab.com>

یا فروشگاه‌ها و نمایندگی‌های فروش آثار مؤسسه را تهیه نمایند و یا با واریز مبلغ کتاب به حساب سیبا (ملی):
۰۱۰۲۱۵۹۰۵۵۰۰۳ به نام مؤسسه و ارسال فیش آن به نشانی مؤسسه، از طریق پست، دریافت نمایند.


فروشگاه‌های مؤسسه

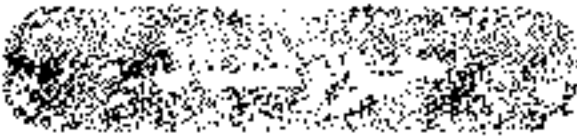
- فروشگاه مرکزی، قم میدان شهدا، بوستان کتاب قم، تلفن: ۷۷۲۲۲۲۶
- فروشگاه شماره ۲، تهران خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پشن)، پلاک ۲۲/۳، تلفن: ۶۴۶۰۷۲۵
- فروشگاه شماره ۳، مشهد چهارراه خسروی، ابتدای خ آزادی، مجتمع یاس، تلفن: ۲۲۲۳۶۷۶
- فروشگاه شماره ۴، اصفهان خ حافظ، چهارراه کرمانی، گلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان) تلفن: ۲۲۲۰۲۷۰

کتابفروشی‌ها و مراکز انتشاراتی و نمایندگی فروش کتاب‌های مؤسسه در داخل کشور

- | | |
|--|--|
| ● چالدران:
رضایی، خ ساحلی، تلفن: ۳۶۲۲۲۵۵ | ● قزوین:
شهید شفیع زاده، خ امام خمینی <small>علیه السلام</small> ، تلفن: ۵۵۶۶۹۲۳ |
| ● اردبیل:
نمایشگاه دانشی آموزش و پرورش، خ امام خمینی <small>علیه السلام</small> ،
تلفن: ۲۲۲۱۸۵۹ | ● آذرشهر:
اندریشه، خ امام خمینی، مجتمع میلاد نور، تلفن: ۴۲۲۴۱۷۲ |
| ● اصفهان:
امام عصر (عج)، خ چهار باغ، تلفن: ۲۲۰۲۹۲۳
خاتم الانبیاء، خ حافظ، تلفن: ۲۲۱۳۰۵۰ | ● بفاب:
طباطبایی، جنب مصلی، تلفن: ۵۲۸۶۳۹ |
| | ● مراغه:
مرکز فرهنگی ثقلین، میدان طلوع فجر، تلفن: ۲۲۳۹۰۰۰ |
| | ● میانه:
رسالت، خ سرچشمه، تلفن: ۲۲۲۵۰۱۱ |

حافظ نوین، بازار بین الحرمین، تلفن: ۵۶۳۱۳۷۴
 حکمت، خ ابوریحان، شماره ۳، تلفن: ۶۴۶۱۲۹۲
 دارالکتب الاسلامیه، خ پامنار، تلفن: ۵۶۲۷۴۴۹-۵۶۲۰۴۱۰
 دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، خ انقلاب، تلفن: ۶۴۶۹۶۸۵
 سازمان تبلیغات اسلامی، خ بهارستان، تلفن: ۷۵۲۱۹۷۵
 سازمان تبلیغات اسلامی، میدان فلسطین، تلفن: ۸۹۰۲۸۴۳
 سروش، خ انقلاب، تلفن: ۶۴۳۶۲۰
 شبکه اندیشه، ابتدای خ آزادی، تلفن: ۶۹۲۵۱۲۷
 شرکت پخش آثار، خ شهدای ژاندارمری، تلفن: ۶۴۶۰۲۳۳
 شفیع، خ اردیبهشت، تلفن: ۶۴۹۴۶۵۴
 قدیانی، خ شهدای ژاندارمری، تلفن: ۶۴۰۴۴۱۰
 کتاب مرجع، خ فلسطین، تلفن: ۸۹۶۱۳۰۳ و ۸۹۶۳۷۶۸
 کوکب، خ ۱۲ فروردین، تلفن: ۶۴۰۶۵۲۸
 محصولات فرهنگی عصر ظهور، خ افسریه،
 تلفن: ۳۱۴۷۲۲۰

مولی، خ انقلاب، تلفن: ۶۴۰۹۲۳۳

مشهد:
 بوستان کتاب (فروشگاه ۳)، چهارراه خسروی،
 تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

نیشابور:
 سازمان تبلیغات اسلامی، خ شریعتی، تلفن: ۶۳۱۴۷۵


اهواز:
 اشراق، خ نوری، تلفن: ۲۲۲۸۶۸۱
 رشد، خ حافظ، تلفن: ۲۲۱۶۲۴۵


اندیمشک:
 رحمانی، خ امام خمینی، تلفن: ۲۰۹۷۲
 عترت، ستاد اقامه نماز اندیمشک، تلفن: ۲۴۴۱۱


خدمات فرهنگی فدک، خ مسجد سید، تلفن: ۲۲۰۵۴۸۵
 سازمان تبلیغات اسلامی، خ مسجد سید، تلفن: ۳۳۶۷۴۵۱
 فرهنگسرای اصفهان، دروازه دولت، تلفن: ۲۲۰۴۰۲۹
 فرهنگسرای الزهراء، چهارراه شکرشکن،
 تلفن: ۲۲۹۱۸۷۴

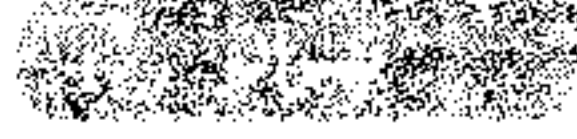
گلستان کتاب، خ حافظ، تلفن: ۲۲۲۵۲۰۶
 نشر و پخش کریم اهل بیت، سبزه میدان، مجتمع تجاری
 امیر، تلفن: ۲۲۲۸۸۴۲

نمایشگاه کتاب آموزش و پرورش، خ شهید رجایی،
 تلفن: ۴۹۴۴۳
 ولایت، (آران و بیدگل) خ ولی عصر، تلفن: ۲۰۹۵۰

کاشان:

یزدانخواه، بازار، تلفن: ۲۴۸۵۹

مهران:

میدان امام خمینی، تلفن: ۰۹۱۲۳۵۱۴۸۲۸

بوشهر:

سازمان تبلیغات اسلامی، میدان امام خمینی،
 تلفن: ۵۵۵۸۲۵۷۲
 موعود اسلام، خ لیان، تلفن: ۲۵۲۴۹۳۳


تهران:

آفاق، خ پاسداران، دشتستان چهارم، تلفن: ۲۸۴۷۰۳۵
 بوستان کتاب فروشگاه ۲، خ فلسطین جنوبی، کوچه پشن،
 پلاک ۲۲۲، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵

پخش آثار، خ شهدای ژاندارمری، تلفن: ۶۴۶۰۲۳۳
 پخش دانش علم، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین،
 تلفن: ۶۴۸۰۳۷۸

● **دزفول:**

فروشگاه کتاب حرم، حرم مطهر حضرت، سبز قبا،

معراج، خ شریعتی، تلفن: ۵۲۵۱۳۷۵

تلفن: ۲۲۲۲۴۹۲

همشهری، خ شریعتی، تلفن: ۲۲۲۶۲۵۹

● **زنجان:**

سازمان تبلیغات اسلامی، خ امام، تلفن: ۲۲۲۹۵۷۱

کتابفروشی مسجد سید، سبزه میدان، تلفن: ۲۲۲۵۵۷۷

● **شاهرود:**

مسجد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خ امام خمینی،

تلفن: ۲۲۲۲۹۵۰

● **زاهدان:**

مجتمع فرهنگی نبی اکرم صلی الله علیه و آله، تقاطع خیابان مصطفی

خمینی علیه السلام و طالقانی، تلفن: ۲۲۲۰۴۴۳

● **شیراز:**

دارالکتب شهید مطهری، خ زند، تلفن: ۲۳۵۹۰۲۳

نجم الدین، فلکه دانشجو، تلفن: ۰۹۱۷۱۱۸۲۰۳۳

وفاق، بلوار زند، تلفن: ۲۳۲۲۲۰۷

● **قزوین:**

سازمان تبلیغات اسلامی، خ شهید، تلفن: ۲۲۹۰۱۹

کانون توحید، میدان آزادی، تلفن: ۲۲۲۳۸۷۷-۲۸۱

● **قم:**

اخلاق، خ ارم، تلفن: ۷۷۲۲۶۳۵

ارمغان طوبی، خ نورشهر، تلفن: ۷۷۲۷۲۶۷

اسلامی (جامعه مدرسین)، بلوار امین، تلفن: ۲۹۲۲۲۱۹

الهادی، فلکه الهادی، تلفن: ۶۶۱۶۱۲۲

ام القرئی، خ شهید رجایی، تلفن: ۷۷۲۵۶۴۶

بنیاد معارف اسلامی، خ شهید، خ تلفن: ۷۷۲۰۰۰۹

بهشت بینش، خ بلوار امین، تلفن: ۸۲۸۵۸۵

پارسیان، خ ارم، تلفن: ۷۷۲۷۱۶

پرسیمان دینی، خ ارم، تلفن: ۷۸۲۰۲۸۰

پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، خ نورشهر،

تلفن: ۷۷۲۰۷۲۵

پژوهشکده تعلیم و تربیت، خ حجتیه، تلفن: ۷۷۴۲۳۰۹

تپش، خ آذر، تلفن: ۷۷۱۳۰۷۶

توحید، چهارراه شهید، تلفن: ۷۷۴۲۱۵۱

جمال، بلوار بهار، تلفن: ۷۷۴۶۲۵۳

حضور، خ حجتیه، تلفن: ۷۷۴۹۴۲۴

دارالتقلین، خ ممتاز، تلفن: ۷۷۲۲۹۹۳

دارالعلم، خ ارم، تلفن: ۷۷۴۲۲۹۸

دارالفکر، خ شهید، تلفن: ۷۷۴۲۵۴۴

دلیل ما، معلم ۲۹، تلفن: ۷۷۴۹۹۸۸

ذوی القربی، پاساژ قدس، تلفن: ۷۷۴۶۶۶۳

سازمان تبلیغات اسلامی، روبه‌روی شیخان،

تلفن: ۷۷۴۰۳۷۶

سلطانی، پاساژ قدس، تلفن: ۷۷۲۴۰۴۷

شکسوری، پاساژ قدس، تلفن: ۷۷۴۰۴۲۸

صحیفه خود، خ ممتاز، تلفن: ۷۷۴۸۹۳۳

صلاة، خ ارم، تلفن: ۷۷۴۹۵۷۴

طوبی، خ چهارمردان، تلفن: ۷۷۲۱۴۸۰

عصمت، چهارراه شهید، تلفن: ۷۷۴۰۵۱۵

کتابسرای قائم، پاساژ قدس، تلفن: ۷۷۲۹۵۲۵

کتاب گستر جوان، خ شاه سید علی، تلفن: ۰۹۱۲۳۵۱۱۲۵۲

معروف، خ مصلی، تلفن: ۲۹۲۶۱۷۵

مهدی، کوچه بیگدلی، تلفن: ۶-۷۸۲۲۷۵۵

مهر امیرالمؤمنین، بلوار بهار، تلفن: ۷۷۲۲۹۹۷

مؤسسه امام خمینی، خ ممتاز، تلفن: ۷۷۲۲۲۲۶

مؤمنین، پاساژ قدس، تلفن: ۷۷۲۱۲۲۸

نمایندگی آستان قدس قم، پاساژ قدس، تلفن: ۷۷۲۴۶۸۴

نوید اسلام، پاساژ قدس، تلفن: ۷۷۲۲۴۶۲

هجرت، معلم، تلفن: ۷۷۲۲۴۵۹

● کرمان:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری، تلفن: ۲۲۶۹۱۷۱-۴

● بسم:

کوثر، سه راه رستم آباد، تلفن: ۴۲۲۰۴۰۹

● رفسنجان:

شهدای غدیر، میدان شهدا، تلفن: ۰۹۱۳۳۹۱۶۸۱۹

● کرمانشاه:

پایروند، بازار وکیل الدوله، تلفن: ۷۲۲۷۵۶۲

خانه کتاب، میدان ارشاد، تلفن: ۸۲۲۲۲۰۱-۳

شمس، میدان آزادی، تلفن: ۸۲۲۵۱۰۶

● اسلام آباد غرب:

خاتم، خ راه کربلا، تلفن: ۰۸۲۲-۵۲۲۵۶۲۷

● سنندج:

غزالی، پاساژ عزتی، تلفن: ۲۲۵۶۱۰۰

مرکز بزرگ اسلامی، خ امام خمینی، تلفن: ۲۲۵۳۰۱۳

● گرگان:

سازمان تبلیغات اسلامی، میدان وحدت، تلفن: ۲۲۲۱۴۲۷

● گنبد کاووس:

همشهری، خ گلشن غربی، تلفن: ۲۲۹۲۸۲۶ و ۲۲۹۳۹۲۸

● رشت:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری، تلفن: ۲۲۲۲۲۶۳

● ساری:

رسالت، خ انقلاب، تلفن: ۲۲۲۳۷۴۲

کتاب گستر، خ جمهوری اسلامی، تلفن: ۲۲۱۱۹۳۲

● بابل:

سازمان تبلیغات اسلامی، جنب مسجد جامع،

تلفن: ۲۲۲۰۴۲۱-۴

حدیث مهتاب، خ امام خمینی، چهار سوق، مجتمع تجاری

خاتم الانبیاء، تلفن: ۲۲۹۵۲۷۱ و ۲۲۹۵۴۱۹

● چالوس:

بقیة الله، مصلی، تلفن: ۲۲۲۶۷۳۶

● رامسر:

الهیان، میدان امام، تلفن: ۵۲۲۲۹۵۸

● دلیجان:

شهید مطهری، خ طالقانی، تلفن: ۴۲۲۳۶۳۴

● بندرعباس:

سازمان تبلیغات اسلامی، جنب شهرداری مرکز،

تلفن: ۲۲۴۰۵۹۹

● همدان:

آیت‌الله مدنی، میان دانشگاه، تلفن: ۸۲۶۰۲۱۱-۱۴

● تویسرکان:

آینه، خ باهنر، تلفن: ۲۲۲۲۷۵۱

● ملایر:

سروش، خ سعدی، تلفن: ۲۲۱۶۸۵۰

● یزد:

نیکوروش، خ امام خمینی، تلفن: ۶۲۶۴۶۹۹

سازمان تبلیغات اسلامی، بلوار شهید پاک‌نژاد،

تلفن: ۷۲۵۱۰۰۹

● اردکان:

آل‌الهییت، خ شهید رجایی، تلفن: ۷۲۲۹۱۴۶ و

۰۹۱۱۲۵۲۹۱۲۲

نمایندگی‌های فروش کتاب‌های مؤسسه در خارج کشور

● بغداد:

مکتبه دار السجاد، شارع العنبری.

● بصره:

مکتبه دار الزهراء، اودار الامام الهادی، سوق العشار.

● نجف:

منشورات نوری الغربی، سوق الحدیث.

● دمشق:

کتابفروشی الجوادین، الشارع عام سیده زینب، مقابل

حوزه زینبیه.

● بیروت:

دارالغدیر، حارة حریک بنایة البنك اللبنانی السویسری،

هاتف: ۹۶۱۱۵۵۸۲۱۵ - تلفکس: ۹۶۱۱۲۷۳۶۰۴

مؤسسه برای واگذاری نمایندگی آثار خود به کتاب‌فروشی‌ها و مراکز بخش
- خصوصاً در شهرهای فاقد نمایندگی - آماده همکاری و انعقاد قرارداد است.

مؤسسه بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

پهن‌ماه ۱۳۸۳

Sep̄ideye Om̄id

[Dawn of hope]

by

Sayyed Ḥosayn Eshāpī

Būstān-e- Ketab- Qom, press

(The Garden of the Book - Qom)

[The Center of Publication and Printing of the

"Daftar-e- Tabliqāt Islāmī Huze 'Elmiye Qom"

(The office of Islamic Propagation of the Islamic Seminary of Qom)]

The most glorious selected publisher in Iran

Qom,IR,IRAN,P.O.Box: 37185.917

Phone No:+98251 7742155 Fax: + 98251 7742154

http: //www.bustaneketab.com

E-mail: bustan@ bustaneketab.com

مؤسسة بستان الكتب في قم

مركز الطباعة والنشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي

الناشر أكثر نجاحاً على المستوى الوطني

عنوان المكتب المركزي: إيران، قم، اول شارع شهداء، ركن الزقاق ۱۷، ص ب: ۹۱۷

الهاتف: +۹۸۲۵۱ ۷۷۴۲۱۵۵، الفاكس: +۹۸۲۵۱ ۷۷۴۲۱۵۴، التوزيع: +۹۸۲۵۱ ۷۷۴۳۴۲۶